



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

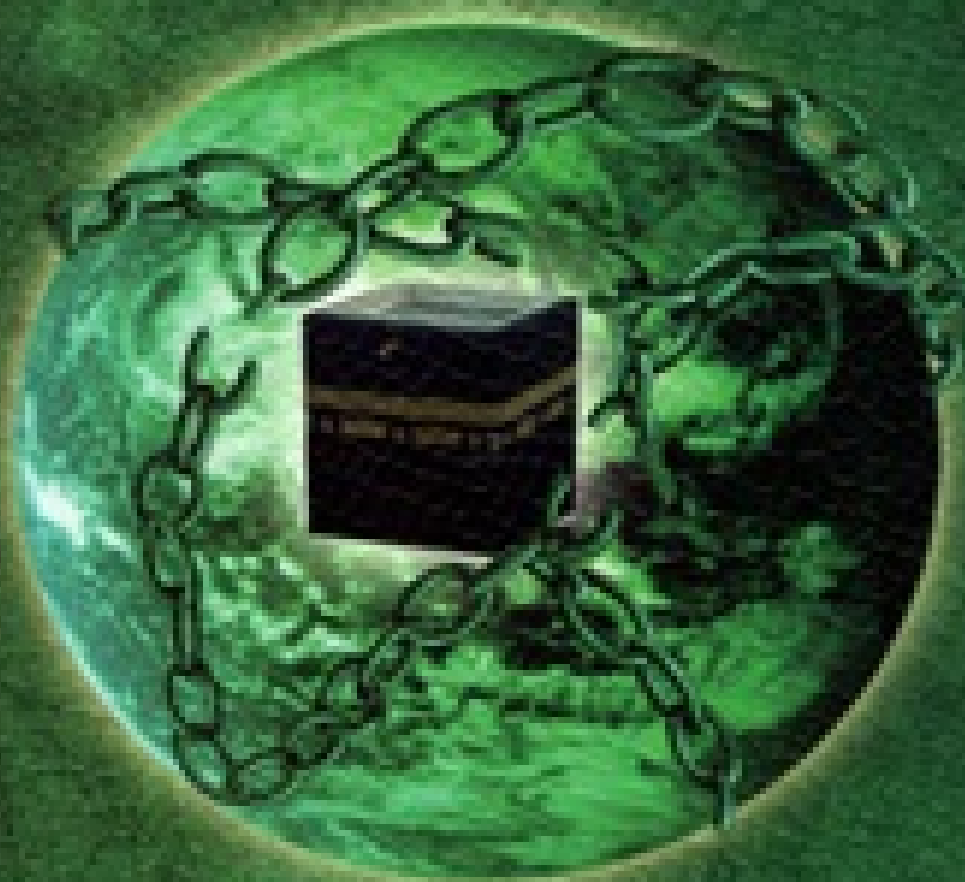
گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

قصہ نامی آخر الزمان



مؤلف: سید محمد حسین سید انجمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتنه های آخرالزمان

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

بینش آزادگان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	فتنه های آخرالزمان
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۹	پیشگفتار
۲۱	خلاصه کتاب
۲۲	منشأ فتنه ها
۲۳	اسرار فتنه و بلا
۲۸	فتنه بنی امیه
۳۰	فتنه بنی عباس
۳۵	فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام
۳۷	فتنه دجال در آخر الزمان
۴۰	فتنه زن های آخرالزمان
۴۳	خصلت های زشت و زیبای زن
۴۷	فتنه های گوناگون
۴۷	اشاره
۴۸	۱- فتنه مال
۴۹	۲- فتنه اولاد
۵۱	فتنه دشمنان درونی
۵۱	فتنه شیطان
۵۳	فتنه رفیق و هم نشین
۵۴	فتنه علم و دانش
۵۸	فتنه اخلاق ناپسند

- ۶۱ فتنه حمایت نکردن از امام علیه السلام
- ۶۲ فتنه امر به معروف و نهی از منکر
- ۶۵ فتنه اختلاف و تفرقه
- ۶۸ فتنه ریاست طلبی
- ۷۰ راه نجات از فتنه های آخر الزمان
- ۷۴ نشانه های آخر الزمان و قیام حضرت مهدی علیه السلام
- ۷۴ اشاره
- ۷۵ فتنه های آخر الزمان [اشراط الساعة]
- ۸۳ نشانه های آخر الزمان
- ۸۵ فروختن دین به دنیا در آخر الزمان
- ۸۹ ضایع نمودن نماز در آخر الزمان
- ۹۱ فساد اعتقادی در آخر الزمان
- ۹۴ اسراف های آخر الزمان
- ۹۹ ولایت پیدا کردن زن بر مرد در آخر الزمان
- ۱۰۲ بالا رفتن بچه ها بر منابر آخر الزمان
- ۱۰۵ پرداخت نکردن زکات و حقوق مالی در آخر الزمان
- ۱۰۷ بی احترامی به پدر و مادر در آخر الزمان
- ۱۱۰ روی آوردن مردم به شطرنج و آلات لهو در آخر الزمان
- ۱۱۲ تجارت زن ها در آخر الزمان
- ۱۱۵ مفساد جنسی در آخر الزمان
- ۱۱۸ تزئین قرآن و مساجد در آخر الزمان
- ۱۲۲ رشوه و ربا در آخر الزمان
- ۱۲۳ مال های حرام در آخر الزمان
- ۱۲۵ کنار گذاردن دین در آخر الزمان
- ۱۲۷ اعتقاد به جبر در آخر الزمان
- ۱۳۰ گلابه های مردم آخر الزمان

- ۱۳۴ برداشته شدن برکت در آخر الزمان
- ۱۳۹ خطبه غدیر
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۴۱ پرسش های بی پاسخ مانده
- ۱۴۸ خطبه غدیر
- ۱۴۸ ۱- حمد و ستایش پروردگار
- ۱۵۱ ۲- ابلاغ رسالت الهی
- ۱۵۸ ۳- تصریح رسول خداصلی الله علیه وآله به خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۶۲ ۴- معرفی اصحاب صحیفه و غاصبین خلافت
- ۱۶۵ ۵- معرفی دوستان و دشمنان علی علیه السلام
- ۱۶۶ ۶- توصیف دوستان علی و فرزندان اوعلیهم السلام
- ۱۶۷ ۷- توصیف دشمنان علی و فرزندان اوعلیهم السلام
- ۱۶۸ ۸- بشارت رسول خداصلی الله علیه وآله به قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف
- ۱۶۹ ۹- سفارش رسول خداصلی الله علیه وآله به حج و نماز و زکات
- ۱۷۳ ۱۰- اقرار گرفتن از مردم درباره ولایت علی علیه السلام
- ۱۷۹ اشعار عربی و فارسی درباره غدیر
- ۱۷۹ اشاره
- ۱۸۱ اشعار فارسی درباره غدیر
- ۱۸۶ عید غدیر بر عاشقان ولایت مبارک باد
- ۱۹۰ مصیبت مولا علی علیه السلام
- ۱۹۲ مصیبت مولا علی علیه السلام
- ۱۹۴ مرثیه مولا علی علیه السلام
- ۱۹۶ شعراء الغدیر فی القرون الماضیه
- ۱۹۶ اشاره
- ۱۹۶ ۱- امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۰۰ ۲- حسان بن ثابت

- ٢٠٠ ٣- السيد الحميري رحمه الله
- ٢١٤ اشعار السيد في حديث العشيره
- ٢١٨ ٤- الفقيه الشيخ محمد حسين التجفي
- ٢٢٤ بشري الغدير
- ٢٢٤ (الغدر و الختل)
- ٢٢٧ قصيده غدريته
- ٢٣١ آثار مؤلف تاكنون
- ٢٣٣ درباره مركز

سرشناسه : حسینی، محمد، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور : فتنه های آخر الزمان / نویسنده سید محمد حسینی بهارانچی.

مشخصات نشر : اصفهان: بئش آزادگان، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۹۰ص.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۱-۱-۰۱-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : فتن و ملاحم -- احادیث

موضوع : آخر الزمان (اسلام) -- احادیث

موضوع : مهدویت -- انتظار -- احادیث

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۵/ح۴۷ف۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۹۰۲۱۰

ص : ۱

اشاره

پیشگفتار ۹

خلاصه کتاب ۱۱

منشأ فتنه ها ۱۲

اسرار فتنه و بلا ۱۳

فتنه بنی امیه ۱۸

فتنه بنی عباس ۲۰

فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام ۲۵

فتنه دجال در آخر الزمان ۲۷

فتنه زن های آخر الزمان ۳۰

خصلت های زشت و زیبای زن ۳۳

فتنه های گوناگون ۳۶

۱- فتنه مال ۳۷

۲- فتنه اولاد ۳۸

فتنه دشمنان درونی ۴۰

فتنه شیطان ۴۰

فتنه رفیق و هم نشین ۴۲

فتنه علم و دانش ۴۴

ص: ۵

فتنه اخلاق ناپسند ۴۸

فتنه حمایت نکردن از امام علیه السلام ۵۰

فتنه امر به معروف و نهی از منکر ۵۱

فتنه اختلاف و تفرقه ۵۴

فتنه ریاست طلبی ۵۷

راه نجات از فتنه های آخر الزمان ۵۹

نشانه های آخر الزمان و قیام حضرت مهدی علیه السلام ۶۳

فتنه های آخر الزمان [اشراط الساعه] ۶۴

نشانه های آخر الزمان ۷۱

فروختن دین به دنیا در آخر الزمان ۷۳

ضایع نمودن نماز در آخر الزمان ۷۷

فساد اعتقادی در آخر الزمان ۷۹

اسراف های آخر الزمان ۸۲

ولایت پیدا کردن زن بر مرد در آخر الزمان ۸۷

بالا رفتن بیچه ها بر منابر آخر الزمان ۹۰

پرداخت نکردن زکات و حقوق مالی در آخر الزمان ۹۳

بی احترامی به پدر و مادر در آخر الزمان ۹۵

روی آوردن مردم به شطرنج و آلات لهو در آخر الزمان ۹۸

تجارت زن ها در آخر الزمان ۱۰۰

مفاسد جنسی در آخر الزمان ۱۰۳

تزئین قرآن و مساجد در آخر الزّمان ۱۰۶

رشوه و ربا در آخر الزّمان ۱۱۰

مال های حرام در آخر الزّمان ۱۱۱

کنار گذاردن دین در آخر الزّمان ۱۱۳

اعتقاد به جبر در آخر الزّمان ۱۱۵

گلایه های مردم آخر الزّمان ۱۱۸

ص: ۶

برداشته شدن برکت در آخر الزمان ۱۲۲

خطبه غدیر ۱۲۷

پرسش های بی پاسخ مانده ۱۲۹

خطبه غدیر ۱۳۶

۱- حمد و ستایش پروردگار ۱۳۶

۲- ابلاغ رسالت الهی ۱۳۹

۳- تصریح رسول خداصلی الله علیه وآله به خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۴۶

۴- معرفی اصحاب صحیفه و غاصبین خلافت ۱۵۰

۵- معرفی دوستان و دشمنان علی علیه السلام ۱۵۳

۶- توصیف دوستان علی و فرزندان اوعلیهم السلام ۱۵۴

۷- توصیف دشمنان علی و فرزندان اوعلیهم السلام ۱۵۵

۸- بشارت رسول خداصلی الله علیه وآله به قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف ۱۵۶

۹- سفارش رسول خداصلی الله علیه وآله به حج و نماز و زکات ۱۵۷

۱۰- اقرار گرفتن از مردم درباره ولایت علی علیه السلام ۱۶۱

اشعار عربی و فارسی درباره غدیر ۱۶۷

اشعار فارسی درباره غدیر ۱۶۹

عید غدیر بر عاشقان ولایت مبارک باد ۱۷۲

مصیبت مولا علی علیه السلام ۱۷۴

مصیبت مولا علی علیه السلام ۱۷۵

مرثیه مولا علی علیه السلام ۱۷۶

شعراء الغدير في القرون الماضيه ١٧٧

١- اميرالمومنين عليه السلام ١٧٧

٢- حسان بن ثابت ١٧٩

٣- السيد الحميرى رحمه الله ١٧٩

اشعار السيد فى حديث العشيره ١٨٥

ص: ٧

٤- الفقيه الشيخ محمد حسين النجفي ١٨٦

بشرى الغدير ١٨٨

(الغدر و الختل) ١٨٨

قصيده غديريّه ١٨٩

آثار مؤلف ١٩١

ص: ٨

بسم الله الرحمن الرحيم

هدف از این نوشتار، توجه دادن برادران و خواهران مسلمان به فتنه‌ها و نشانه‌های آخر الزمان می‌باشد که سبب انحراف بسیاری از مردم این زمان شده است و دشمنان داخلی و خارجی مسلمانان، با ارتباط‌های پیشرفته روز، در مقام گمراه نمودن مردم مسلمان، به ویژه جوانان مسلمان هستند. آنان فساد و فحشا را جلوه می‌دهند و باطل‌های خود را به شکل حقّ مطرح می‌کنند و از بی‌اطلاعی مردم ما، سوء استفاده می‌نمایند؛ گرچه این حرکت در زمان‌های پیشین نیز وجود داشته است و لکن با این گستردگی نبوده؛ از این رو، نویسنده احساس نمود که خطرهایی که رسول خداصلی الله علیه و آله و امامان معصوم ماعلیهم السلام برای این زمان‌ها بیان نموده‌اند را برای عموم مردم بازگو کند تا آگاه شوند و از این فتنه‌ها در امان بمانند.

در این کتاب نشانه‌های آخر الزمان نیز به طور خلاصه بیان شده است و به همین علت این کتاب به نام «فتنه‌های آخر الزمان» نامیده شد، به امید آن که برادران و خواهران مسلمان، با مطالعه این کتاب موقعیت زمانی خود را بشناسند و از آفت‌های آخر الزمان پرهیز نمایند، و چون رسول خداصلی الله علیه و آله در پایان سخنان خود در غدیر - درباره آخر الزمان - راه نجات از فتنه‌های آخر الزمان را، تمسک به قرآن و

اهل بیت خود معرفی نمود، در پایان این کتاب خطبه غدیر درج گردید، ان شاء الله که همه مردم از آن استفاده کنند، و ما نیز به وظیفه «فلیبلغ الشاهد الغائب و الوالد الولد» عمل نموده باشیم، و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم و لله الحمد أولاً و آخراً.

خادم اهل البيت عليهم السلام

سید محمد حسینی بهارانچی

ذیقعدہ ۱۴۳۰ هـ ق

ص: ۱۰

فتنه های آخرالزمان شامل چند دوره از تاریخ اسلام می شود:

۱- فتنه های ابتدای رسالت و دعوت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله.

۲- فتنه های دوران بیست و سه ساله رسالت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله.

۳- فتنه های هنگام رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله از دنیا.

۴- فتنه های پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله از دنیا.

۵- فتنه های زمان حکومت ظاهری پنج ساله امیرالمؤمنین علیه السلام.

۶- فتنه های پس از رحلت امیرالمؤمنین علیه السلام از دنیا.

۷- فتنه های زمان هر کدام از ائمه علیهم السلام.

۸- فتنه های دولت های اموی و مروانی و عباسی.

۹- فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام [و نشانه های ظهور آن حضرت].

۱۰- فتنه های قبل از قیام قیامت [اشراط الساعه].

فتنه های گوناگون دیگری که مؤمنین همواره به آنها مبتلا هستند نیز در این کتاب اشاره خواهد شد ان شاء الله. و الله الموفق و هو خیر مستعان و معین و له الحمد أولاً و آخراً.

در هر زمانی خداوند مردم را آزموده و فتنه هایی برای آنان رخ داده است، در آن فتنه ها عده ای گمراه و عده ای در راه حق ثابت مانده اند، این سیر از زمان حضرت آدم علیه السلام شروع و در زمان هر پیامبر و وصی پیامبری نیز ادامه داشته است، همان گونه که قرآن می فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبًا وَالضَّرَّاءُ وَ زُلُوفًا...» (۱).

یعنی: «آیا گمان کردید که داخل بهشت خواهید شد در حالی که هنوز رخدادهایی که بر اقوام و پیشینیان شما وارد شد، بر شما وارد نشده است؛ آنان به قدری گرفتار شدند که به لرزه درآمدند و...»

و یا می فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (۲).

یعنی: «آیا مردم گمان می کنند همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و خداوند آنان را آزمایش نمی نماید؟ همانا امت های پیش از آنان را آزمودیم [اینان را نیز آزمایش خواهیم نمود] تا معلوم شود راست می گویند و یا دروغ می گویند.»

در این امت نیز این قانون ادامه یافته و طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «کلیه حوادثی که در امت های پیشین رخ داده است بدون کم و کاست در این امت نیز رخ خواهد داد»، از صدر اسلام تا کنون همواره فتنه هایی پیش آمده است و گروهی مردم را به راه های باطل و انحراف دعوت نموده اند و فرقه گرایی هایی ایجاد شده است، از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ

ص: ۱۲

۱-۱) بقره / ۲۱۴.

۲-۲) عنکبوت / ۲ - ۳.

الْبَاطِلِ لَمَا نَقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَاذِمِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمَزْجَانِ فَهَذَا لِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَاءِهِ وَ يَنْجُوا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى» (۱).

یعنی: «اساس فتنه ها و شروع آنها از ناحیه هواهای نفسانی [و دنیاخواهی ها و ریاست طلبی های] عده ای است که برای مقاصد خود مقرراتی را بر خلاف کتاب خدا جعل می کنند و گروهی نیز بر خلاف دستورات دین خدا از آنان پیروی می کنند؛ آنان با آمیختن حقّ به باطل مردم را فریب می دهند، در حالی که اگر حقّ آمیخته به باطل نمی شد گلایه ای نبود و حقیقت آن بر مردم پوشیده نمی گردید، و اگر باطل نیز لباس حقّ بر تن نمی کرد مردم به انحراف کشیده نمی شدند، و لکن دنیاطلب ها حقّ و باطل را آمیخته به یکدیگر می کنند و مردم را گمراه می نمایند. در چنین وضعیتی شیطان بر دوستان خود مسلط می شود و آنان را گمراه می کند، و تنها کسانی از این فتنه ها سالم می مانند که مورد عنایت خداوند [و دارای تقوا و درست کاری و بینش صحیح] باشند.

اسرار فتنه و بلا

فتنه به معنای مصیبت و بلا و یا به معنای امتحان و آزمایش است و خداوند هر ملّتی را به چیزهایی امتحان و آزمایش می نماید تا برای آنان روشن شود که با ادّعا از کسی چیزی پذیرفته نمی شود و پاداش اعمالشان مطابق انتخاب و عملکرد آن ها می باشد و هرگز ظلمی به آنان نخواهد شد، از این رو همان گونه که گذشت خداوند در اوّل سوره عنکبوت درباره امت های پیشین می فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (۲).

ص: ۱۳

۱- (۳) نهج البلاغه: ۱ / ۹۹، خطبه ۵۰.

۲- (۴) عنکبوت / ۲ - ۳.

یعنی: «آیا مردم گمان می کنند که [با گفتن "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ" اسلام آنان پذیرفته می شود و] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ در حالی که ما امت های پیشین را امتحان و آزمایش نمودیم تا راستگو از دروغگو معلوم گردد.

و در آیه «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (۱) درباره این امت خداوند می فرماید:

«ای مسلمانان! آیا گمان کردید که داخل بهشت خواهید شد و آزمایش هایی که امت های پیشین داشته اند برای شما نخواهد بود؟! [هرگز چنین نیست] آنان گرفتار کشته شدن و از دست دادن مال ها و فرزندان و اهل خود شدند و به قدری کار بر آنان سخت شد که پیامبر آنان و امت او به لرزه درآمدند و گفتند: "یاری خدا کی خواهد آمد؟" [و خداوند در پاسخ آنان فرمود:] یاری خدا نزدیک می باشد.»

از این رو، معصومین علیهم السلام فرموده اند: «بهشت پیچیده شده به سختی هاست، و آتش پیچیده شده به شهوات است.» (۲)

و در آیه «لَتَبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْتَمِعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۳) خداوند می فرماید: «ای مسلمان ها! شما به طور مسلم در جان و مالتان آزموده خواهید شد و از ناحیه اهل کتاب و مشرکین آزارهای فراوانی خواهید دید، و اگر صبر و تقوا پیشه کنید به رشد و کمال خود خواهید رسید.»

مؤلف گوید: امتحان و بلا و مصایب دنیا برای مؤمن سبب رشد و بالا رفتن منزلت اوست و خداوند او را دوست می دارد که این بلاها را به او می دهد، و برای برخی از مردم بلاها سبب پاک شدن از گناهان و یا سبب رو آوردن به خدا و علاقه به

ص: ۱۴

۱-۵) بقره / ۲۱۴.

۲-۶) بحار الأنوار: ۶۸ / ۷۲.

۳-۷) آل عمران / ۱۸۶.

ملاقات او و جدا شدن از علایق دنیا می باشد و خداوند می خواهد بنده خود را از گناه پاک کند تا چون خدای خود را ملاقات می کند عقوبت و گناهی بر او نباشد و با عشق به خدا به منزلت عالی و دیدار محبوب برود. این معنا را بندگان خدا نوعاً پس از مرگ احساس می کنند، از این رو، در آن عالم آرزو می نمایند که ای کاش بدن های آنان در دنیا مقرض شده بود تا مقام بالاتری را به دست می آوردند. از سویی به طور مسلم بسیاری از بلاها به واسطه اعمال ناپسند ما می باشد چنان که خداوند می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (۱).

اسرار دیگری نیز راجع به بلاهایی که بر مؤمن وارد می شود هست که از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود.

۱- امام صادق علیه السلام می فرماید: «سخت ترین بلاها مربوط به پیامبران علیهم السلام است و پس از آنان مؤمنین - به هر اندازه نزدیک تر به پیامبران باشند - بالای مناسب با شأن خود را خواهند داشت.» (۲)

۲- و فرمود: «پاداش بزرگ، با بالای بزرگ خواهد بود و خداوند هیچ مردمی را دوست نمی دارد جز آن که آنان را مبتلا خواهد نمود.» (۳)

۳- امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که خداوند بنده ای را دوست می دارد بلاهای فراوانی بر سر او می ریزد و چون دعا می کند خطاب می شود: "لَبِیکَ، اگر می خواهی - من قادر بر اجابت تو هستم - تو را نجات می دهم و لکن اگر صبر کنی پاداش آن در آخرت برای تو بهتر خواهد بود."» (۴)

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پاداش بزرگ در مقابل بالای بزرگ است و هنگامی که خداوند بنده ای را دوست می دارد او را به بالای بزرگی مبتلا می کند، پس اگر خشنود بود خدا نیز از او خشنود می شود و اگر خشم نمود خداوند نیز به او خشم

ص: ۱۵

۱- (۸) شوری / ۳۰.

۲- (۹) کافی: ۲ / ۲۵۲.

۳- (۱۰) همان.

۴- (۱۱) همان / ۲۵۳.

می نماید.»(۱)

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: «مؤمن در دنیا به اندازه دیانتش بلا می بیند.»(۲)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن به منزله کفّه ترازو می باشد، هر چه بر ایمان او افزوده شود بر بلاى او نیز افزوده می شود.»(۳)

۷- و فرمود: «چهل روز برای مؤمن نمی گذرد جز این که حادثه غمباری برای او رخ می دهد و سبب تنبّه او می شود.»(۴)

۸- امام باقر علیه السلام فرمود: «...مؤمن به هر بلائی مبتلا می شود، [و به گونه ای ممکن است بمیرد] جز این که خودکشی نمی کند.»(۵)

۹- امام صادق علیه السلام سه مرتبه فرمود: «مؤمن نزد خداوند مقام بلندی دارد، [او به قدری از خدای خود راضی است که] خداوند او را گرفتار بلا می کند و یکایک اعضای بدن او را از او می گیرد و او خدا را بر این بلا ستایش می کند.»(۶)

۱۰- و فرمود: «اهل حق همواره در بلا- و سختی به سر می برند [جز این که] مدّت بلاى آنان کوتاه است و پس از آن [در بهشت] عافیت طولانی خواهند داشت.»(۷)

۱۱- و فرمود: «خداوند مؤمن را از بلاها و فتنه ها ایمن نخواهد نمود و لکن او را از گمراهی و شقاوت ایمن می نماید.»(۸)

۱۲- و فرمود: «خداوند مؤمن را به هر بلائی گرفتار می نماید و به هر مرگی او را می گیرد و لکن او را مبتلای به جنون نمی کند.» سپس فرمود: «مگر نمی بینی خداوند چگونه شیطان را بر مال و فرزندان و اهل و خانواده و همه چیز ایوب علیه السلام مسلط

ص: ۱۶

۱- (۱۲) کافی: ۲ / ۲۵۳.

۲- (۱۳) همان.

۳- (۱۴) همان / ۲۵۴.

۴- (۱۵) همان.

۵- (۱۶) همان.

۶- (۱۷) همان.

۷- (۱۸) بحار الأنوار: ۲ / ۲۵۵.

۸- (۱۹) همان.

نمود و لکن او را بر عقل او مسلط ننمود تا بتواند موحد و خداشناس باشد.»^(۱)

۱۳- روزی رسول خداصلی الله علیه وآله به اصحاب خود فرمود: «ملعون است هر مالی که زکات آن داده نشود، ملعون است هر بدنی که زکات آن داده نشود، و لو در هر چهل روز یک مرتبه.» گفته شد: یا رسول الله! زکات مال را شناختیم، زکات بدن چیست؟

فرمود: «زکات بدن این است که بلا و آفتی پیدا کند.» پس صورت شنوندگان از این خبر متغیر شد، رسول خداصلی الله علیه وآله چون چنین دید فرمود: «مقصود من این است که مؤمن باید در هر چهل روزی خراشی بر بدن او وارد شود و یا بر زمین بخورد و یا بیماری پیدا کند و یا خاشاکی بر بدن او فرو رود و یا آسیبی همانند این ها را ببیند...»^(۲)

۱۴- امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن به قدری مورد عنایت خداوند است که اگر از خدای خود بهشت را با آنچه در آن است طلب کند، خداوند به او خواهد داد بدون این که از ملک او چیزی کم شود؛ کافر نیز به قدری نزد خداوند بی ارزش و پست است که اگر همه دنیا را با آنچه در آن است از خداوند بخواهد خداوند به او خواهد داد بدون این که از ملک او چیزی کم شود.»

سپس فرمود: «خداوند همواره به بنده مؤمن خود توجه دارد [و به عنوان هدیه و تحفه] بلا- و مصیبت را از او دریغ نمی کند همانند این که شخص غایب چون از سفر باز می گردد برای اهل خود تحفه ای می آورد، و خداوند برای مؤمن همانند طیبی که مریض خود را از چیزهایی پرهیز می دهد، مؤمن را از دنیا پرهیز می دهد.»^(۳)

۱۵- امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «احدی از شماها نباید بگوید: "خدایا من به تو پناه می برم از فتنه"، چرا که هر کسی گرفتار فتنه و آزمایش است و لکن اگر

ص: ۱۷

۱- (۲۰) کافی: ۲ / ۲۵۶.

۲- (۲۱) همان / ۲۵۸.

۳- (۲۲) همان.

می خواهد پناه به خدا ببرد، از مضلّات فتن یعنی از فتنه های گمراه کننده به خدا پناه ببرد، چرا که خداوند می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...» (۱)، (۲)

مؤلف گوید: ما فتنه های زمان رسول خداصلی الله علیه وآله و بعد از آن حضرت را در کتاب «پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله» و کتاب «أسوه النساء» و کتاب های دیگر بیان نموده ایم و اکنون اشاره ای به فتنه های بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله و فتنه های آخر الزمان و ابتلاءات مؤمن در دوران غیبت حضرت بقیه الله علیه السلام می نمایم.

فتنه بنی امیه

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۳۹ نهج البلاغه ضمن بیان فتنه هایی که برای این امت رخ می دهد می فرماید: «أَلَا إِنَّ أَخْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمِّيهِ فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خُطَّتْهَا وَ خَصَّتْ بَلِيَّتُهَا وَ أَصَابَ الْبَلَاءُ مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا وَ أَخْطَأَ الْبَلَاءُ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا وَ أَيُّمُ اللَّهِ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمِّيهِ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي...» (۳)

یعنی: «آگاه باشید که خطرناک ترین فتنه ای که بر شما وارد می شود فتنه بنی امیه است و آن فتنه کور و تاریکی است و همه مردم را در بر می گیرد و مصیبت و گرفتاری آن مخصوص به اهل البیت [علیهم السلام] می باشد؛ چرا که اساس حکومت بنی امیه بر غضب حق آنان خواهد بود، از این رو، هر کس در آن زمان حق اهل البیت [علیهم السلام] را شناخته باشد انتقام بنی امیه مربوط به او خواهد بود، و بنی امیه برای دوستان اهل البیت [علیهم السلام] همانند شتر پیر بداخلاقی می مانند که صاحب خود را دندان می گیرد و آزار می رساند و نمی گذارد شیر او را بدوشد و ظلم بنی امیه این گونه ادامه خواهد یافت و کسی از ظلم آنان معاف نخواهد بود جز آن که با آنان هم گام شود و یا برای آنان سودمند باشد و یا آسیبی به آنان نرساند...»

ص: ۱۸

۱- (۲۳) انفال / ۲۸.

۲- (۲۴) مجمع البیان، ذیل آیه.

۳- (۲۵) نهج البلاغه: ۱ / ۱۸۴.

تا این که فرمود: «وَأَوَّلُ مَنْ يَضَعُ جَبْرُوتَهَا وَيَكْسِرُ عَمُودَهَا وَيَنْزِعُ أَوْتَادَهَا، اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ.» یعنی: «نخستین کسی که قدرت بنی امیه را می شکند و پرچم آنان را پایین می آورد و پایه های حکومتشان را براندازی می کند، خدای رب العالمین و درهم شکننده جبارین است.»

پس شخصی برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین در آن زمان ما چه باید بکنیم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «شما باید به اهل بیت پیامبر خود [علیهم السلام] بنگرید؛ اگر آنان سکوت کرده اند، شما نیز باید سکوت کنید و اگر قیام کردند و از شما کمک خواستند آنان را یاری نمایید، تا پاداش خود را دریابید و لکن از آنان پیشی نگیرید که زمین خواهید خورد و مغلوب می شوید.»

سپس دیگری برخاست و عرض کرد: پس از این بلاها چه خواهد شد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «سپس خداوند این فتنه ها را به دست مردی از ما خانواده برطرف خواهد نمود، "بِأَبِي إِبْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ" یعنی: «پدرم فدای او باد.» تا این که فرمود: «او [یعنی حضرت بقیه الله علیه السلام] آنان را به زیر زمین خواهد فرستاد و کاسه زهر را به آنان خواهد نوشاند و جز با شمشیر با آنان روبه رو نخواهد شد، و هشت ماه شمشیر بر شانه خود می گذارد و آنان را نابود می نماید؛ دشمنان او از قریش دوست می دارند که دنیا و آنچه در دنیا هست را بدهند و از دست او نجات یابند [و هرگز برای آنان راه فراری وجود نخواهد داشت]...» (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخن دیگری درباره ظلم بنی امیه می فرماید: «وَاللَّهِ لَا يَزَالُونَ حَتَّى لَا يَدْعُوا لِلَّهِ مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ وَلَا عَقْدًا إِلَّا حَلُّوهُ، وَ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا دَخَلَهُ ظَلْمُهُمْ، وَ نَبَأَ بِهِ سُوءَ رَعِيَّتِهِمْ، وَ حَتَّى يَقُومَ الْبَاكِيَانِ، بَاكِ يَبْكِي لِدِينِهِ، وَ بَاكِ يَبْكِي لِدُنْيَاهُ، وَ حَتَّى تَكُونَ نُصَيْرَةُ أَحَدِكُمْ مِنْ أَحَدِهِمْ كَنُصَيْرَةِ الْعَبْدِ مِنْ سَيِّدِهِ، إِذَا شَهِدَ أَطَاعَهُ، وَ إِذَا غَابَ اغْتَابَهُ وَ لَا يَجْهَلُ أَحَدٌ مَبْلَغَ مَا نَزَلَ بِالنَّاسِ مِنْ ظُلْمٍ

ص: ۱۹

بَنِي أُمَّيَّةَ، وَانْتَهَا كِهْمَ لِلْحُرْمَاتِ، وَاسْتِتَارِهِمْ بِالْفُضَيْلِهِ، حَتَّى صَارَ خُلَفَاؤُهُمْ مَثَلًا فِي الظُّلْمِ وَالفِسْقِ وَالتَّهْتُّكِ...» (۱)

یعنی: «به خدا سوگند بنی امیه همواره هر آنچه خدا حرام نموده است را حلال می نمایند و هر پیمانی را نادیده می گیرند و ظلم آنان وارد هر خانه شهری و روستایی و هر چادر نشین صحرائی خواهد شد و به همه رعیت خواهد رسید، آنان حق احدی را رعایت نخواهند کرد، تا جایی که فسادشان همه جا را می گیرد، در آن زمان مردم را می بینی که یکی برای دین خود گریه می کند و دیگری برای دنیای خود، مردم همانند غلامان در خدمت آنان خواهند بود که چون آقای آنان حاضر باشد از او اطاعت می کنند و چون دور شود از او غیبت می نمایند، و کسی نیست که از گستردگی ظلم آنان و هتک حرمت های الهی و کنار گذاردن ارزش های اخلاقی آنان بی اطلاع باشد. خلفا و حاکمان آنان در ظلم و فسق و هتک حرمت ها ضرب المثل مردم خواهند شد.»

فتنه بنی عباس

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت خود درباره حوادث و فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام روایاتی را نقل نموده که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله در قبرستان بقیع نشسته بود؛ ناگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد او آمد و سلام کرد و رسول خداصلی الله علیه وآله او را در طرف راست خود نشانند، سپس جعفر بن ابی برادر امیرالمؤمنین علیهما السلام آمد و سلام کرد و رسول خداصلی الله علیه وآله او را در طرف چپ خود نشانند، سپس عباس عموی رسول خداصلی الله علیه وآله آمد و سلام کرد و آن حضرت او را مقابل خود نشانند.

سپس رسول خداصلی الله علیه وآله روی مبارک به علی علیه السلام نمود و فرمود: یا علی!

ص: ۲۰

می خواهی بشارتی به تو بدهم؟ علی علیه السلام عرض کرد: آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لحظه ای پیش جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد: آن امام قائمی که در آخر الزمان قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید [پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد] از ذریه تو و از فرزندان حسین علیه السلام می باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! هر خیری به ما می رسد به دست مبارک شما می باشد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله روی مبارک به جعفر بن ابی طالب نمود و فرمود: لحظه ای پیش جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد: آن کسی که پرچم را به دست قائم [ما اهل البیت علیهم السلام] می دهد از ذریه تو است آیا می دانی او کیست؟ جعفر گفت: خیر. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او کسی است که صورتش مانند ماه درخشان، و دندان هایش مانند آره، و شمشیرش مانند شعله آتش است، و چون وارد لشکر می شود ذلیل است و چون خارج می گردد عزیز خواهد بود، و جبرئیل و میکائیل او را در برمی گیرند و از او حمایت می کنند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله روی مبارک خود را به عباس نمود و فرمود: ای عموی رسول خدا آیا می خواهی خبری که جبرئیل درباره تو به من گفت را به تو بگویم؟ عباس گفت: آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من گفت: وای به حال ذریه تو از فرزندان عباس. پس عباس عرض کرد: یا رسول الله! اجازه می دهید من از این پس از زن ها دوری کنم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این چیزی است که از تقدیر خدا گذشته است. (۱)

۲- اصبع بن نباته گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یکصد و پنجاه سال دیگر حوادثی رخ خواهد داد، در آن زمان حکام مردم کافر خواهند بود، و امین های آنان خیانتکار، و عرفای آنان فاسق اند، تاجرها زیادند و لکن درآمد آنان ناچیز است، ربا آشکار می شود، اولاد زنا فراوان می گردد، ارتباطهای نامشروع زیاد می شود، اعمال

ص: ۲۱

نیک را ناپسند می شمارند، مردها به پسرهای امرد رو می آورند، زن ها به زن ها اکتفا می کنند [و با مردان ازدواج نمی نمایند] مردها نیز به مردها اکتفا می کنند [و با زن ها ازدواج نمی کنند].» پس شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: یا امیرالمؤمنین در چنین زمانی چه باید کرد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «از چنین مردمی باید فرار نمود و فرار نمود.»

سپس فرمود: «عدل [و رحمت] خداوند همواره بر این امت گسترده است تا زمانی که علمای آنان به حکام جور مایل نشوند و نیکان آنان همواره از فجّارشان نهی از منکر نمایند و اگر از حکام جور جدا نشدند و نهی از منکر نکردند و تنها از اهل منکر دوری جستند و به گفتن "لا إله إلا الله" اکتفا نمودند خداوند در عرش خود می گوید: "شما دروغ می گوید و لا إله إلا الله شما پذیرفته نیست".» (۱)

مؤلف گوید: فسادهای حکومت های بنی عباس به قدری بوده که امام علیه السلام فرموده است باید از مردم آن زمان فرار کنید و فرار کنید!!

۳- محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «نزدیک قیام حضرت مهدی علیه السلام نشانه هایی است، و خداوند بندگان مؤمن خود را به بلاهایی آزمایش می نماید.» محمد بن مسلم می گوید: گفتم: چگونه آزمایش می شوند؟ فرمود: «همین گونه که خداوند در آیه شریفه قرآن بیان نموده است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ الْمَالِ وَاللَّانِقِيسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ» (۲).»

سپس فرمود: «خداوند شما مؤمنین را در اواخر حکومت بنی عباس به گرسنگی و گرانی و از بین رفتن اموال و فساد تجارت و بی درآمدی و از دست دادن فرزندان و مرگ های سریع و ناگهانی و کمیابی برکات زمین نسبت به میوه های درختان و زراعت آزمایش خواهد نمود، و در آن زمان - که نزدیک قیام حضرت مهدی علیه السلام می باشد - به صابرین بشارت داده شده است.»

ص: ۲۲

۱- (۲۹) غیبت نعمانی / ۲۴۸.

۲- (۳۰) بقره / ۱۵۵.

محمّد بن مسلم می گوید: سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «این تأویل آیه مبارکه فوق است و تأویل قرآن را جز خدا و راسخین فی العلم یعنی معصومین علیهم السلام کسی نمی داند.»^(۱)

روایت فوق شامل این زمان ها نیز می شود و این بلاها غیر از این که نشانه ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است نتیجه فسادها و گناهای است که قبل از ظهور آن حضرت شایع و فراوان است. از این رو، ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «نزدیک قیام حضرت مهدی علیه السلام سالی خواهد آمد که مردم در آن سال گرفتار گرسنگی و ترس شدید از کشته شدن هستند، و اموال و فرزندان و ثمرات و برکات آسمان را از دست می دهند، و این معنا را خداوند در آیه شریفه «وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^(۲) بیان نموده است، و این تأویل آیه می باشد و تأویل قرآن را جز راسخین فی العلم کسی نمی داند.»^(۳)

مؤلف گوید: ما احوالات بنی امیه و بنی عبّاس را در کتاب امام الشّهدا و کتاب رهبران معصوم بیان نمودیم و در این کتاب تنها به گوشه هایی از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فتنه های آنان و راه های نجات از فتنه هایی که پس از آنان تکرار شده است و تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز ادامه خواهد داشت اشاره می کنیم، گر چه همواره خطّ بنی امیه و بنی عبّاس در مقابل خطّ خاندان نبوت و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است، و پیروان این دو خطّ یعنی خطّ اهل باطل و خطّ اهل حقّ مقابل یکدیگر قرار دارند، از این رو، به ما سفارش شده است که از خطّ خاندان نبوت علیهم السلام خارج نشویم و در هر شبانه روز در نمازهای واجب خود ده مرتبه بگوییم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

ص: ۲۳

۱- (۳۱) غیبت نعمانی / ۲۵۰.

۲- (۳۲) بقره / ۱۵۵.

۳- (۳۳) غیبت نعمانی / ۲۵۱.

وَلَا الضَّالِّينَ» و در دعاهای معصومین علیهم السلام نیز فراوان سفارش شده است که همواره بگوییم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»، و «اللَّهُمَّ اهْدِنِي مَنْ عِنْدِكَ...»، و «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ...»، و «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى عَنِ شِرَارِ النَّاسِ».

و دعاهای فراوان دیگری که در آخرالزمان برای حفظ دین باید خوانده شود.

عبدالله بن ابی یعفر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وای بر حاکمان طغیان گر عرب از فتنه هایی که به همین زودی گرفتار آن خواهند شد.» گفتم: فدای شما شوم، از عرب ها چه مقدار با حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود؟ امام علیه السلام فرمود: «عده کمی از آنان با او خواهند بود.» گفتم: «به خدا سوگند افراد زیادی سخن از حضرت مهدی علیه السلام می گویند؟!» فرمود: «بدون شک مردم باید آزموده و غربال بشوند و چون غربال می شوند بسیاری از آنان از غربال خارج خواهند شد [و در کنار آن حضرت نخواهند ماند].» (۱)

شاید مقصود از فتنه هایی که حکام عرب [یعنی بنی عباس] گرفتار آن شدند و خود را هلاک و تباہ نمودند حادثی بوده که بین آنان و بنی هاشم رخ داده است و در آن حوادث آنان دین خود را از دست داده اند.

از این رو، معمر بن خلاد می گوید: امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۲) فرمود: «آیا تو می دانی مقصود از فتنه در این آیه چیست؟» گفتم: فدای شما شوم آنچه ما از سخنان شما گرفته ایم این است که فتنه در این آیه، فتنه در دین است. فرمود: «[آری] آنان آزموده

ص: ۲۴

۱- ۳۴) فی الکافی بسنده عن ابن ابی یعفر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ويلى لطغاه العرب، من أمر قد اقترَب، قلت: جعلت فداك كم مع القائم من العرب؟ قال: نفر يسير، قلت: والله إن من يصف هذا الأمر منهم لكثير، قال: لا بيد للناس من أن يمحضوا ويميزوا ويعربلوا ويستخرج في الغربال خلق كثير. کافی: ۱ / ۳۷۰.

۲- ۳۵) عنكبوت ۱ / ۲.

می شوند مانند این که طلا [در آتش] آزموده و خالص می شود.»^(۱)

در مورد مردم زمان حکومت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از کشته شدن عثمان فرمود: «ای مردم شما باز همانند فتنه ای که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله رخ داد و آزموده شدید، امروز نیز همان گونه آزموده می شوید.» سپس فرمود: «سوگند به خدایی که پیامبرش را به رسالت مبعوث نمود شما زیر و رو و غربال خواهید شد و پایین ها بالا می روند و بالاها پایین می آیند؛ آنان که قبلاً عقب مانده بودند اکنون سبقت می گیرند و آنان که قبلاً سبقت گرفته بودند اکنون عقب می مانند.» تا این که فرمود: «به خدا سوگند من هرگز دروغ نمی گویم و حقیقتی را پنهان نمی کنم همانا این خبر از پیش [از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله] به من داده شده است.»^(۲)

فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فتنه های آخرالزمان و بلاهای قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و وضعیّت روحی و اخلاقی مردم و فسادهای اجتماعی آن زمان می فرماید:

«إذا كان زعيم القوم فاسقهم، و أكرم الرّجل اتّقاء شرّه، و عظم أرباب الدّنيا، و استخفّ بحمله القرآن، و كانت تجارتهم الرّبا، و مأكلهم أموال اليتامى، و عطّلت المساجد، و أكرم الرّجل صديقه و عقّ أباه، و تواصلوا بالباطل، و قطعوا الأرحام، و اتّخذوا كتاب الله مزامير، و تفقه (التّياس) لغير الدّين، و أكل الرّجل أمانته، (و) أوّتمن الخونه، و خوّن الأمناء، و استعمل السّفهاء، و رفعت الأصوات فى المساجد، و اتّخذت طاعه الله بضاعه، و كثر القراءه، و قلّ الفقهاء، فعند ذلك توقّعوا ثلاثاً: توقّعوا ريحاً حمراء و خسفاً و زلازل و أموراً عظماً!!!»^(۳)

ص: ۲۵

۱- (۳۶) کافی: ۱ / ۳۷۰.

۲- (۳۷) همان / ۳۶۹.

۳- (۳۸) نهج السّعادة: ۳ / ۴۳۷.

یعنی: «هنگامی که زعیم و رهبر مردم فاسق باشد، و مردم از روی ترس به کسی اکرام کنند، و اهل دنیا تعظیم شوند، و علما و حاملین قرآن سبک شمرده شوند، و تجارت مردم همراه با ربا باشد، و مردم مال ایتام را بخورند، و مساجد تعطیل شود، و جوان به دوست خود اکرام کند و به پدر خود ظلم نماید [و از او نافرمانی کند]، و روابط مردم با یکدیگر از راه باطل و حرام انجام شود، و مردم با خویشان خود قطع رابطه کنند، و کتاب خدا را با لحن های حرام بخوانند، و فقه را برای دین [و خدا] نخوانند، و در امانت خیانت کنند، و به اهل امانت خیانت نمایند، و افراد سفیه و نادان را به کار بگیرند، و صداها در مساجد بلند شود، و عبادت وسیله معاش و درآمد گردد، و درس زیاد خوانده شود [قرآن زیاد خوانده شود] و فقیه کمیاب باشد، در چنین زمانی منتظر سه بلا- باشید: باد سرخ، فرو بردن زمین اهل خود را، زلزله ها و حوادث بزرگ دیگر!!!»

راوی این حدیث گوید: حضرت زین العابدین علیه السلام هر گاه این حدیث را می خواند گریه شدیدی می نمود و می فرمود: من اسباب این حوادث را می دانم.

مؤلف گوید: ما در این زمان ها این حوادث را در دنیا به چشم خود می بینیم و به خدا پناه می بریم.

امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود فرمود: «قیام حضرت مهدی علیه السلام برای شما رخ نخواهد داد، مگر پس از ناامیدی.» سپس فرمود: «به خدا سوگند، به آن نخواهید رسید تا خوب و بد شما شناخته شود، و به خدا سوگند، به آن نخواهید رسید تا آزموده شوید، و به خدا سوگند، به آن نخواهید رسید تا شقیّی به شقاوت خود برسد و سعید نیز به سعادت خود برسد [و باطن ها آشکار گردد].» (۱)

توجه به این نکته بسیار ضروری و لازم است که هر کس قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد صحیح و تقوا و اعمال شایسته ای پیدا نکرده باشد، هنگام قیام

ص: ۲۶

امام علیه السلام نمی تواند جبران گذشته های خود را بکند؛ چرا که در تفسیر آیه شریفه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قَلِ انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از آیات، ائمه علیهم السلام هستند و مقصود از آیه مورد انتظار، حضرت مهدی علیه السلام می باشد و در آن روز [که حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند] ایمان کسی که از پیش به حضرت مهدی علیه السلام ایمان نیاورده و اعمال صالحی انجام نداده است برای او سودی ندارد گر چه به امامان قبل از او ایمان آورده باشد.» (۲)

از این رو، امام باقر علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک نماید و قبل از قیام او دارای ایمان صحیح و تقوا و ولایت اولیای خدا و بیزاری از دشمنان او باشد؛ چنین کسی در بهشت از رفقا و دوستان من خواهد بود.» (۳)

فتنه دجال در آخر الزمان

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم فرمود: «قبل از این که مرا نیابید از هر چه می خواهید از من سؤال کنید، همانا علم فراوانی در سینه من جمع است و این علوم را حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده است.»

در این هنگام صعصعه بن صوحان برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! دجال در چه زمانی قیام می کند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای صعصعه بنشین، خدا از سخن و نیت [و مقام] تو آگاه است، [زمان آن را نمی توان گفت] و لکن علامات و نشانه ها و رخدادهای ناگواری که قبل از آن خواهد بود و پیاپی در یک سال واقع خواهد شد

ص: ۲۷

۱- (۴۰) انعام / ۱۵۸.

۲- (۴۱) کمال الدین / ۱۸.

۳- (۴۲) ینابیع الموده: ۳ / ۳۹۶.

را اگر بخواهی برای تو می گویم.»

صعصعه گفت: یا امیرالمؤمنین! سؤال من نیز از نشانه های دجال است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای صعصعه! بیدار باش که دجال هنگامی خواهد آمد، که مردم نماز را ضایع کنند، در امانت خیانت نمایند، دروغ را حلال بشمارند، اهل ربا و رشوه باشند، ساختمان های بلند و باشکوهی بنا کنند، هوسرانی نمایند، دین خود را به دنیا بفروشند، ریختن خون یکدیگر را سبک بشمارند، حلم و بردباری را ضعف و ناتوانی پندارند، ظلم را فخر بدانند، امرا و فرماندهان آنان فاجر و فاسق باشند، وزرا و امنای آنان خیانت کار باشند، علمای آنان فاسق شوند، ظلم آشکار شود، طلاق فراوان گردد، مرگ ناگهانی زیاد شود، قرآن را زینت کنند، مساجد را زیور نمایند، مناره های مساجد بلند شود، قلب ها خراب گردد، عهدها و پیمان ها شکسته شود، آلات موسیقی و طرب به کار گرفته شود، شراب و زنا آشکار شود، خائن امین شمرده شود، امین را خیانتکار بدانند، زن ها از حرص به دنیا با مردها در تجارت همراه شوند، بر زین ها و استرها [و مرکب های متداول] سوار شوند، سلام را برای شناسایی انجام دهند، شاهد فضولاً شهادت بدهد، مردم لباس میش پوشند و در باطن گرگ و درنده باشند، قلوب مردم از هر چیز تلخی تلخ تر و از هر مرداری بدبوتر باشد، در چنین زمانی تو باید فریاد برآوری و بگویی: "نجات نجات نجات، فرار فرار فرار"، و از آن مردم فرار نمایی.»

سخن امیرالمؤمنین علیه السلام که به اینجا رسید اصبع بن نباته برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! دجال چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای اصبع! نام دجال، صیفی بن عائد [صائد بن صید] است، شقی و بدبخت کسی است که او را تصدیق کند، و سعید و خوشبخت کسی است که او را تکذیب نماید، او در عقبه ای در شام به نام عقبه افیق چون سه ساعت از روز جمعه می گذرد به دست کسی که حضرت مسیح پشت سر او نماز می خواند کشته خواهد شد.»

سپس فرمود: «آگاه باشید که پس از آن "طاقه کبرا" واقع می شود و خورشید از

مغرب طلوع می کند در حالی که به صورت کوره ای از آتش خواهد بود، و در آن روز مطابق فرموده قرآن «...لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (۱) "ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده و عمل نیکی انجام نداده برای او سودی نخواهد داشت" و توبه کسی پذیرفته نخواهد شد، و عملی به درگاه خدا بالا نخواهد رفت و برکات آسمان قطع خواهد شد!!!»

سپس فرمود: «حبيب من رسول خداصلی الله علیه وآله از من پیمان گرفته که خبرهای بعد از آن را بازگو نکنم.» (۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «کسانی که با ما خانواده دشمنی داشته باشند خداوند آنان را در قیامت یهودی محشور می نماید.» گفته شد: یا رسول الله! گر چه گوینده شهادتین باشند؟ فرمود: «آری، شهادتین تنها از ریخته شدن خون آنان و پرداخت جزیه و مالیات جلوگیری می کند.» سپس فرمود: «کسی که دشمن ما خانواده باشد خداوند او را یهودی محشور می نماید.» گفته شد: برای چه؟ فرمود: «چنین کسی چون دجال را درک می کند به او ایمان خواهد آورد.» (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دجال می فرماید: «ای مردم آگاه باشید که بیشتر پیروان دجال زنازاده و اهل تاج و تجمل می باشند، آگاه باشید که آنان یهودی ها هستند - لعنت خدا بر آنان باد - .»

سپس فرمود: «دجال [همانند مردم] می خورد و می آشامد و بر الاغ قرمزی سوار است و طول او شصت گام است و دید چشم او زیاد است و چشم راست او اعور و نابیناست؛ [او خود را خدای مردم معرفی می کند] در حالی که خداوند اعور نیست و چیزی نمی خورد.»

تا این که فرمود: «و چون دجال خروج می نماید، بلا همه شهرها را می گیرد و

ص: ۲۹

۱- (۴۳) انعام / ۱۵۸.

۲- (۴۴) نهج السعادة: ۳ / ۴۳۸؛ دستور معالم الحکم لابن سلامه / ۱۰۵؛ بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۹۲.

۳- (۴۵) محاسن / ۹۰؛ بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۹۲.

دَجّال چهل روز عمر خواهد نمود که روز اوّل آن به اندازه یک سال است و از روزهای دیگر آن کاسته می شود تا این که آخرین روز عمر او مانند روزهای متعارف خواهد بود.»

سپس فرمود: «دَجّال به همه روی زمین قدم می گذارد، جز مکه و مدینه و بیت المقدس؛ در آن هنگام حضرت مهدی علیه السلام وارد بیت المقدس می شود و بر مردم امامت می کند، و چون روز جمعه می رسد و نماز جمعه برپا می شود، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نزول می نماید در حالی که بر تن او دو لباس قرمز و نورانی است؛ گویی از سر او روغن می ریزد. او مردی زیبا و اشبه به پدر شما ابراهیم خلیل الرّحمان علیه السلام می باشد، و چون حضرت مهدی علیه السلام عیسی بن مریم را می بیند به او می فرماید: ای فرزند بتول [مریم]! تو بر مردم امامت کن تا مردم به تو اقتدا کنند.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: "این جماعت برای تو است و تو باید بر مردم امامت کنی." پس حضرت مهدی علیه السلام جلو می ایستد و مردم به او اقتدا می کنند و عیسی علیه السلام نیز به او اقتدا می نماید و با او بیعت می کند. سپس حضرت عیسی علیه السلام حرکت می نماید و چون به دَجّال برخورد می نماید، به او ضربه ای می زند که همانند مس گذاخته ذوب می شود، و زمین احدی از پیروان دَجّال را نمی پذیرد، و هر سنگی و هر درختی به پیروان حضرت مهدی علیه السلام می گوید: "کافری در پشت من پنهان شده؛ او را بکشید." (۱)

فتنه زن های آخر الزّمان

مرحوم صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» بابی درباره صفات ناپسند زن ها باز نموده و اکثر روایاتی که ذکر کرده مربوط به زن های آخر الزّمان است.

اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در آخر الزّمان - که

ص: ۳۰

بدترین زمان هاست - زن هایی پیدا می شوند که پوشیده و عریان هستند و با آرایش بین مردم ظاهر می شوند، آنان از دین خارج اند و در فتنه ها داخل اند، علاقه به شهوات دارند، و کوشای در لذات دنیا هستند، حرام های خدا را حلال می شمارند، [از این رو،] در جهنم و دوزخ مخلد می باشند.»(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان این که زن ها «نواقص الإیمان و نواقص الحظوظ و نواقص العقول» هستند می فرماید: «فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَ لَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ.» یعنی: «از زن های ناشایست پرهیزید و از خوبان آنان نیز بر حذر باشید، در معروف از آنان اطاعت نکنید تا طمع در منکر پیدا نکنند.»(۲)

رسول خداصلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «بدترین زن ها چند دسته اند:

۱- زنی که در خانه پدر ذلیل بوده و چون به خانه شوهر می رود بر شوهر خود سلطه پیدا می کند.

۲- زن نازایی که حسود باشد و از عمل زشت پرهیز نکند و چون شوهر از او دور شود برای نامحرمان زینت و آرایش کند و چون شوهر او حاضر شود عقیفه باشد.

۳- زنی که گوش به سخن شوهر خود ندهد و از او اطاعت نکند.

۴- زنی که چون با شوهر خود خلوت می کند تسلیم او نباشد و از او تمکین نکند.

۵- زنی که عذر شوهر خود را نپذیرد و از خطای او نگذرد.»(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «از مشورت با زن ها پرهیز کنید؛ چرا که در آنها ضعف و سستی و ناتوانی می باشد.»(۴)

ص: ۳۱

۱- (۴۷) فقیه: ۳ / ۳۹۰.

۲- (۴۸) نهج البلاغه: ۱ / ۱۲۸.

۳- (۴۹) کافی: ۵ / ۳۲۵.

۴- (۵۰) همان / ۵۱۷.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر مردی که تدبیر زندگی خویش را به دست زن خود بدهد ملعون خواهد بود.» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «از زن های ناشایست، به خدا پناه ببرید، و از خوبان آنان نیز بر حذر باشید، در کارهای خیر از آنان اطاعت نکنید تا طمع نکنند و شما را به کارهای منکر دعوت نمایند.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «...زن چون پیر می شود خیری در او نیست چرا که عقیم و بد اخلاق و بد زبان می گردد، و مرد چون پیر می شود سر عقل می آید و عقل او محکم و خلق او نیکو می گردد.» (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فِي خِلَافِ النِّسَاءِ الْبَرَكَةُ.» (۴) یعنی: «در مخالفت با زن ها برکت وجود دارد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «یکی از دعا های رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که می فرمود: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي" (۵)، یعنی: خدایا من به تو پناه می برم از زنی که قبل از دوران پیری مرا پیر گرداند.»

مؤلف گوید: آنچه گفته شد مربوط به برخی از زن های آخر الزمان است، و یا مربوط به زن هایی است که به کمال و رشد ایمانی و اخلاقی خود نرسیده اند (۶) و گر نه زن های صالحه ای که خداوند در قرآن آنان را توصیف نموده است (۷) این گونه نیستند،

ص: ۳۲

۱- (۵۱) کافی: ۵ / ۵۱۸.

۲- (۵۲) همان.

۳- (۵۳) همان.

۴- (۵۴) وسائل، طبع آل البيت: ۲۰ / ۱۸۲.

۵- (۵۵) کافی: ۵ / ۳۲۶.

۶- (۵۶) قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَ لَمْ يَكْمَلِ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعَةٌ: آسِيَةُ بِنْتُ مَرْحَمِ بْنِ إِسْرَائِيلَ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. تفسیر صافی، ذیل آیه ۱۲ سوره تحریم: «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا».

۷- (۵۷) قال سبحانه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ...» نساء / ۳۴. أقول: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الرِّجَالَ بِأَنْ يَعِظُوا النِّسَاءَ إِذَا خَافُوا نُشُوزَهُنَّ وَ لَمْ يَأْمُرِ النِّسَاءَ بِأَنْ يَعِظْنَ الرِّجَالَ لِأَنَّهُمْ قَوَّامُونَ عَلَيْهِنَّ، فَتَأَمَّلْ.

از سویی خداوند به زن های صالحه عنایت بیشتری دارد و به آنان بیش از مردها ترحم می نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «عَلِمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ضَعْفَهُنَّ فَرَحِمَهُنَّ»^(۱) و از حقوقی که زن ها بر مردها دارند این است که باید از آنان بگذرند و آنان را مؤاخذه نکنند، بلکه رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: «أَوْصِيَكُمْ بِالضَّعِيفِينَ النِّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»^(۲)، یعنی: «بر شما باد که رعایت دو ضعیف را بکنید، یکی زن ها و دیگری مملوک ها.»

خصلت های زشت و زیبای زن

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: «مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ» یعنی: «بعد از من فتنه ای برای مردها خطرناک تر از زن ها نیست.»^(۳)

علامه میرزای نوری در کتاب مستدرک گوید: من در بسیاری از مجامع حدیث که برخی از آنها به خطّ بعضی از افاضل نوشته شده بود دیدم که امام باقرعلیه السلام در سنین نوجوانی با حجاج ثقفی مکالمه زیبایی درباره زن ها نموده است و متن آن مکالمه این است که ابوعبدالله کرخی گوید:

من وارد مجلس حجاج ثقفی شدم در حالی که عده زیادی از اعیان و بزرگان گرد او جمع بودند و او مانند شتر ماده مستی در آن مجلس تکیه زده بود، ناگهان جوان نوسالی که به حدّ بلوغ نرسیده بود با جمالی زیبا و لباسی آراسته مانند ماه شب بدر وارد شد و بر حاضران سلام کرد و اهل مجلس به احترام او برخاستند و سلام او را پاسخ دادند، در آن میان حجاج از زیبایی و جمال و بزرگواری و کمال و ادب و فصاحت و هیبت او شگفت زده شد، و به او گفت: ای جوان از کجا می آیی؟ ... تا این که پس از سخنانی به او گفت: کدام یک از زن ها بهتراند؟

ص: ۳۳

۱- (۵۸) فقیه: ۳ / ۴۶۸.

۲- (۵۹) کافی: ۷ / ۵۲.

۳- (۶۰) مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۰۶.

امام باقر علیه السلام فرمود: «زنی که صاحب کمال و جمال و فضیلت باشد.»

حجاج گفت: نظر شما درباره دختر ده ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «لُعْبَةُ اللَّاعِبِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن بیست ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «قُرَّةُ أَعْيُنِ النَّاطِرِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن سی ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «لَذَّةٌ لِلْمُبَاشِرِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن چهل ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «ذَاتُ شَحْمٍ وَ لَحْمٍ وَ لَيْنٍ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن پنجاه ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «ذَاتُ بَنَاتٍ وَ بَنِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن شصت ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «آيَةٌ لِلسَّائِلِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن هفتاد ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «عَجُوزٌ فِي الْغَابِرِينَ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن هشتاد ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «لَا تَصْلُحُ لِدُنْيَا وَ لَا دِينٍ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن نود ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

حجاج گفت: نظر شما درباره زن صد ساله چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «لَا تَسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ».

حجاج گفت: همه را با نثر موزون پاسخ دادی، اکنون باید با شعر پاسخ بدهی. پس امام باقر علیه السلام این ابیات را انشا نمود:

مَتَى تَلَقَى بِنْتَ الْعَشْرِ قَدْ نَطَّ نَهْدُهَا

كُلُّوْلُوهُ الْعَوَاصِ يَهْتَرُّ جِيدُهَا

وَ أَمَّا ابْنَةُ الْعَشْرِينَ لَا شَيْءَ مِثْلُهَا
 فَتِلْكَ الَّتِي تَلْهُو بِهَا وَ تُرِيدُهَا
 وَ بِنْتُ الثَّلَاثِينَ الشَّافِي حَدِيثُهَا
 خِيَارُ النِّسَاءِ طُوبَى لِمَنْ يَسْتَفِيدُهَا
 وَ إِنْ تَلَقَّ بِنْتُ الْأَرْبَعِينَ فَإِنَّهَا
 هِيَ الْعَيْشُ لَمْ تَهْزُلْ وَ لَمْ يَعْسُ عُوْدُهَا (١)
 وَ أَمَّا ابْنَةُ الْخَمْسِينَ لِلَّهِ دَرُّهَا
 بَعْقَلٍ وَ تَدْبِيرٍ تُرَبِّي وَ لَيْدَهَا
 وَ أَمَّا ابْنَةُ السِّتِينَ قَدْ رَقَّ جِلْدُهَا
 وَ فِيهَا بَقَايَا وَ الْحَرِيصُ يُرِيدُهَا
 وَ أَمَّا ابْنَةُ السَّبْعِينَ يَزْعَشُ رَأْسُهَا
 مِنْ الْكِبَرِ الْمُنْفَى وَ قَلَّ وَ لَيْدُهَا
 وَ بِنْتُ الثَّمَانِينَ السَّقَامُ بِعَيْنِهَا
 وَ عِنْدَ هُجُومِ اللَّيْلِ قَلَّ رُقُودُهَا
 وَ أَمَّا ابْنَةُ التُّسْعِينَ لَا دَرَّ دَرُّهَا
 وَ قَدْ خَلَعَتْ عُمْرًا وَ كَشَّ وَرِيدُهَا
 وَ إِنْ زِيدَتْ الْعَشْرُ التَّوَالِي فَلَيْتَهَا
 تُغْرَقُ فِي بَحْرٍ وَ حَوْتُ يَفُودُهَا

حجاج با شنیدن این اشعار گفت: أَحَسَّنْتَ أَحَسَّنْتَ يَا صَبِيُّ... (٢)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر زنی که با زبان خود همسر خویش را آزار بدهد خداوند هیچ عبادت و عملی را از او نمی

پذیرد تا همسر خود را راضی نماید، گر چه روزها روزه بگیرد و شب ها عبادت کند و غلامانی را در راه خدا آزاد نماید و بارهایی از اموال را در راه خدا بدهد؛ چنین زنی اول کسی است که وارد دوزخ می شود و همچنین است اگر مرد همسر خود را آزار بدهد.» (۳)

مؤلف گوید: راه نجات از فتنه زن همان گونه که گذشت سازش و ارفاق می باشد چرا که زن بد اخلاق تشبیه به استخوانی شده که کج جوش خورده باشد، اگر با آن سازش کنی از آن بهره می بری و اگر بخواهی آن را مستقیم کنی می شکند و از آن بی بهره می شوی. (۴)

ص: ۳۵

۱- (۶۱) عسی الشیء یعسو: بیس و صلب. لسان العرب: ۱۵ / ۵۴.

۲- (۶۲) مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۰۷ - ۳۰۸.

۳- (۶۳) فقیه: ۴ / ۱۴ - ۱۵.

۴- (۶۴) فی الکافی عن اَبی عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الضِّلَعِ الْمُعْوَجِ إِنْ تَرَكْتَهُ انْتَفَعَتْ بِهِ وَإِنْ أَقَمْتَهُ كَسِرْتَهُ. وَشَكَاَ إِبْرَاهِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ سُوءِ خُلُقِ سَارَةَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الضِّلَعِ الْمُعْوَجِ إِنْ أَقَمْتَهُ كَسِرْتَهُ وَإِنْ تَرَكْتَهُ اسْتَمْتَعْتَ بِهِ، اصْبِرْ عَلَيْهَا. کافی: ۵ / ۵۱۳.

از این رو، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام از بدخلقی «ساره» به خدا شکایت نمود، خداوند به او وحی نمود: «مَثَلُ زَنِّ بَدْخَلْقٍ، مَثَلُ اسْتِخْوَانِ پَهْلُو مِی مَانَد که شکسته باشد و کج جوش خورده باشد، اگر بخواهی آن را مستقیم کنی می شکند و اگر او را رها کنی از آن بهره می بری، پس بر او صبر کن و با او سازگار باش.»

فتنه های گوناگون

اشاره

همان گونه که گذشت خداوند بندگان خود را نسبت به مال و جان و فرزند و همسر و امور فراوان دیگری آزمایش خواهد نمود و در حقیقت مال و

فرزند و شهوات نفسانی دنیا و ریاست و قدرت و فقر و تنگدستی بلکه علم و دانش و بلا و مصیبت برای انسان امتحان و فتنه و آزمایش است و همان گونه که گذشت سبب رشد و تعالی او نیز خواهد بود و اگر در کسی روح ایمان و خلوص و زهد و تقوا باشد خداوند او را حفظ می نماید و از این امتحانات و فتنه ها سالم بیرون خواهد آمد، و لکن اگر اهل دنیا و مادیات باشد و ایمان و خلوص و تقوای کافی در او نباشد قطعاً فریب می خورد؛ چرا که حُبّ دنیا ریشه همه انحرافات و گناهان است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (۱)، وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَ فِي طَلْبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالْدُّنْيَا فَأَضِرُّوا بِالْدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ» (۲).

یعنی: «دلبستگی و علاقه به دنیا ریشه هر خطایی است. و دنیاطلبی اضرار به آخرت است و آخرت طلبی اضرار به دنیا است و شما باید ضرر را به دنیا وارد کنید؛ چرا که دنیا [فانی است و] سزاوارتر به اضرار است.»

اکنون به برخی از موارد فتنه و ابتلای مؤمن اشاره می کنیم:

ص: ۳۶

۱- ۶۵) مستدرک الوسائل: ۱۲ / ۴۰.

۲- ۶۶) کافی: ۲ / ۱۳۱. اضرار یعنی زیان وارد نمودن.

داشتن مال دنیا به طور کلی مذموم و نکوهیده نیست بلکه علاقه به مال بدون داشتن هدف صحیح مذموم است و اگر صاحب مال هدف صحیحی داشته باشد و مال را برای صرف در راه های مطلوب دوست داشته باشد، داشتن مال هرگز مذموم و نکوهیده نیست، بلکه ممدوح و پسندیده است، و حدیث «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» شامل او نمی شود، از این رو، از ثروتمند و صول - یعنی کسی که اهل انفاق و دستگیری از خویشان و فقرا باشد - مذمت نشده است بلکه از کسی مذمت شده است که مال دنیا را برای دنیا بخواهد و این معنای فتنه بودن مال است.

از این رو، خداوند در قرآن می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (۱).

آری اگر هدف از تحصیل مال و جمع آن، صرف نمودن در راه های صحیح باشد، مال داری ممدوح خواهد بود، لذا خداوند به قارون که ثروت فراوانی داشته است می فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (۲). یعنی: «با آنچه خدا به تو داده است آخرت خود را آباد کند و نصیب خود را از دنیا فراموش مکن [همانا تو باید مال دنیا را وسیله سعادت خود قرار بدهی] و همان گونه که خداوند به تو احسان نموده است تو نیز به بندگان خدا احسان نمایی و با مال خود روی زمین فساد مکن که خداوند مفسدان را دوست نمی دارد.»

از آنچه گفته شد روشن می شود که اگر جمع کننده مال هدف صحیحی داشته باشد و حقوق واجب مال نیز پرداخت شود، مورد نکوهش نخواهد بود، و لکن اگر کسی مال اندوزی کند و هدف او انفاق در راه های صحیح نباشد عمل او حَبِّ دُنْيَا و

ص: ۳۷

۱- (۶۷) انفال / ۲۸.

۲- (۶۸) قصص / ۷۷.

۲- فتنه اولاد

بر خلاف آنچه در این زمان ها رایج است و می گویند: «اولاد کمتر، زندگی بهتر» و از فرزندان زیاد فرار می کنند و خود را عقیم می نمایند تا فرزندی از آنان به وجود نیاید، اسلام فراوان سفارش به تولید فرزند نموده است و فرزند را ثمره و میوه زندگی و برکات فراوانی دانسته و می فرماید: «کسی که بمیرد و فرزندی از او باقی مانده باشد مانند آن است که نمرده است و اگر فرزندی از او باقی نمانده باشد مانند آن است که وجود نداشته است.»

و نیز در روایات سفارش شده که از زن نازا پرهیز کنید گر چه زیبا و با کمال باشد.^(۲) و یا اگر زنی زیبا نبود و ولود بود با او ازدواج نمایید و از زیبا نبودن او هراس نداشته باشید؛ تا جایی که رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: «ازدواج کنید و نسل خود را زیاد نمایید، همانا من در قیامت مقابل امت های دیگر به امت خود مباحات می نمایم و لو به بچه ای که سقط شده باشد.»^(۳) و فرمود: «متزوج نائم نزد خداوند افضل از صائم قائم عذب می باشد.»^(۴)

و اما فتنه بودن فرزندان برای پدر و مادر، شاید مربوط به ادای حقوق و تربیت آنان باشد و اگر پدر و مادر دارای صلاحیت های اخلاقی باشند و فرزندان خود را نیز به اخلاق اسلامی و ابدارند از ناحیه فرزندان خود در دنیا و آخرت بهره مند خواهند شد و اگر پدر و مادر فرزندان خود را تربیت نمودند و آنان شایستگی لازم را پیدا نکردند مسئولیتی بر پدر و مادر نخواهد بود. اکنون برخی از وظائف پدر و مادرها را

ص: ۳۸

۱- (۶۹) قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «...وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِلْأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ». توبه / ۳۴ - ۳۵.

۲- (۷۰) کافی: ۵ / ۳۳۳.

۳- (۷۱) بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۲۲۰.

۴- (۷۲) مستدرک سفینه: ۴ / ۳۴۰.

نسبت به فرزندان بیان می کنیم تا پدر و مادرها به وظائف خویش آگاه شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «پدر بر فرزند حقی دارد و فرزند نیز بر پدر خود حقی دارد؛ حق پدر بر فرزند این است که در هر چیزی از او اطاعت کند جز در معصیت خداوند، و حق فرزند بر پدر این است که نام نیکی بر او قرار دهد، و او را نیکو به آداب اسلامی تربیت کند، و قرآن را نیز به او تعلیم نماید.»^(۱)

حضرت رضاعیه السلام به یکی از دوستان خود فرمود: «آیا پدر و مادر تو زنده اند؟» او گفت: خیر. امام علیه السلام فرمود: «آیا فرزندی داری؟» او گفت: آری. امام علیه السلام فرمود: «به فرزند خود احسان کن تا ثواب احسان به پدر و مادر را به تو بدهند.»^(۲)

و نیز فرمود: «نیکان و ابرار را به این علت ابرار می گویند که به پدران و فرزندان خود احسان می کنند.»^(۳)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند پدری را که فرزند خویش را برای کار نیک کمک نماید.»^(۴)

حضرت رضاعیه السلام فرمود: «به فرزندان خود نیکی و احسان کنید، چرا که آنان شما را رازق خود می پندارند.» و فرمود: «اگر وعده ای به فرزندان خود دادید به وعده خود وفا کنید.»^(۵)

رسول خداصلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یا عَلِيُّ يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنْ عُقُوقٍ وَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا.» یعنی: «همان چیزهایی که فرزندان به سبب آنها عاق پدر و مادر می شوند، پدران و مادران نیز به همان چیزها عاق فرزندان خود می گردند.»^(۶)

ص: ۳۹

۱- (۷۳) شرح نهج البلاغه حدیدی: ۱۹ / ۳۶۵.

۲- (۷۴) فقه الرضا علیه السلام / ۳۳۶.

۳- (۷۵) همان.

۴- (۷۶) همان.

۵- (۷۷) همان.

۶- (۷۸) الفقیه: ۴ / ۳۷۲.

فتنه دشمنان درونی

دشمنان درونی انسان چند چیز است:

۱- نفس اماره بالسوء که همواره از درون، انسان را به مطامع و جلوه های ظاهری دنیا می خواند، مقابل نفس ناطقه و عقلانی که همواره به انسان تذکر می دهد و اعلان خطر می نماید و آن را نفس لوامه گویند، و این دو برای انسان فتنه و آزمایشی است، و اگر انسان خدا را به یاد آورد و از کيفر او هراس کند و نفس اماره خود را زمین بزند رستگار شده است و اگر نفس، او را زمین بزند رسوا و بیچاره شده است، از این رو، خداوند در قرآن می فرماید:

«فَمَا مَّا مَنْ طَغَى * وَ آثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى * وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (۱).

و یا می فرماید: «وَ الشَّمْسِ وَ ضَحَاهَا * وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (۲).

اولیای خدا نیز فرموده اند: بزرگ ترین دشمن ما نفس اماره ماست و بهترین جهاد نیز، جهاد با نفس اماره است. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ» (۳).

فتنه شیطان

۲- دشمن درونی دوّم انسان، شیطان است، او همان گونه که خدا مکرّر در قرآن بیان فرموده در کنار انسان بلکه داخل خون و عروق اوست و او را به آنچه مخالف خواسته خداوند است دعوت می نماید، او دشمن آشکار و مسلمّ انسان است و

ص: ۴۰

۱- (۷۹) نازعات / ۳۷ - ۴۱.

۲- (۸۰) شمس / ۱ - ۱۰.

۳- (۸۱) امالی صدوق / ۵۵۳.

سوگند یاد نموده که همه فرزندان آدم علیه السلام را گمراه نماید جز بندگان خالص خدا، که گفته است: من راهی برای گمراه نمودن آنان ندارم، چرا که آنان در پناه خداوند می باشند. از این رو، به ما سفارش شده که همواره از شر او به خدا پناه ببریم و گر نه او ما را رها نخواهد نمود و خداوند نیز فرموده است: «...وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (۱)

۳ و ۴- دشمن درونی سوّم و چهارم انسان، همسران و فرزندان او هستند که خداوند می فرماید: آنان نیز بعضاً دشمن انسان می باشند و بسا برای انجام خواسته های نامشروع خود او را به مخالفت با خدا دعوت می کنند، از این رو، باید از آنان حذر نمود.

قال الله سبحانه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عِدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ مِمَّا اسْتِطَعْتُمْ وَاسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲)

یعنی: «ای مؤمنین [بدانید که] برخی از همسران و فرزندان شما دشمنان شمایند، پس باید از آنان بر حذر باشید، و اگر عفو و گذشت داشته باشید و صلاح خویش را رعایت کنید خداوند [نیز نسبت به شما] بخشنده و مهربان است، همانا اموال و اولاد برای شما فتنه و آزمایش است [و اگر شما اهل عفو و گذشت باشید] پاداش خداوند برای شما بزرگ خواهد بود، پس تا می توانید تقوای دین خود را رعایت کنید و به اطاعت خدا گوش فرا دهید و اموال خود را برای نجات خویش، در راه خدا انفاق کنید [و بخل را از خود دور نمایید] تا رستگار شوید.»

ص: ۴۱

۱- (۸۲) نساء / ۸۳ .

۲- (۸۳) تغابن / ۱۴ - ۱۶ .

یکی دیگر از فتنه ها برای مؤمن هم نشین ناشایسته است. در سخنان معصومین علیهم السلام فراوان از هم نشینی با افراد فاسد نکوهش شده است و فرموده اند: «با کسی هم نشین شوید که اهل صلاح باشد، و دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد و سخن او بر دانش شما بیفزاید و عمل او سبب رغبت به قیامت [و توجه به خدا] شود.» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «به دقت بنگر و هر کس برای دین تو سودمند نیست با او هم نشین مشو و به او رغبت مکن چرا که هر چه [و هر که] با خدا ارتباط نداشته باشد بقایی ندارد و عاقبت او خطرناک است و از بین خواهد رفت.» (۲)

امام جواد علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبِحُ أَثَرُهُ.»

یعنی: «از هم نشینی با آدم شرور [و فاسد] پرهیز کن چرا که او مانند شمشیر زهرآلود است، که ظاهر آن زیبا و باطن آن کشنده است.» (۳)

حضرت سلیمان فرمود: «درباره کسی قضاوت نکنید تا هم نشین او را بشناسید؛ چرا که ارزش هر کسی با هم نشینان او محاسبه می شود.» (۴)

امام سجّاد علیه السلام در مواعظ خود فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ، وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ، وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ، اخذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ...» (۵)

ص: ۴۲

۱- ۸۴) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى [بن مريم] عَلَيْهِ السَّلَام: يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتُهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ يُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. کافی: ۱ / ۳۹.

۲- ۸۵) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام: أَنْظِرْ إِلَى كُلِّ مَا لَا يُفِيدُكَ مَنَفَعَةً فِي دِينِكَ فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهِ وَ لَا تَرْغَبَنَّ فِي صُحْبَتِهِ، فَإِنَّ كُلَّ مَا سِوَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مُضْمَحَلٌّ وَ خِيَمٌ عَاقِبَتُهُ. مستدرک سفینه: ۶ / ۱۷۱.

۳- ۸۶) مستدرک سفینه: ۶ / ۱۷۱.

۴- ۸۷) بحار الأنوار: ۷۴ / ۱۸۸.

۵- ۸۸) بحار الأنوار: ۷۸ / ۱۵۱.

یعنی: «از هم نشینی با گنهکاران و کمک به ستمگران و همسایگی با فاسقان پرهیز کنید و از فتنه آنان بر حذر باشید و از آنان فاصله بگیرید.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «با اهل معصیت هم نشین مشو و آنان را از اسرار خود آگاه مکن.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هم نشینی با اهل دیانت شرف دنیا و آخرت انسان است.» (۲)

حضرت لقمان به فرزند خود فرمود: «اخْتَرِ الْمَجَالِسَ عَلَى عَيْنِكَ فَإِنْ رَأَيْتَ قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ جَلًّا وَعَزًّا فَاجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنْ تَكُنْ عَالِمًا نَفَعِيكَ عِلْمُكَ وَإِنْ تَكُنْ جَاهِلًا عَلَّمُوكَ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِرَحْمَتِهِ فَيَعْمَكَ مَعَهُمْ وَإِذَا رَأَيْتَ قَوْمًا لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَلَا تَجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنْ تَكُنْ عَالِمًا لَمْ يَنْفَعَكَ عِلْمُكَ وَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا يَزِيدُوكَ جَهْلًا وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِعُقُوبِهِ فَيَعْمَكَ مَعَهُمْ.»

یعنی: «به اهل مجالس به دقت بنگر، پس اگر آنها را ذاکر خدا دیدی با آنان بنشین تا اگر عالم بودی از علم خود استفاده کنی و اگر جاهل بودی آنان به تو علمی بیاموزند و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرو فرستد و آن رحمت شامل تو نیز بشود و اگر دیدی اهل مجلس ذاکر خدا نیستند با آنان منشین، چرا که اگر عالم باشی علم تو برای تو سودی نخواهد داشت و اگر جاهل باشی آنان بر جهل تو می افزایند و شاید خداوند عقوبت و کیفری بر آنان فرو فرستد و آن عقوبت شامل تو نیز بشود.» (۳)

فتنه علم و دانش

علم و دانش از نعمت های الهی است جز این که خداوند عالم و دانشمند را

ص: ۴۳

۱- ۸۹) وَ مِنْ مَوَاعِظِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ وَ لَا تُطْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ. مستدرک: ۶ / ۱۷۲؛ بحار الأنوار: ۷۸ / ۱۷۲.

۲- ۹۰) وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. کافی: ۱ / ۳۹.

۳- ۹۱) کافی: ۱ / ۳۹.

امتحان خواهد نمود و اگر از امتحان سالم خارج نشود کار او سخت تر از دیگران است، از این رو، علم برای او فتنه و آزمایش می باشد و اگر بخواهد در این آزمون موفق باشد باید چند چیز را رعایت کند:

۱- علم را برای خدا تحصیل نماید نه برای تحصیل روزی و یاریا و خودنمایی. [أعاذنا الله من ذلك]

۲- به آنچه می داند و می گوید و می نویسد عمل کند تا مورد ملامت قرار نگیرد و به او گفته نشود: «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (۱)، «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...» (۲) و ...

۳- به وظیفه ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر عمل کند تا گرفتار عذاب خدا نشود.

۴- اگر کسانی در دین خدا بدعت گذاری نمودند با دانش خود آنان را محکوم و مبهوت نماید و از دین خدا حمایت کند.

۵- آنچه را که از علوم به دست آورده به دیگران نیز تعلیم دهد تا زکات علم خود را پرداخته باشد.

۶- علم او همراه با حلم و بردباری باشد تا در دیگران تأثیر بگذارد و مردم از او استفاده کنند.

۷- علم و دانش را وسیله معاش خویش قرار ندهد تا نورانیت علم برای او باقی بماند.

۸- علم او همراه با تواضع باشد و موجب عجب و غرور و تکبر نشود تا مردم او را دوست بدانند و از او استفاده کنند.

۹- علم او همراه با حلم باشد تا مردم از او استفاده کنند و کلام او مؤثر واقع شود.

ص: ۴۴

۱- (۹۲) صف / ۲ - ۳.

۲- (۹۳) بقره / ۴۴.

۱۰- آنچه را نمی‌داند بگوید: نمی‌دانم؛ و در موضوعاتی که اطلاع لازم از آنها ندارد وارد نشود تا سبب گمراهی مردم و تضعیف دین و ایجاد شبهه نشود.

اکنون به سخنان معصومین علیهم السلام توجه می‌کنیم تا حقایق فوق روشن گردد:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (۱)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «علم نوری است که خداوند در قلب هر کس بخواهد آن را وارد می‌کند.»

و فرمود: «علم با عمل همراه است و عالم باید عامل باشد، و علم عمل را صدا می‌زند اگر اجابت نمود باقی می‌ماند و گرنه دور می‌شود [یعنی عالم اگر به علم خود عمل نکند نور علم از او گرفته می‌شود و در تاریکی باقی می‌ماند].»

ملاً صالح مازندرانی در شرح این حدیث گوید: علم باعث عمل و دلیل آن است و عمل حافظ علم و رمز بقای آن است و اگر عالم به مقتضای علم خود عمل کند نور علم در قلب او باقی می‌ماند و گرنه از او جدا می‌شود.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصِّفَاءِ» یعنی: «عالم چون به علم خود عمل نکند موعظه او بر قلوب مردم نمی‌نشیند همان گونه که باران بر روی سنگ باقی نمی‌ماند.» (۳)

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: «در کتاب انجیل عیسی علیه السلام نوشته شده: «لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَ لَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عِلْمْتُمْ فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يُعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبَهُ إِلَّا كُفْرًا وَ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا.» (۴)

یعنی: «تا به آنچه می‌دانید عمل نکرده‌اید علم آنچه نمی‌دانید را طلب نکنید،

ص: ۴۵

۱- ۹۴) مصباح الشریعه / ۱۶.

۲- ۹۵) کافی: ۱ / ۴۴؛ شرح کافی ملاً صالح: ۲ / ۱۴۲.

۳- ۹۶) کافی: ۱ / ۴۴.

۴- ۹۷) همان / ۴۵.

همانا علمی که به آن عمل نشود برای صاحبش جز کفر و دوری از خدا نتیجه ای نخواهد داشت.»

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِلْعَالِمِ [فَعَلَى الْعَالِمِ] أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.» (۱)

و نیز روایت شده که معصومین علیهم السلام فرموده اند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ نُورَ الْإِيمَانِ.» (۲)

یعنی: «هنگامی که بدعت ها آشکار می شود بر عالم و دانشمند واجب است که علم و دانش خود را اظهار کند و از بدعت ها جلوگیری نماید و اگر چنین نکند نور ایمان از او گرفته می شود.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «...وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۳) فرمود: «مُتَّقِينَ [یعنی شیعیان ما] آنچه ما به آنان تعلیم نموده ایم را به مردم ابلاغ می کنند و علوم ما را بین آنان منتشر می نمایند.» (۴)

حضرت رضاعلیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفِقْهِ [الْفَقِيهِ] الْحِلْمَ وَالصَّمْتَ.» (۵)

یعنی: «از نشانه های فقه [فقیه] حلم و خاموشی است.»

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: «يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالصَّمْتَ وَالْمُتَكَلِّفَ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَيُظَلِّمُ مَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الظَّالِمَةَ.» (۶)

یعنی: «ای طالب علم! [بدان که] برای معلّم سه نشانه وجود دارد: ۱- علم؛ ۲- حلم؛ ۳- صمت و خاموشی، و برای متکلف [عالم نما نیز] سه نشانه وجود دارد: ۱- با کسی که بالاتر از اوست نزاع می کند؛ ۲- به کسی که پایین تر از اوست ظلم می کند و بر او غلبه می نماید؛ ۳- با ستمگران همکاری می کند و در خدمت

ص: ۴۶

۱- (۹۸) امالی مفید / ۱۲۲.

۲- (۹۹) غیبت شیخ طوسی / ۶۴.

۳- (۱۰۰) بقره / ۳.

۴- (۱۰۱) معانی الأخبار / ۳۳.

۵- (۱۰۲) کافی: ۱ / ۳۶.

۶- (۱۰۳) همان / ۳۷.

آنان درمی آید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَرَادَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (۱)

یعنی: «کسی که علم حدیث و معارف اسلامی را برای بهره های دنیایی طلب کند در قیامت بهره ای نخواهد داشت، و کسی که هدف او آخرت [و رضای خدا] باشد خداوند خیر دنیا و آخرت را به او خواهد داد.»

و فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ، فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِمَنْ شَاءَ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ.»

یعنی: «اگر دیدید عالم اهل دنیا بود برای دین خود به او اعتماد نکنید؛ چرا که هر کس هر چه را دوست می دارد از آن جدا نمی شود و گرد آن می گردد.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند به داود وحی نمود: «لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضَيِّدَكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي، فَإِنَّ أَوْلَيْكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ، إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ.» (۳)

یعنی: «ای داود، عالم مفتون به دنیا را بین من و خود واسطه مکن؛ چرا که او تو را از راه محبت من جدا می کند و این گونه از علما، راهزن های بندگان من هستند [و مردم را از من دور می کنند] و کمترین مجازاتی که من به آنان دارم این است که شیرینی مناجات خود را از قلوب آنان می گیرم.»

فتنه اخلاق ناپسند

بزرگ ترین فتنه و امتحان برای افراد مؤمن پس از مسأله توحید و دوری از شرک، فتنه اخلاق زشت و ناپسند است به گونه ای که خداوند اصلاح اخلاق را

ص: ۴۷

۱- ۱۰۴) کافی: ۱ / ۴۶.

۲- ۱۰۵) همان.

۳- ۱۰۶) همان.

مرحله دوم از دستور کار رسول خودصلی الله علیه وآله قرار داده است و می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (۱)

بلکه به نظر نویسنده، زیربنای توحید و سبب بقا و ادامه آن نیز اخلاق پسندیده است و گرنه توحید بدون اخلاق نیک، برای کسی پایدار نخواهد بود چنان که توحید شیطان با داشتن تکبر پذیرفته نشد.

از سویی، اصلاح اخلاق چیزی نیست که یک شبه و با یک جلسه کسی بتواند آن را به دست بیاورد و به فرموده برخی از اساتید اخلاق، «اصلاح اخلاق نیاز به زحمت چهل ساله دارد».

علمای اخلاق نیز فرموده اند: سالک این راه اگر دارای خلق زشتی هست مدّت ها باید ضدّ آن را با تکلف و زحمت عمل کند تا تدریجاً خصلت نیک، خوی او شود، و از آن خصلت ناپسند نجات پیدا کند مثلاً اگر حلیم نیست حلم را بر خود تحمیل نماید، و اگر سخاوت ندارد، با سختی به احسان و بخشش ادامه بدهد تا خوی بخل از او دور شود، و اگر تکبر دارد با سختی در مقابل دیگران تواضع کند، و اگر حسود است با سختی در حقّ محسود خود خیرخواهی و دعا نماید و هكذا بقیه خصلت های ناپسند را همین گونه از خود دور نماید.

از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنْ لَعَمْرُكَ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا وَ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (۲)

یعنی: «اگر حلیم نیستی [با زحمت و تکلف] خود را به حلم و ابدار؛ چرا که هر کس خود را به قومی شبیه نمود امید می رود که همانند آنان شود.» و اگر کسی این گونه، اخلاق نیک را در خود ایجاد کند پاداش بیشتری خواهد داشت.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نِعْمَ الْجُرْعَةُ الْغَيْظُ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا، فَإِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ

ص: ۴۸

۱- (۱۰۷) جمعه / ۲.

۲- (۱۰۸) نهج البلاغه: ۲ / ۱۹۱.

لَمِنْ عَظِيمِ الْبَلَاءِ، وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ» (۱)

علامه مجلسی در شرح این حدیث می فرماید: مقصود از «عظیم البلاء» امتحان و آزمایش خداوند است، خداوند مؤمنین را مبتلای به معاشرت با مخالفین و ستمگران و صاحبان اخلاق ناپسند نموده و آنان را امر به صبر و کظم غیظ کرده است و این برای آنان سخت ترین بلا و امتحان می باشد. (۲)

روایت شده که رسول خداصلی الله علیه وآله یتیم بدخلقی را نگهداری می نمود و بر بدخلقی او صبر می کرد و چون آن یتیم از دنیا رفت رسول خداصلی الله علیه وآله افسرده گردید و فرمود: «دوست می داشتم که بر بدخلقی او صبر کنم.»

و اما کیفر اصلاح نکردن اخلاق ناپسند، بسیار بزرگ و خطرناک است و برای تذکر به برخی از روایات آن اشاره می شود:

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «مردی که بر بد اخلاقی همسر خود صبر کند خداوند پاداش حضرت ایوب را به او می دهد، و زنی که بر بد اخلاقی همسر خود صبر کند نیز همین پاداش را خواهد داشت و زنی که با همسر خود بد اخلاق باشد گناه او در هر شبانه روز به اندازه رمل های بیابان عالج خواهد بود و اگر قبل از آن که او را یاری کند و یا رضایت او را حاصل نماید از دنیا برود، او را از سر به درک اسفل دوزخ می اندازند و با منافقین محشور خواهد بود.» (۳)

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «رسول خداصلی الله علیه وآله برای تشییع جنازه سعد معاذ خارج شد و هفتاد هزار از ملائکه نیز او را تشییع نمودند، [ناگهان] رسول خداصلی الله علیه وآله سر مبارک خود را به طرف آسمان بالا نمود و فرمود: "خدایا آیا مانند سعد هم فشار قبر دارد؟" ابوبصیر می گوید: من به امام صادق علیه السلام گفتم: شنیده می شود که او از بول پرهیز نمی کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «معاذ الله! چنین چیزی نبوده بلکه

ص: ۴۹

۱- (۱۰۹) کافی: ۲ / ۱۰۹؛ بحار الأنوار: ۶۸ / ۴۰۸.

۲- (۱۱۰) بحار الأنوار: ۶۸ / ۴۰۸.

۳- (۱۱۱) ثواب الأعمال / ۲۸۷.

فشار قبر او برای بداخلاقی او با خانواده اش بوده است!!»

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «مادر سعد [چون تشییع جنازه فرزند خود را دید] گفت: ای فرزند من! مرگ برای تو گوارا باد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: "لا- تحتمی علی الله"، یعنی، ای زن، چیزی را بر خدا واجب مکن.» (۱)

و اما برکات حسن خلق نیز همان گونه که گذشت زیاد است و خیر دنیا و آخرت را برای انسان فراهم می نماید.

ام سلمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: اگر زنی دو مرتبه ازدواج نموده باشد و شوهران او هر دو بهشتی باشند، مربوط به کدام یک خواهد بود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «او هر کدام اخلاق بهتری داشته و خیر خواه تر به اهل خود بوده است را انتخاب می نماید.» سپس فرمود: «ای ام سلمه! حسن خلق خیر دنیا و آخرت را برای انسان فراهم می کند.» (۲)

فتنه حمایت نکردن از امام علیه السلام

قال الله سبحانه: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (۳).

یعنی: «بترسید از فتنه [و کیفری] که تنها اختصاص به ستمگران [و گنهکاران] شما پیدا نمی کند [بلکه به کسانی که ظلم و خلاف را می بینند و سکوت می کنند نیز خواهد رسید] و بدانید کیفر خدا سخت خواهد بود.»

آیه فوق شامل سازش با ستمکاران و اهل معصیت و ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر می شود، و نیز شامل حوادثی که به دنبال افتراق کلمه و اختلاف بین مسلمانان رخ می دهد می شود بلکه شامل سکوت در مقابل ظلم ها و خیانت ها و

ص: ۵۰

۱- (۱۱۲) کافی: ۳ / ۲۳۶.

۲- (۱۱۳) خصال / ۴۲؛ ثواب الأعمال / ۱۸۱؛ بحار الأنوار: ۸ / ۱۱۹.

۳- (۱۱۴) انفال / ۲۵.

بدعت ها و... نیز می شود.

و لکن در تفسیر روایی آیه فوق آمده که امام صادق علیه السلام می فرماید: «شأن نزول این آیه مسأله غصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است و مقصود از این فتنه، فتنه ای است که بعد از رحلت رسول خداصلی الله علیه وآله رخ داد و مردم علی علیه السلام را رها کردند و با غیر او بیعت نمودند، در حالی که رسول خداصلی الله علیه وآله آنان را امر نموده بود که از علی علیه السلام و اوصیای آل محمد [علیهم السلام] جدا نشوند و از آنان پیروی کنند.»(۱)

و لکن مردم در چنین مسأله مهمی از امام زمان خود حمایت نکردند تا ستمگران بر آنان مسلط شدند و جنایات بی شماری را انجام دادند و خداوند در آیه فوق می فرماید: «این جنایات تنها به عهده کسانی نیست که مباشر انجام آنها بوده اند بلکه شامل آن کسانی که این ظلم بزرگ را دیدند و از مظلوم دفاع نکردند نیز می شود و آنان در تمام جنایاتی که رخ داده و رخ خواهد داد شریک خواهند بود.»

ابن عباس گوید: هنگامی که آیه فوق نازل شد، رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «کسی که امامت و خلافت علی علیه السلام را بعد از من انکار کند و به او ظلم نماید [و یا سکوت کند و از او دفاع ننماید] مانند این است که نبوت و پیامبری من را انکار نموده باشد.»(۲)

در تفسیر قمی نیز آمده که این آیه مربوط به جنگ طلحه و زبیر با امیرالمؤمنین علیه السلام است.

فتنه امر به معروف و نهی از منکر

امام باقر علیه السلام می فرماید: (۳) «در آخر الزمان مردمی خواهند آمد که با ریاکاری از همدیگر پیروی می کنند، آنان عالم نماها و عابدنماها و نادانان و سفیهانی هستند»(۴) که

ص: ۵۱

۱- ۱۱۵) تفسیر صافی.

۲- ۱۱۶) همان.

۳- ۱۱۷) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَفَرَّوْنَ وَ

۴- ۱۱۸) يَتَنَسَّكُونَ حِدْثَاءَ سِفْهَاءٍ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لَأَنْفُسِهِمْ الرُّخَصَ وَ الْمَعَاذِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عَمَلِهِمْ يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ مَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَبَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفُضُوا كَمَا رَفُضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ

امر به معروف و نهی از منکر را به بهانه ضرر ترک می کنند، آنان همیشه به دنبال عذر و بهانه هستند و از علما بدگویی می کنند، و به نماز و روزه و هر چه تراحم با مال و جان آنان نداشته باشد رومی آورند، و اگر نماز مزاحم مسائل مربوط به جان و مال آنان باشد آن را نیز کنار می گذارند همان گونه که عالی ترین و اشرف واجبات مانند امر به معروف و نهی از منکر را کنار گذاردند.»

سپس فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عظیم و بزرگ است و به وسیله این دو واجب بقیه واجبات برقرار می ماند، و هنگامی که مردم این دو واجب را ترک کنند، غضب و خشم خدای عزوجل بر آنان مسلّم می شود و عذاب او آنان را می گیرد، و خوبان در خانه های فجّار و صغار در خانه های کبار معذب خواهند بود.»

تا این که فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر طریقه پیامبران و روش صالحان و واجب بزرگی است که به وسیله آن واجبات دیگر برقرار می ماند، و دیانت بین مردم امتیّت پیدا می کند و حیّت مکاسب برقرار می شود، و مظالم به صاحبانش باز می گردد، و زمین آباد می شود، و حقّ مظلومان گرفته می شود و امر دین و دنیای مردم پا برجا می گردد.»

سپس فرمود: «شما باید با قلب و زبان در مقابل منکر انکار داشته باشید، و محکم بر صورت اهل منکر (۱) بنزید، و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت کننده ای

ص: ۵۲

۱- ۱۱۹) فَرِيضَةُ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ يَنْتَمُ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَ الصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَيَاذِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُتْتَصَفُ مِنَ الْأَعْيَادِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَنْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورَا بِاللِّسَانِ وَ صِيكُوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا تَمُومَ فَإِنِ اتَّعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» هُنَالِكَ فَجَاهَدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ وَ أَنْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِظُلْمٍ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ قَالَ وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِغَضَبِي. كافي: ۵ / ۵۵.

هراس نداشته باشید، پس اگر گنهکاران با موعظه شما به راه حق باز گشتند باکی بر آنان نیست و گر نه به فرموده قرآن که می فرماید: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱) شما باید با تمام وجود با آنان مبارزه کنید بدون آن که بخواهید از روی ظلم بر آنان سلطه ای پیدا کنید و یا طمع در مال آنان داشته باشید، و همواره باید به این وظیفه عمل کنید تا آنان به طاعت خدا و امر الهی باز گردند.»

سپس فرمود: «خداوند به پیامبر خود شعیب وحی نمود: "من می خواهم یکصد هزار از امت تو را عذاب نمایم چهل هزار از اشرار و شصت هزار از خوبان." شعیب علیه السلام گفت: "خدایا اشرار را به اعمالشان مؤاخذه می کنی، خوبان را برای چه مؤاخذه می نمایی؟" خطاب شد: خوبان با اهل معصیت سازش نمودند و برای خشم من خشم نکردند.»

امام کاظم علیه السلام فرمود: «باید امر به معروف و نهی از منکر بکنید و گر نه اشرار بر شما مسلط خواهند شد و خوبان شما چون دعا کنند مستجاب نخواهد شد.» (۲)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «وای بر مردمی که امر به معروف و نهی از منکر را از دین خود ندانند.» (۳)

امام باقر علیه السلام فرمود: «چه بد مردمی هستند مردمی که امر به معروف و نهی از منکر را زشت می شمارند.» (۴)

ص: ۵۳

۱- (۱۲۰) شوری / ۴۲.

۲- (۱۲۱) کافی: ۵ / ۵۶.

۳- (۱۲۲) همان.

۴- (۱۲۳) همان / ۵۷.

امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «قبل از شما عدّه ای از امت های پیشین هلاک شدند، چرا که اهل گناه بودند و علما و خوبان آنان را نهی نکردند، پس شما امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر مرگ کسی را نزدیک نمی کند و رزق کسی را قطع نمی نماید.» (۱)

فتنه اختلاف و تفرقه

قال الله سبحانه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۲)

یعنی: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید و به یاد نعمت های خدا باشید، همانا شما قبل از اسلام با همدیگر دشمن بودید و خداوند دل های شما را به همدیگر تألیف نمود و شما با نعمت او با یکدیگر برادر شدید در حالی که قبلاً [در کفر و شرک به سر می بردید و] در سراسیمی دوزخ بودید و خداوند شما را نجات داد؛ این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند تا شاید هدایت شوید.»

همان گونه که مشاهده می کنیم خداوند در آیه فوق مردم را امر به وحدت نموده و آنان را از تفرقه و جدایی بر حذر داشته است و وحدت را اعتصام به حبل ولایت اولیای خود دانسته و اولیای خود را ریسمان ارتباط مردم با خود معرفی نموده است.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «مقصود از "واعتصموا بحبل الله جميعاً" چنگ زدن به ریسمان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (۳)

ص: ۵۴

۱- (۱۲۴) کافی: ۵ / ۵۷.

۲- (۱۲۵) آل عمران / ۱۰۳.

۳- (۱۲۶) نور الثقلین: ۱ / ۳۷۷.

امام باقر علیه السلام فرمود: «آل محمد علیهم السلام همان حبل الله هستند که خداوند، امر به اعتصام به آنان نموده است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «مایم حبل الله و ریسمان ارتباط خداوند با مردم.»^(۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَا تَفْرُقُوا» فرمود: «خداوند می دانسته که این امت بعد از پیامبر خود صلی الله علیه و آله اختلاف و تفرقه پیدا می کنند، از این رو، آنان را از اختلاف و تفرقه نهی نموده است، همان گونه که امت های پیشین را از اختلاف نهی نموده و ولایت آل محمد [علیهم السلام] را بر آنان واجب دانسته تا متحد باشند و اختلاف نداشته باشند.»^(۲)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه «...إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ...»^(۳) گوید: این آیه درباره دو قبیله اوس و خزرج نازل شد، آنان یکصد سال بود که شبانه روز با یکدیگر جنگ می کردند، تا این که در آن مدت فرزندان آنان به دنیا آمدند [و از دنیا رفتند] و چون خداوند پیامبر خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود و آنان داخل در اسلام شدند به برکت آن حضرت دشمنی های آنان مبدل به دوستی و برادری شد.^(۴)

آری اخلاق محمدی صلی الله علیه و آله دشمنی های یکصد ساله را مبدل به دوستی و برادری نمود، از این رو، خداوند در قرآن فرمود: «شما مسلمانان باید به پیامبر خود صلی الله علیه و آله اقتدا کنید «...لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»^(۵) و با پذیرفتن ولایت آن حضرت و ولایت اوصیای او همواره با همدیگر برادر و مهربان باشید.»

اکنون ما باید بدانیم که هر چه از قرآن و اهل بیت علیهم السلام فاصله بگیریم دشمنی ها و فاصله ها و فتنه ها فراوان تر خواهد بود. از سویی قرآن علت اختلافات را بغی و سرکشی و تجاوز به حقوق دیگران دانسته و می فرماید:

ص: ۵۵

۱- (۱۲۷) نور الثقلین: ۱ / ۳۷۷.

۲- (۱۲۸) همان.

۳- (۱۲۹) آل عمران / ۱۰۳.

۴- (۱۳۰) تفسیر قمی: ۱ / ۱۰۸.

۵- (۱۳۱) احزاب / ۲۱.

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَ مَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱)

در روایات معصومین علیهم السلام نیز آمده که: «هر مسلمانی باید خیرخواه برادران دینی خود باشد و در اصلاح امور آنان بکوشد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «بر هر مؤمنی واجب است که در آشکارا و پنهان از برادران مؤمن خود خیرخواهی کند.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بالاترین منزلت مؤمنین نزد خداوند مربوط به کسانی خواهد بود که بیش از دیگران از برادران خود خیرخواهی می کنند.» (۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: بهترین صدقه ای که خدا آن را دوست می دارد اصلاح بین مردم است هنگامی که فساد اخلاقی پیدا کنند و از همدیگر فاصله بگیرند.» (۴)

امام صادق علیه السلام به شاگرد خود مفضل دستور داد: «هنگامی که دیدی شیعیان ما به خاطر مال دنیا اختلاف پیدا کرده اند از مال من اختلاف آنان را برطرف کن.» (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: «شخص مصلح اگر در مقام اصلاح دروغ بگوید دروغگو محسوب نمی شود.» (۶)

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا قَلْنَا وَ لِمَا كَتَبْنَا بِرَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ لَوْلَا فَضْلُكَ وَ رَحْمَتُكَ لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ.

ص: ۵۶

۱- (۱۳۲) بقره / ۲۱۳.

۲- (۱۳۳) کافی: ۲ / ۲۰۸.

۳- (۱۳۴) همان.

۴- (۱۳۵) همان / ۲۰۹.

۵- (۱۳۶) همان.

۶- (۱۳۷) همان.

مردان الهی که به جستجوی خشنودی خدای خود هستند و گرفتار حبّ دنیا نشده اند، از ریاست و شهرت هراس دارند و همواره می خواهند خمول و ناشناخته باشند و مردم گرد آنان جمع نشوند و از آنان ستایش نمایند. آنان عزلت از مردم و انس با خدا را بهتر از هر چیزی دوست می دارند و همواره از مردم دنیا فاصله می گیرند تا از خطرهای اجتماعی و ارتباط با مردم آلوده شدن به گناه نجات پیدا کنند، چنین کسانی به دنبال دنیا و ریاست دنیا نمی گردند بلکه از آن گریزان هستند، جز آن که برای انجام وظیفه، مسؤولیتی را بپذیرند. از این رو، برای خود جایگاهی مرتّب نمی کنند و انتظار احترام و اکرام از کسی ندارند، آنچه گفته شد از سیره اولیای خدا و شاگردان راستین آنان استفاده می شود.

از روایات معصومین علیهم السلام نیز استفاده می شود که حبّ ریاست برای دین مؤمن بسیار خطرناک است و ریاست طلبی برای کسی که اطمینان به اجرای عدالت ندارد حرام می باشد. گرچه در این زمان ها برخی از مردم برای به دست آوردن ریاست و اشغال یک منصب، خلاف ها و گناهانی را مرتکب می شوند و حقوقی را تضییع می نمایند تا به خواسته خود برسند، در حالی که آن ریاست سبب هلاکت و بیچارگی آنان خواهد شد. اعاذنا الله من ذلك بفضلہ و کرمه و رحمته.

اکنون به برخی از روایات معصومین علیهم السلام در این موضوع اشاره می کنیم.

مرحوم صاحب مستدرک الوسائل بابی را با عنوان «باب تحریم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل» باز نموده و روایاتی را درباره مذمت از حبّ ریاست و ستایش از حبّ عزلت و خمولت نقل نموده است که بر برخی از آنها اشاره می شود.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «خطر حبّ ریاست برای دین مسلمان، بیش از خطر گرگانی است که در گله بدون چوپان وارد شوند.» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به دنبال ریاست و جاه طلبی باشد هلاک خواهد شد.»^(۱)

و فرمود: «از اهل ریاست دور شوید، به خدا سوگند مردم به دنبال کسی حرکت نمی کنند جز آن که او خود و دیگران را هلاک خواهد نمود.»^(۲)

و فرمود: «ملعون است کسی که ریاست طلب باشد، ملعون است کسی که برای رسیدن به آن بکوشد، ملعون است کسی که به خود وعده ریاست بدهد.»^(۳)

به نظر می رسد، ریاست طلبی دور از تکبر و ریا و عجب و خودپسندی و بی تقوایی نمی باشد و این خصلت ها هر کدام برای هلاکت انسان کافی است.

از این رو، امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که اراده ریاست داشته باشد هلاک شده است.»^(۴)

امام صادق علیه السلام نیز به محمّد بن مسلم فرمود: «تو فکر می کنی من افراد نیک و بد شما را نمی شناسم؟ آری به خدا سوگند، بدان شما کسانی هستند که دوست می دارند مردم به دنبال آنان حرکت کنند و آنان رئیس بر مردم باشند، چنین کسانی بدون شک یا کذاب و دروغگو هستند و یا عاجز الرأی و نادان می باشند.»^(۵)

مؤلف گوید: تاریخ نشان می دهد که هر ظلم و هر خیانت و جنایتی از صدر اسلام تا کنون رخ داده است، علتی جز حبّ ریاست نداشته است و حبّ ریاست بسیاری از متعبّدین را نیز هلاک نموده است، و تمام حوادث تلخ و خونباری که در زمان های معصومین ماعلیهم السلام رخ داده به سبب حبّ ریاست و جاه طلبی بوده است. آنان نه تنها برای رسیدن به ریاست، حکام دیگری همانند خود را می کشتند بلکه مردم بی گناه و حتی امامان معصوم علیهم السلام را نیز از ترس این که مردم تمایل به آنان پیدا کنند می کشتند. لعنهم الله اجمعین.

ص: ۵۸

۱- (۱۳۹) کافی: ۲ / ۲۹۷.

۲- (۱۴۰) همان.

۳- (۱۴۱) همان / ۲۹۸.

۴- (۱۴۲) همان.

۵- (۱۴۳) همان / ۲۹۹.

رسول خداصلی الله علیه وآله در پایان خطبه خود در سال حجّه الوداع در کنار کعبه، پس از بیان نشانه های مردم آخر الزمان و فتنه هایی که در آن زمان رخ می دهد، راه نجات و سلامت دین مردم را در پیروی از قرآن و اهل بیت خود بیان نمود و فرمود:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي رَاحِلٌ عَنْ قَرِيبٍ وَ مُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ، فَأَوْدَعُكُمْ وَ أُوصِيكُمْ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظُوهَا، إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (۱)

یعنی: «ای مردم! من در این نزدیکی به عالم غیب رحلت خواهم نمود، اکنون با شما خداحافظی می کنم و شما را به وصیته توصیه می کنم که باید در انجام آن حرمت مرا حفظ کنید [و هرگز از آن تخلف ننمایید]، همانا من دو چیز بزرگ را بین شما باقی می گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت خود را، اگر شما به این دو چیز تمسک جویند و از آنها پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم! [همان گونه که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»] من منذر هستم و علی هادی می باشد و عاقبت نیک برای متقین است و حمد و ستایش مخصوص خدای رب العالمین می باشد.»

آری، اگر مردم بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر خودصلی الله علیه وآله تمسک جسته بودند، به فرموده حضرت فاطمه علیها السلام [و ام سلمه و ابوذر و ابن عباس]، دو نفر هم با یکدیگر نزاع و اختلاف پیدا نمی کردند، «وَ لَكِنْ قَدَّمُوا مَنْ أَخْرَهُ اللَّهُ وَ أَخْرُوا مَنْ قَدَّمَهُ اللَّهُ»، یعنی: بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله کسی را مقدم نمودند که خدا او را [لایق منصب امامت نمی دانست و او را] کنار زده بود و کسی را کنار گذاردند که

ص: ۵۹

خداوند او را مقدم نموده بود [و لایق منصب امامت می دانست].(۱)

مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «آگاه باشید، به خدا سوگند برای صاحب این امر [یعنی حضرت مهدی علیه السلام] غیبتی خواهد بود [بسیار طولانی] و چنان نام او از یاد خواهد رفت که گفته خواهد شد: "او، یا مرده است، و یا او را کشته اند"، و یا می گویند: "ما نمی دانیم در کجا پنهان گشته است؟" و در آن زمان کسی نجات نخواهد یافت مگر آن که خداوند از او پیمان بندگی گرفته باشد و ایمان در قلب او ثبت شده باشد، و مورد تأیید خداوند باشد...»(۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای مردم! شما فتنه های تاریک و کوری را در پیش دارید و راه نجاتی از آن نیست مگر برای "نومه".» گفته شد: «نومه چیست؟» فرمود: «کسی که مردم را می شناسد و مردم او را نمی شناسند.»(۳)

و یا فرمود: «ای مردم! امواج فتنه را به وسیله کشتی های نجات بشکافید، [و خود را نجات بدهید].»(۴)

مقصود آن حضرت از کشتی های نجات، عترت و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَيْفِيهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ هُوَ». یعنی: «مَثَلِ اهل بیت من مَثَلِ کشتی نوح است که هر کس در آن قرار گرفت نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود هلاک گردید [گرچه فرزند حضرت نوح بود].»

امام سجاده علیه السلام فرمود: «لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهَ مِيثَاقَهُ أَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ يُنَجِّبُهُمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ.»(۵)

یعنی: «برای شما فتنه هایی همانند شب تاریک رخ خواهد داد و در آن فتنه ها برای کسی راه نجات نخواهد بود مگر آنان که خداوند میثاق بندگی از آنان گرفته

ص: ۶۰

۱- ۱۴۵) بحار الأنوار: ۳۶ / ۳۵۲، و ج ۳۶ / ۳۴۶، احتجاج: ۱ / ۲۳۱، شرح الأخبار: ۲ / ۵۰۰.

۲- ۱۴۶) کافی: ۱ / ۳۳۹.

۳- ۱۴۷) مستدرک سفینه: ۸ / ۱۲۳.

۴- ۱۴۸) همان.

۵- ۱۴۹) همان / ۱۲۲.

باشد، و آنان چشمه های علم و دانش و چراغ هدایت هستند و خداوند آنان را از هر فتنه تاریکی نجات خواهد داد.»

مؤلف گوید: خلاصه سخن این است که در آخر الزمان و دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام، فتنه های کور و خطرناکی رخ می دهد و نجات و سلامت از آنها جز با تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام و تقوا و تقید به دین و پرهیز از شبهات و استمداد از خداوند و توسل به اولیای او و توجه به سخنان آنان در رابطه با آخر الزمان و دوران غیبت کبرا امکان پذیر نیست، و لا حول و لا قوه الا بالله و هو المستعان علی الامور کلاها.

ص: ۶۱

نشانه های آخر الزمان و قیام حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

ص: ۶۳

فتنه های آخر الزمان و فتنه های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور آن حضرت فراوان در کتب حدیث بیان شده است و اکثر آنها نشان دهنده فساد اعتقادی و اخلاقی و مالی و ناموسی مردم آخر الزمان می باشد و بیشتر آنها در این زمان بین مردم مشاهده می شود و حَقاً با این وضعیت، زندگی برای انسان مؤمن تلخ و ناگوار است و بدتر از آن این است که امیدی نمی رود که این مردم به صلاح و دیانت باز گردند؛ چرا که دین بین آنان ارزشی ندارد بلکه افراد مؤمن و متدین بین این مردم منفور و مطرود و مورد اهانت و تحقیر و دشنام هستند و مردم آنان را به بی خردی و نادانی و عقب ماندگی و خیانت نسبت می دهند، در این میان اهل علم و روحانیون بیش از مؤمنین دیگر مورد تحقیر و توهین و آزار و دشنام واقع می شوند.

اکنون یکی از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره مردم آخر الزمان بیان می کنیم، به امید آن که شاید با شنیدن این حدیث عبرتی حاصل شود و افراد نا آگاه متنبه و بیدار شوند و مسیر خود را عوض کنند و رو به خدا و آیین قرآن و دین و اولیای خدا بیاورند و با شنیدن این مفساد، دین برای آنان ارزشمند گردد **إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**.

فضل بن شاذان در کتاب غیبت (۱) خود از عبدالله بن عباس نقل نموده که گوید: ما در سال حجّه الوداع با رسول خدا صلی الله علیه و آله حجّ به جا آوردیم، تا این که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه درب کعبه را گرفت و روی مبارک خود را به ما نمود و فرمود: «ای مردم! می خواهید نشانه های قیامت [و آخر الزمان] را برای شما بگویم؟» (۲) اصحاب

ص: ۶۴

۱- ۱۵۰) أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي نَجْرَانَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: حَجَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّةَ الْوَدَاعِ، فَأَخَذَ بِحَلْقِهِ بَابِ

۲- ۱۵۱) الْكَعْبِيُّ وَ أَقْبَلَ بَوَّجْهِهِ عَلَيْنَا، فَقَالَ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟» قَالُوا: «بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.» قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَوَاتِ، وَ اتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ، وَ الْمَيْلُ مَعَ الْأَهْوَاءِ وَ تَعْظِيمُ الْمَالِ، وَ بَيْعُ الدِّينِ بِالدُّنْيَا، فَعِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ، مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ، فَلَا يَسِيحُ تَطِيحُ أَنْ يُغَيَّرَهُ، فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَمْرَاءُ جَوْرَةٌ، وَ وُزَرَاءُ فِسْقَةٌ، وَ عُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ، وَ أُمْنَاءُ حَوْنَةٌ، فَيَكُونُ عِنْدَهُمُ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفًا، وَ الْمَعْرُوفُ مُنْكَرًا، وَ يُؤْتَمَنُ الْخَائِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَ يُصَدَّقُ الْكَاذِبُ وَ يُكذَّبُ الصَّادِقُ، وَ تَتَأَمَّرُ

گفتند: آری یا رسول الله. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«نشانه های قیامت [و آخر الزمان] چند چیز است:

۱- ضایع نمودن نمازها.

۲- پیروی از شهوات و رو آوردن به هواها و هوس رانی ها.

۳- احترام و تعظیم مال دنیا.

۴- فروختن دین به دنیا. سپس فرمود: «با این وضعیّت قلب مؤمن در درون او آب می شود همان گونه که نمک در آب، آب می شود، از این که منکر و گناه را می بیند و قدرت تغییر آن را ندارد.»

۵- در آن زمان رهبران مردم اهل جور و ستم هستند و وزرای آنان فاسق و اهل گناه می باشند.

۶- عرفای آنان ستمگر خواهند بود.

۷- امنای آنان اهل خیانت اند، و منکر را معروف می دانند.

۸- در آن زمان خائن را امین می شمارند.

۹- دروغگو را صادق می پندارند.

۱۰- راستگو را تکذیب می کنند.

۱۱- زن ها امیر و رئیس می شوند.

۱۲- مردم با زن ها مشورت می کنند و آنان را مشاور خود قرار می دهند.

۱۳- بچه صفتان بر منبرها بالا می روند. (۱)

ص: ۶۵

۱- (۱۵۲) النِّسَاءُ، وَ تُشَاوِرُ الْأِمَاءَ، وَ يَعْلُو الصَّبِيَّانَ عَلَى الْمَنَابِرِ، وَ يَكُونُ الْكَذِبُ عِنْدَهُمْ ظَرَفَةً، فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَاذِبِ وَ إِنْ كَانَ مَارِحًا، وَ آدَاءُ الزَّكَاهِ أَشَدُّ التَّعَبِ عَلَيْهِمْ خُسَيْرَانًا وَ مَغْرَمًا عَظِيمًا وَ يُحَقِّرُ الرَّجُلُ وَالسِّدِّيَّ وَ يَسْرِبُهُمَا وَ يَبْرَأُ [مِنْ] صِدْقِهِ وَ يُجَالِسُ عَيْدُوهُ وَ تُشَارِكُ الرَّجُلُ زَوْجَهَا فِي التَّجَارَةِ وَ يَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ يُعَارُ عَلَى الْعُلَمَانِ كَمَا يُعَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا وَ تَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ تَوَكَّبَنَّ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ عَلَى السُّرُوجِ

۱۴- دروغ نزد آنان ظرافت نامیده می شود در حالی که لعنت خدا بر دروغگو خواهد بود گر چه شیرین زبان باشد.

۱۵- پرداخت زکات برای آنان سخت خواهد بود و آن را خسارت و زیان بزرگی می دانند.

۱۶- به پدر و مادرهای خود توهین می کنند و به آنان دشنام می دهند.

۱۷- مردم آن زمان از دوست [واقعی] خود بیزاری می جویند و با دشمنان خدا همنشین می شوند.

۱۸- زن ها در تجارت با مردها شریک خواهند شد.

۱۹- برای مسائل جنسی مردها به مردها اکتفا می کنند و زن ها به زن ها [و لواط و مساحقه رایج می شود].

۲۰- همان گونه که مرد برای کنیز خود غیرت نشان می دهد، مردم آن زمان برای پسر بچه امرد نیز غیرت نشان می دهند.

۲۱- مردها خود را شبیه به زن ها می کنند و زن ها نیز خود را شبیه به مردان می کنند.

۲۲- زن ها بر زین [اسب]ها سوار می شوند [و راننده مرکب های متعارف می شوند].

۲۳- مساجد را همانند کنیسه ها و معبدهای یهود و نصاری طلاکاری می نمایند.

۲۴- قرآن ها را زیور می کنند. (۱)

ص: ۶۶

۱- ۱۵۳) وَ تَزَخَّرُ الْمَسَاجِدُ كَمَا تَزَخَّرُ الْمَبِيعُ وَالْكَنَائِسُ وَ تَحَلَّى الْمَصَاحِفُ وَ تَطَوَّلُ الْمَنَارَاتُ وَ تَكْثُرُ الصُّفُوفُ وَ يَقِلُّ الْإِخْلَاصُ وَ يُؤْمَهُمْ قَوْمٌ يَمِيلُونَ إِلَى الدُّنْيَا وَ يُجْتُونَ الرِّئَاسَةَ الْبَاطِلَةَ فَعِنْدَهَا قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ مُتَبَاغِضَةٌ وَ أَلْسِنَتُهُمْ مُخْتَلَفَةٌ وَ تَحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَابِجَ وَ جُلُودَ السَّمُورِ وَ يَتَعَامَلُونَ بِالرِّشْوَةِ وَ الرِّبَا وَ يَضْمَحُونَ الدِّينَ وَ يَزْفَعُونَ الدُّنْيَا وَ يَكْثُرُ الطَّلَاقُ وَ الْفِرَاقُ وَ الشُّكُّ وَ النِّفَاقُ وَ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ تَظْهَرُ الْكُوبَةُ وَ الْقَيْنَاتُ وَ الْمَعَازِفُ

۲۵- مناره های مساجد را طولانی می کنند.

۲۶- صف های جماعت زیاد می شود و اخلاص کمیاب می گردد.

۲۷- ائمه جماعات مایل به دنیا و ریاست های باطل می شوند.

۲۸- در چنین زمانی قلب های مردم با یکدیگر دشمنی دارد و زبان هایشان مختلف می باشد.

۲۹- مردهای امت من خود را با طلا زینت می کنند و لباس هایی از حریر و دیباج و از پوست سمور می پوشند.

۳۰- معاملات مردم همراه با ربا و رشوه می شود.

۳۱- دین را زمین می گذارند و دنیا را برمی دارند.

۳۲- طلاق و جدایی و شک و نفاق فراوان می شود، آنان [با این اعمال] آسیبی به خدا نمی توانند برسانند.

۳۳- طبل و شطرنج و نرد و آلات لهو و غنا و موسیقی آشکار می شود و مردم به این اعمال و سایر آلات لهوی مایل می گردند، آگاه باشید کسی که به یکی از آنان در این اعمال کمک مالی و غیره بکند مانند آن است که هفتاد مرتبه با مادر خود در داخل کعبه زنا کرده باشد.

سپس فرمود: «در چنین زمانی اشرار بر آنان حاکم می شوند، و محرّمات خدا هتک می شود و مردم از راه گناه کاسبی می کنند، و اشرار(۱) بر اخیار مسلط می شوند.»

ص: ۶۷

۱- (۱۵۴) وَ الْمَيْلُ إِلَى أَصْحَابِ الطَّنَائِيرِ وَ الدُّفُوفِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ سَائِرِ آلَاتِ اللّٰهُوِ أَلَا وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ الْأَلْبَسَةِ وَ الْأَطْعَمَةِ وَ غَيْرِهَا فَكَأَنَّمَا زَنَى مَعَ أُمِّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي وَ تَنْتَهَكُ الْمَحَارِمَ وَ تُكْتَسَبُ الْمَنَائِمُ وَ تُسَلِّطُ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ وَ يَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّبَاسِ وَ يَسْتَحْسِنُونَ أَصْحَابَ الْمَلَاهِي وَ الزَّانِيَاتِ فَيَكُونُ الْمَطَرُ قَيْظًا وَ يَعِظُ الْكِرَامُ غَيْظًا وَ يَفْشُو الْكَذِبُ وَ تَطْهَرُ الْحَاجَةُ وَ تَفْشُو الْفَاقَهُ فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ فَيَتَّخِذُونَهُ مَرَامِيرَ وَ يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ يَكْتُمُونَ أَوْلَادَ الزَّانِي وَ يَتَعَنَّونَ بِالْقُرْآنِ فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ وَ يُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّى يَكُونُوا

۳۴- مردم آن زمان در لباس با یکدیگر مفاخره می کنند.

۳۵- مردم آن زمان معصیت و زنا و غنا و ملامتی را نیکو می شمارند.

۳۶- در چنین زمانی باران کمیاب می شود.

۳۷- خوبان و اهل صلاح خشم می کنند.

۳۸- دروغ فراوان و آشکار می شود.

۳۹- نیاز مردم آشکار می گردد و فقر و تنگدستی فراوان می شود.

۴۰- عده ای قرآن را برای غیر خدا یاد می گیرند و آن را با صوت لهوی می خوانند.

۴۱- عده ای فقه را برای غیر خدا می خوانند.

۴۲- اولاد زنا فراوان می شود.

۴۳- با قرآن آوازه خوانی می کنند، لعنت خدا بر آنان باد.

۴۴- امر به معروف و نهی از منکر را انکار می کنند [و جزء دستورات دین نمی دانند] و کار به جایی می رسد که مؤمن در آن زمان ذلیل تر از کنیز خواهد بود.

۴۵- بین علما و پیشوایانشان دشمنی و بدگویی رایج می شود، چنین مردمی در آسمان ها و زمین پلید و نجس نامیده می شوند.

۴۶- غنی و ثروتمند از ترس این که فقیر از او سؤال کند فرار می نماید، و فقیر در مجالس می گردد و کسی چیزی به او نمی دهد. (۱)

ص: ۶۸

۱- (۱۵۵) الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَذَلَّ مِنَ الْأَمَةِ وَ يُظْهِرُ قُرَاؤُهُمْ وَ أَيْمَتُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمُ التَّلَاوُمُ وَ الْعِدَاوَهُ فَأَوْلِيكَ يُدْعُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْأَرْجَاسَ وَ الْأَنْجَاسَ وَ عِنْدَهَا يَخْشَى الْغَنِيُّ مِنَ الْفَقِيرِ أَنْ يَسْأَلَهُ وَ يَسْأَلَ النَّاسَ فِي مَحَافِلِهِمْ فَلَا يَضَعُ أَحَدٌ فِي يَدِهِ شَيْئاً وَ عِنْدَهَا يَتَكَلَّمُ مَنْ لَمْ يَكُنْ مُتَعَلِّماً فَعِنْدَهَا تُرْفَعُ الْبَرَكَهَ وَ يُمَطَّرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ وَ إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ السُّوقَ فَلَا يَرَى أَهْلَهُ إِلَّا ذَاماً لِرَبِّهِمْ هَذَا يَقُولُ لَمْ أَبْعَ وَ هَذَا يَقُولُ لَمْ أَرْبِحْ شَيْئاً فَعِنْدَهَا يَمْلِكُهُمْ قَوْمٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ وَ إِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُوهُمْ يَسِيْفُكُونَ دِمَاءَهُمْ وَ يَمْلُتُونَ قُلُوبَهُمْ رُغْباً فَلَا يَرَاهُمْ أَحَدٌ إِلَّا خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ فَعِنْدَهَا يَأْتِي قَوْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ قَوْمٌ مِنَ الْمَغْرِبِ فَأَوْلِي لُصِّ عَفَاءِ أُمَّتِي مِنْهُمْ وَ الْوَيْلُ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ لَا يَرْحَمُونَ صَاحِباً وَ لا يُوقِرُونَ كَبِيراً وَ لَا يَتَجَافُونَ عَنْ شَيْءٍ جُشَّتْهُمْ جُنَّةُ الْأَدَمِيِّينَ

وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فَلَمْ يَلْبَثُوا هُنَاكَ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى تَخْرُجَ الْأَرْضُ خَوْرَةً حَتَّى

۴۷- در آن زمان افراد درس نخوانده برای مردم سخن می گویند.

۴۸- برکت از مردم برداشته می شود.

۴۹- باران در غیر فصل خود می بارد.

۵۰- چون شخصی وارد بازار می شود از اهل بازار جز شکایت از خدا نمی شنود، یکی می گوید: چیزی نفروخته ام، دیگری می گوید: سودی نبرده ام، در چنین زمانی رهبرانی بر آنان حکومت می کنند که اگر سخن بگویند آنان را می کشند و اگر سکوت کنند خون آنان را مباح می شمارند، ترس و وحشت، آنان را فرا می گیرد و همواره در هراس و خوف به سر می برند، تا این که جمعیتی از مشرق و جمعیتی از مغرب به آنان هجوم می آورند.

در آن زمان وای بر ضعفای امت من از عقوبت های الهی، مردم آن زمان نه بر صغیر رحم می کنند و نه احترام کبیر را رعایت می نمایند و نه حریمی از حریم های خدا را رعایت می نمایند، جثه و هیكل آنان شکل انسان است و قلوبشان قلوب شیاطین می باشد، و چیزی نمی گذرد که زمین، لرزه ای پیدا می کند و اهل هر منطقه ای فکر می کنند این لرزه در ناحیه آنان رخ داده است، پس مدتی - مطابق مشیت خدا - می گذرد و مردم به همان وضع خواهند ماند تا این که زمین آنچه در درون خود - از طلا و نقره - دارد بیرون می ریزد.»

سپس رسول خداصلی الله علیه وآله با دست مبارک خود به استوانه های مسجد اشاره نمود(۱)و

ص: ۶۹

۱- (۱۵۶) يٰظَنُّ كُلُّ قَوْمٍ أَنَّهَا خَارَتْ فِي نَاحِيَّتِهِمْ فَيَمْكُتُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَمْكُتُونَ فِي مَكِّيَّتِهِمْ فَتَلْقَى لَهُمُ الْأَرْضُ أَفْلَاحَ كِبِدِهَا قَالَ ذَهَبًا وَفِضَّةً ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَسَاطِينِ قَالَ فَمِثْلُ هَذَا فَيَوْمئِذٍ لَا يَنْفَعُ ذَهَبٌ وَلَا فِضَّةٌ ثُمَّ تَطَّلَعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَاحِلٌ عَنْ قَرِيبٍ وَ مُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ فَأُودِّعُكُمْ وَأُوصِيكُمْ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظُوهَا إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. « مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱، وسائل الشیعه: ۱۵ / ۳۴۸ و ج ۱۱ / ۲۷۶.

فرمود: «طلا و نقره ها همانند این ها می باشد [و لکن] برای مردم در آن روز سودی ندارد، سپس خورشید از مغرب طلوع می کند، [و قیام حضرت مهدی علیه السلام شروع می شود].

تا این که فرمود: «ای مردم! من در این نزدیکی از دنیا می روم و اکنون شما را به وصیت مهمی وصیت و سفارش می نمایم، شما باید وصیت مرا حفظ کنید.»

سپس فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَيْدَاءً، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (۱)

ص: ۷۰

۱- ۱۵۷) و رواها فی الوسائل مع اختلاف فی بعض الألفاظ و المعانی فلیتأمل الناظر فیها. و رواها فی البحار: ۶ / ۳۰۶، و رواها القمی فی تفسیره ذیل آیه «فهل ينظرون إلما الساعة أن تأتيهم بغتة فقد جاء أشراطها»، و فی تفسیر القمی: ۲ / ۳۰۳، و رواها الفیض أيضاً فی الصّافی فی تفسیر الآیه، ج ۵ / ۲۴. أقول: و هذه الروایه أطول كلام فی أشراط السّاعه و فیها أيضاً روايات مختصرات و إليك بعضها: فی الخصال عن الصادق علیه السّلام قال: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ السَّاعَةِ، فَقَالَ: «عِنْدَ إِيمَانٍ بِالنُّجُومِ وَ تَكْذِيبِ الْقَدْرِ.» خصال: ۱ / ۶۲. و فی العلل عن النّبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَجُوبِهِ مَسَائِلَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ: «أَمَّا أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ فَنَارٌ تَحْشُرُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ.» عِلَلُ الشَّرَائِعِ: ۱ / ۹۴. و فِي الْكَافِي عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلام قَالَ: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَفْشُو الْفَالِجُ وَ مَوْتُ الْفَجَاءِ.» كَافِي: ۳ / ۲۶۱. و فِي رُوضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنْ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَرْفَعَ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرَ الْجَهْلُ وَ يَشْرَبَ الْخَمْرُ وَ يَفْشُو الزَّنا وَ تَقَلَّ الرِّجَالُ وَ تَكْثُرَ النِّسَاءُ، حَتَّى أَنْ الْخَمْسِينَ امْرَأَهُ فِيهِنَّ وَاحِدٌ مِنَ الرِّجَالِ.» رُوضَةُ الْوَاعِظِينَ: ۱ / ۴۸۵. وَ رُوى فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...» [اعراف / ۱۸۷] عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟» فَقَالَ: «مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ "لَا يَجْلِبُهَا لَوْ قَتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً" الْحَدِيثُ. نور الثقلين: ۲ / ۱۰۷.

مؤلف گوید: مضمون این حدیث با اختلاف برخی از عبارات و برخی از جملات در بسیاری از کتب حدیث مانند کمال الدین و ثواب الأعمال و وسائل الشیعه و کافی و بحار و مستدرک سفینه البحار و مستدرک حاکم و کنز العمال و غیره ذکر شده است.

این حدیث و امثال آن گویای این است که مؤمن در آخر الزمان باید شدیداً از دین خود مواظبت کند و از قرآن و خاندان وحی جدا نشود و همواره منتظر فرج امام زمان خود صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه باشد و از اختلاط با مردم آخر الزمان هراس داشته باشد و برای حفظ دین خود محرومیت‌ها را تحمل نماید و اگر فکر کند که باید هم‌رنگ جماعت باشد تا رسوا نشود، بداند که هم‌رنگ جماعت شدن مساوی با از دست دادن دین خواهد بود، و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

نشانه‌های آخر الزمان

درباره آخر الزمان، یعنی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، حوادث خطرناک و تلخی در روایات معصومین علیهم السلام وارد شده است، و مهم‌ترین آنها فاصله گرفتن مردم از دین و پیوند به دنیا و شهوات نفسانی و لهویات و توهین به مقدّسات و... می‌باشد. مؤمن در آن زمان از همه مردم خوارتر و ذلیل‌تر می‌باشد و چاره‌ای جز سکوت و خانه‌نشینی ندارد. دین داری در آن زمان سخت‌تر از تراشیدن شاخه تیغ با

دست و یا گرفتن آتش روی دست می باشد. از این رو، مؤمن خالص در آن زمان بسیار کمیاب است و مردم فوج فوج از دیانت و تقوا خارج می شوند. پاداش یک مؤمن باتقوا در چنین زمانی معادل با پنجاه نفر از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله در جنگ بدر و احد می باشد. و این خبری است که از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله برای ما نقل شده است. (۱)

به همین علت در روایات فراوانی خطر آخر الزمان گوشزد شده و نشانه های آن بیان گردیده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله در مواقف گوناگونی از وضع مردم آخر الزمان و حوادث ناگوار آن خبر داده است که در بحث های آینده مطرح خواهد شد، جز این که نشانه های آخر الزمان و نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعضاً تداخل دارد و بیشتر آنچه به نام نشانه های آخر الزمان [و قیامت] بیان شده است، نشانه های ظهور آن حضرت نیز می باشد، و ما نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب *دوله المهدی علیه السلام* و انتظار مهدی علیه السلام و بشارت های مهدویت بیان نمودیم.

اکنون به یکی از روایات مفصّلی که از زبان مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله صادر شده است می پردازیم و جملات آن را با روایات دیگری که در آن موضوع آمده تکمیل می نماییم.

ص: ۷۲

۱- ۱۵۸) فی البحار عن بصائر الدرّجات... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: «اللَّهُمَّ لَقِنِي إِخْوَانِي» مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: «أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» فَقَالَ: «لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَ لَمْ يَرُونِي، لَقَدْ عَرَفْنِيَهُمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعُضَا، أَوْ لَيْثِكَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ». بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۲۴. و فی البحار عن کمال الدین عن علی بن الحسین علیهما السلام قال: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وَلَايَتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمَنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ». و فی دَعَوَاتِ الرَّاؤِنِدِيِّ، مِثْلَهُ وَ فِيهِ: «مَنْ مَاتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا...» بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۲۵.

رسول خداصلی الله علیه وآله در سال دهم هجرت برای حجّ به مکه رفتند و آن سال معروف شد به «سال حجّه الوداع». در آن سال که سال آخر عمر شریف آن حضرت بود، رسول خداصلی الله علیه وآله در کنار کعبه خطبه مفصلی را درباره آخر الزمان انشا نمود و در ضمن آن خطبه فرمود: «... مردم آخر الزمان نماز را ضایع می کنند و از شهوات پیروی می نمایند و مایل به هوسرانی هستند و مال دنیا برای آنان از همه چیز مهمّ تر و بزرگ تر است، دین خود را به دنیا می فروشند [یعنی به خاطر دنیا از دین خود صرف نظر می کنند]. در آن زمان، قلب مؤمن در دورن او آب می شود همان گونه که نمک در آب، آب می شود [از بس می بیند که مردم از دین خود جدا شده اند و به دنیا پیوسته اند]. در آن زمان امیران و حاکمان آنان ستمگر خواهند بود.»

مؤلف گوید: بهترین سخن برای تبه و بیداری، سخن اولیای خداست و در این رابطه سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام به برخی از اصحاب و یارانش مؤثرترین سخنان می باشد، و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم.

مرحوم صدوق در کتاب فقیه با سند خود از موسی بن جعفر از پدراناش از امام حسین علیهم السلام نقل نموده که فرمود: روزی امیرالمؤمنین با اصحاب خود نشست بود، و آنان را آماده جنگ با معاویه می نمود، ناگهان پیرمردی که آثار سفر بر او ظاهر بود وارد شد و گفت: «این امیرالمؤمنین؟» کدام یک از شما امیرالمؤمنین هستید؟ پس اصحاب به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره نمودند و آن پیرمرد گفت: «یا امیرالمؤمنین! من از نواحی و اطراف شام آمده ام و پیرمردی هستم که درباره شما فضائل بی شماری را شنیده ام و گمان می کنم در این زودی ها شما را غافلگیر کنند و به شهادت برسانند، پس شما از آن علومی که از ناحیه خدا گرفته اید به من تعلیم کنید.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آری ای پیرمرد، چنین است که می گویی [مرا خواهند کشت]، پس تو بدان کسی که دو روز او یکسان باشد [و روز دوم رشدی در

او حاصل نشده باشد]، خسارت نموده، و کسی که دنیا همّت او باشد، هنگام فراق از دنیا حسرت او زیاد خواهد بود، و کسی که روز بعد او بدتر از روز قبل او باشد، محروم خواهد بود، و کسی که چون دنیای او سالم باشد باکی نداشته باشد که به آخرت او آسیبی وارد شود، خود را هلاک نموده است، و کسی که همواره به نقص و ناخالصی خود توجه نداشته باشد، هواهای نفسانی بر او غالب شده است، و کسی که در حال نقص باشد مرگ برای او بهتر خواهد بود.»

سپس فرمود: «ای پیرمرد! آنچه برای خود می خواهی، برای مردم نیز بخواه.» پس روی مبارک به اصحاب خود نمود و فرمود: «ای مردم! آیا نمی بینید که مردم دنیا در هر صبح و شام احوال گوناگونی دارند؟! یکی بیماری، او را زمین گیر نموده و به خود می پیچد، یکی به عیادت مرضی می رود، یکی در بستر افتاده و مردم به عیادت او می روند، یکی در حال جان دادن است، یکی امیدوی به زنده ماندن ندارد، یکی در حال قبض روح است، یکی را می بینی به دنبال دنیا می رود و مرگ نیز به دنبال او می رود، یکی را غافل از مرگ و قیامت می یابی در حالی که خدا از او غافل نیست؛ این حال مردمی است که تو می بینی، و مردم آینده نیز چنین خواهند بود.»

پس زید بن صوحان [یکی از یاران مخلص امیرالمؤمنین علیه السلام] گفت: «یا امیرالمؤمنین! کدام نیرویی بر انسان غالب تر و قوی تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «هوای نفس.»

زید گفت: «کدام ذلتی برای انسان سنگین تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «حرص بر دنیا.»

زید گفت: «کدام فقری بر انسان سخت تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «کفر بعد از ایمان.»

زید گفت: «کدام خواسته ای به گمراهی نزدیک تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «خواسته کسی که [در دنیا به دنبال خوشی و خلود است و] چیزی را طلب می کند که در دنیا وجود ندارد.»

زید گفت: «بهترین عمل چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «تقوا.»

زید گفت: «چه درخواستی نیکوتر است؟» امام علیه السلام فرمود: «درخواست از آنچه نزد خداوند است.»

زید گفت: «بدترین هم نشین کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که معصیت خدا را برای تو زیبا نشان دهد.»

زید گفت: «شقی ترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد.»

زید گفت: «قوی ترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «انسان حلیم و بردبار.»

زید گفت: «بخیل ترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که مالی را از راه باطل به دست بیاورد و در راه باطل صرف کند.»

زید گفت: «داناترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که راه صلاح و رشد خود را بداند و به طرف آن حرکت کند.»

زید گفت: «حلیم ترین و بردبارترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که خشم خود را کنترل کند.»

زید گفت: «رأی و بینش چه کسی قوی تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که به ستایش مردم و زیبایی های دنیا مغرور نشود.»

زید گفت: «احمق ترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که بی اعتباری دنیا را می بیند و به آن مغرور می شود.»

زید گفت: «حسرت چه کسی بیش از دیگران است؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که در دنیا و آخرت زیانکار باشد "ذلك هو الخسران المبین"»

زید گفت: «چه کسی از همه مردم کورتر است؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که برای غیر خدا عمل کند و پاداش خود را از خدا بخواهد.»

زید گفت: «قانع ترین مردم کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که به داده های خدا قانع باشد.»

زید گفت: «سخت ترین مصائب کدام است؟» امام علیه السلام فرمود: «مصیبت ضایع شدن دین [دین و بدهکاری].»

زید گفت: «بهترین عمل نزد خدا چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «انتظار فرج [حضرت مهدی علیه السلام].»

زید گفت: «بهترین مردم نزد خدا کیست؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که خوف از خدا و تقوا و زهد او بیشتر باشد.»

زید گفت: «چه سخنی نزد خدا محبوب تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «فراوان یاد خدا بودن و دعا و تضرع به درگاه او.»

زید گفت: «راست ترین سخن چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «شهادت به یگانگی خداوند.»

زید گفت: «چه عمل نزد خداوند بزرگ تر است؟» امام علیه السلام فرمود: «تسلیم و ورع.»

زید گفت: «کدام یک از مردم راستگو ترند؟» امام علیه السلام فرمود: «کسی که همه جا راستگو باشد.»

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام روی مبارک خود را به آن پیرمرد نمود و فرمود: «خداوند گروهی از بندگان خود را خلق نمود و خیر آنان را در سختی های دنیا دید و آنان را به زهد در دنیا و دوری از مطامع آن امر نمود، از این رو، آنان همواره عاشق بهشت و صابر بر سختی معیشت و مصائب دنیا بودند و از بس مشتاق وعده های خدا بودند، جان خود را برای خشنودی خدا بذل نمودند، و پایان کار آنان شهادت در راه خدا بود، از این رو، خداوند از آنان راضی و خشنود گشت، و آنان دانستند که مرگ، مسیر همه مردم است و به همین علت همواره در مقام به دست آوردن توشه آخرت بودند و هرگز به دنبال جمع مال نرفتند و لباس حسن پوشیدند و بر بلاها صبر کردند و آنچه به آن نیاز نداشتند را در راه خدا دادند، و دوستی ها و دشمنی های آنان برای خدا بود، آنان چراغ های هدایت مردم و شایسته نعمت های

پس آن پیرمرد گفت: «من کجا بروم و چگونه بهشت را رها کنم در حالی که بهشت و اهل آن را نزد شما می بینم.» سپس گفت: «یا امیرالمؤمنین! سلاح در اختیار من بگذار تا با دشمن تو جنگ کنم.» پس امیرالمؤمنین علیه السلام سلاح جنگ در اختیار او گذارد و او مرد شجاعی بود و قدم به قدم مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام می جنگید و آن حضرت از او تعجب نموده بود و چون جنگ سخت شد، اسب خود را به پیش برد [و جنگ سختی نمود] تا به شهادت رسید. پس یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بالین او آمد و دید او روی زمین افتاده است، و چون جنگ به پایان رسید، امیرالمؤمنین علیه السلام مرکب و سلاح او را گرفت و بر او نماز خواند و به اصحاب خود فرمود: «به خدا سوگند، حقاً این شخص به سعادت رسید و شما باید به او ترحم کنید.» (۱)

ضایع نمودن نماز در آخر الزمان

در اخبار مربوط به مردم آخر الزمان آمده که یکی از اوصاف آنان ضایع نمودن نماز است، چنان که خداوند در آیه شریفه «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (۲) می فرماید: «گروهی [در آخر الزمان] می آیند و نماز را ضایع می نمایند و از شهوات پیروی می کنند و زود است که به عذاب غیّ [که یکی از درکات دوزخ است] برسند.»

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی درباره آخر الزمان فرمود: «سَيَأْتِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيْبَ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا وَ يَزْكِبُونَ الدَّوَابَّ وَ يَتَرَيُّنُونَ بَزِينَةَ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهَا وَ يَتَّبِرُّجُونَ تَبْرِجَ النِّسَاءِ وَ زِينَتُهُنَّ مِثْلُ زِيِّ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ هُمْ مُنَافِقُونَ هَذِهِ أُمَّةٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ شَارِبُونَ بِأَلْقَهَوَاتٍ لَا عِيبُونَ بِالْكَعَابِ رَاكِبُونَ الشَّهْوَاتِ تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ مُفْرَطُونَ فِي الْغَدَوَاتِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «فَخَلَفَ مِنْ

ص: ۷۷

۱- (۱۵۹) فقیه: ۴ / ۳۸۱.

۲- (۱۶۰) مریم / ۵۹.

بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (۱)

یعنی: «زود باشد مردمی [از این امت] بیایند که غذای آنان آراسته و مزین باشد، و بر مرکب هایی سوار شوند، و مانند زنی که برای شوهر خود زینت می کند خود را زینت کنند، و مانند زن ها با آرایش و زینت بین مردم آیند، و زینت آنان مانند پادشاهان جبار باشد، آنان منافقین این امت هستند در آخر الزمان، آنان اهل شراب و مسکرات و بازی با نرد و... و شهوت رانی می باشند، و به نمازهای جماعت حاضر نمی شوند، و در اوقات برخی از نمازها به خواب هستند، و خداوند درباره آنان می فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا».

از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که فرمود: «"غی" کوهی است از مس گداخته که در وسط جهنم می چرخد.» (۲)

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز صبح را با مردم خواند و سپس روی مبارک به اصحاب نمود و فرمود: «فلانی و فلانی، - و نام عدّه ای را برد و فرمود: - آیا این ها به جماعت حاضر شده اند؟» اصحاب عرض کردند: «خیر.» رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «آیا در سفر هستند؟» گفتند: «خیر.» فرمود: «آگاه باشید که هیچ نمازی برای منافقین سخت تر از این نماز صبح و نماز عشا نیست.» سپس فرمود: «اگر آنان فضیلت این دو نماز را با جماعت می دانستند، برای این دو نماز به جماعت می آمدند و لو به صورت سینه خیز.» (۳)

ابان بن تغلب گوید: من نماز مغرب را در سرزمین مشعر الحرام با امام صادق علیه السلام خواندم و چون امام علیه السلام از نماز مغرب فارغ گردید، سپس نماز عشا را

ص: ۷۸

۱- (۱۶۱) وسائل الشیعه: ۲۵ / ۳۸۴.

۲- (۱۶۲) تأویل الآیات: ۱ / ۳۰۵.

۳- (۱۶۳) منتقى الجمان، صاحب معالم: ۱ / ۳۷۱.

شروع نمود و بین نماز مغرب و عشا نمازی نخواند و در سال دیگر نیز با او بودم و آن حضرت پس از نماز مغرب چهار رکعت نافله خواند و سپس نماز عشا را خواند و روی مبارک به من نمود و فرمود:

«ای ابان! هر کس بر این پنج نماز واجب مواظبت کند و آنها را در اوقات معینی که تعیین شده است بخواند و حدود آنها را حفظ نماید، برای او نزد خداوند عهده‌ای است که به سبب آن او را داخل بهشت می‌نماید، و کسی که این نمازهای پنجگانه را در اوقات تعیین شده نخواند و بر آنها مواظبت ننماید، خداوند اگر بخواهد او را می‌آمرد و اگر بخواهد او را عذاب می‌کند.»^(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که بر نمازهای پنجگانه خود در شبانه روز مواظبت کند و آنها را در اوقات تعیین شده بخواند، از غافلین شمرده نمی‌شود.»^(۲)

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «پدرم هنگام مرگ به من فرمود: "ای فرزند عزیزم! کسی که به نماز واجب خود بی‌اعتنایی کند، به شفاعت ما نمی‌رسد."»^(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر چیزی وجهی و صورتی است، و صورت دین شما نماز است، پس نباید یکی از شما صورت و آبروی دین خود را ضایع کند.»^(۴)

فساد اعتقادی در آخر الزمان

ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه الوداع فرمود: «از نشانه‌های قیامت و آخر الزمان این است که مردم آخر الزمان نماز را ضایع می‌کنند و از شهوات پیروی می‌نمایند و مایل به هوسرانی هستند و مال دنیا را بزرگ می‌شمارند و دین خود را به دنیا می‌فروشند.» تا این که فرمود:

«در آن زمان، مردم منکر و کار زشت را معروف و پسندیده می‌دانند و معروف و کار شایسته را منکر و زشت می‌دانند، و خائن را امین می‌دانند و امین را خائن

ص: ۷۹

۱- (۱۶۴) منتقی الجمان، صاحب معالم: ۱ / ۳۷۲.

۲- (۱۶۵) کافی: ۳ / ۲۷۰.

۳- (۱۶۶) همان.

۴- (۱۶۷) همان.

فساد اعتقادی از ناحیه فساد عمل می باشد، از این رو، خداوند می فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا الشُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ»(۲).

یعنی: «سرانجام گناه و ستمگری انکار و تکذیب آیات الهی و استهزاء به آنهاست.»

گناه و معصیت زیاد به ویژه ظلم و ستم، روح انسان را تاریک می کند تا جایی که راه بازگشت به خوبی و صلاح برای انسان گنهکار بسته می شود و معصیت و نافرمانی خدا برای او زینت داده می شود و شیطان کاملاً بر او سلطه پیدا می کند.

قرآن در این باره می فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ»(۳).

یعنی: «[گنهکاران و] کم فروشان هرگز [به راه صحیح و صلاح] باز نمی گردند؛ چرا که چرک گناه بر دل های آنان وارد شده و قلب هایشان زنگار گرفته است [و به همین علت] در قیامت از رحمت پروردگار خود محجوب و محروم هستند.»

در سخنان معصومین علیهم السلام نیز به این مسأله اشاره شده است، آنان گناه را بزرگ ترین خطر برای انحراف در عقیده دانسته اند.

امام باقرعلیه السلام می فرماید: «هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست جز آن که در قلب او نکته بیضاء یعنی نقطه سفید و نوری وجود دارد و هنگامی که گناه می کند، یک نقطه سیاه در آن فضای نورانی ایجاد می شود، اگر توبه کند این نقطه سیاه برطرف می شود، و اگر به گناه ادامه دهد، نقطه سیاه زیاد می شود تا این که سفیدی قلب را احاطه می کند و چون سفیدی قلب پوشیده شد، صاحب آن هرگز روی خیر و سعادت را نخواهد دید و این است معنای آیه شریفه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ ما»

ص: ۸۰

۱- (۱۶۸) وسائل الشیعه: ۱۵ / ۳۴۸.

۲- (۱۶۹) روم / ۱۰.

۳- (۱۷۰) مطففین / ۱۴ - ۱۵.

مؤلف گوید: انحراف اعتقادی همان گونه که گذشت امکان دارد از ناحیه گناه زیاد باشد و امکان دارد به وسیله حب شهوت و ریاست و مال باشد که مجموع آنها از جمله: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» معلوم می شود.

در تاریخ موارد فراوانی از انحرافات اعتقادی یافت شده که به برخی از آنها اشاره می شود.

حضرت رضاعلیه السلام [روزی در خراسان] به برخی از اصحاب خود فرمود: «علی بن ابی حمزه بطائنی مرد و چون او را دفن کردند، ملائکه آمدند و او را در قبر نشانند [و از اعتقادات او سؤال نمودند تا این که به مسأله امامت رسیدند و از امامت یکایک ائمه علیهم السلام از او سؤال نمودند و او همه را پاسخ داد] و چون از امامت من سؤال کردند، توقف نمود و پاسخی نداد، و آنان با گرز آتشین یک ضربه بر قبر او زدند و قبر او پر از آتش شد.» (۲)

علی بن ابی حمزه بطائنی از اصحاب حدیث و راوی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است و به امامت حضرت رضاعلیه السلام تشرّف پیدا نکرده است. او یکی از رهبران گروه واقفیه است که آنان را هفت امامی می نامند و درباره انحراف او از امامت حضرت رضا و ائمه بعد از آن حضرت علیهم السلام نقل شده که او یکی از وکلای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بوده و سی هزار دینار از اموال آن حضرت نزد او مانده بوده است و چون حضرت رضاعلیه السلام بعد از رحلت پدر خود این اموال را از او مطالبه نمود، حب دنیا او را به بهانه تراشی واداشت و پیغام داد: «پدر شما به من نفرمود که من این اموال را به شما بدهم»، و یا گفت: «من همه را در راه های خیر مصرف نموده ام» و به همین علت توفیق پذیرفتن امامت حضرت رضاعلیه السلام را پیدا نکرد و گرفتار عذاب گردید.

ص: ۸۱

۱- (۱۷۱) کافی: ۲ / ۲۷۳.

۲- (۱۷۲) بحار الأنوار: ۶ / ۲۴۱.

محدث قمی رحمه الله در کتاب منازل الآخرة از شیخ بهایی در کشکول نقل نموده که یکی از مترفین و خوشگذرانان، هنگام مرگ هر چه به او گفتند: بگو: «لا اله الا الله»، این شعر را می خواند: یا رب قائله یوماً و قد تعبت - این الطريق إلى حمام منجاب. و علت آن این بوده که روزی زن عقیفه زیبایی راه حَمَام منجاب را از او سؤال نمود و او آن زن را به خانه خود راهنمایی کرد و درب خانه را بست و آن زن چون خود را اسیر دید، اظهار رغبت نمود و به او گفت: «خوب است مقداری عطر و طعام تهیه کنی و زود بازگردی تا بهره مند شویم.» و چون آن مرد از خانه خارج شد آن زن فرار کرد و این خاطره و نیت گناه سبب شد که آن مرد هنگام مرگ به جای شهادتین این شعر را بخواند که حاصل معنای آن این است که می گوید: «چگونه آن زن خود را از دست من نجات داد و من نتوانستم به وصال او برسم؟!» (۱)

مؤلف گوید: کسانی که به سبب حب دنیا و ریاست و مال و شهوت و ظلم و گناه، اعتقاد خود را از دست داده اند، بی شمار هستند و ما در کتاب «محرمات اسلام»، بخش آثار گناه، به آن اشاره نموده ایم.

اسراف های آخر الزمان

از صفات مردم آخر الزمان، تجمل گرایی و تشریفات غیرضروری، مانند ساختن بناهای بلند و زیبا و اسراف در لوازم زندگی و غذاهای رنگارنگ و تفاخر در لباس و مرکب و مسکن و غیره است که در بخش فتنه های آخر الزمان گذشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَيَتَبَاهُونَ فِي اللِّبَاسِ»، و در سخن دیگری فرمود: «سَيَأْتِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا.» یعنی: «زود باشد مردمی در آخر الزمان بیایند که با لباس های فاخر بر همدیگر مباحثات کنند، و همواره غذاهای اشرافی و تجملی مصرف نمایند و سفره های رنگارنگ برای خود قرار دهند.»

ص: ۸۲

در قرآن آیاتی راجع به اسراف هست، برخی مربوط به اسراف در خوردن و آشامیدن است، مانند آیه «... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)؛ و برخی مربوط به اسراف در انفاق است، مانند آیه «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۲)؛ و برخی مربوط به اسراف در گناه است، مانند آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۳)؛ و آیه «... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرِفْنَا فِي أَمْرِنَا...» (۴)؛ و برخی به طور کلی در مذمت از اسراف آمده، مانند آیات: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (۵)، «... كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ» (۶)، «... وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۷).

حاصل این آیات این است که خداوند اهل اسراف و دروغ را هدایت نخواهد نمود و خداوند اهل اسراف و شک را به خودشان وامی گذارد تا گمراه شوند و خداوند اهل اسراف را دوست نمی دارد.

خطرناک تر از همه این ها این است که خداوند می فرماید: «... وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (۸)، از این رو، ما نباید از اهل اسراف پیروی کنیم چرا که خداوند می فرماید: «وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (۹).

اهل اسراف فکر می کنند اسراف عمل نیکی است و عواقب و آثار آن را نمی دانند که روزی به سبب همین اسراف فقیر و مستمند خواهند شد، بر خلاف اقتصاد و قناعت که سبب بی نیازی انسان خواهد بود، قال الله سبحانه: «... زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۱۰).

ص: ۸۳

۱- (۱۷۴) اعراف / ۳۱.

۲- (۱۷۵) فرقان / ۶۷.

۳- (۱۷۶) زمر / ۵۳.

۴- (۱۷۷) آل عمران / ۱۴۷.

۵- (۱۷۸) غافر / ۲۸.

۶- (۱۷۹) غافر / ۳۴.

۷- (۱۸۰) انعام / ۱۴۱.

۸- (۱۸۱) غافر / ۴۳.

۹- (۱۸۲) شعراء / ۱۵۱.

۱۰- (۱۸۳) یونس / ۱۲.

اکنون به سخنان معصومین علیهم السلام درباره اسراف توجه می کنیم:

رسول خداصلی الله علیه وآله در تفسیر آیه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» فرمود: «هیچ چیزی نزد خداوند مبعوض تر از شکم پر نیست.» (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «شخصی به نام ابوجحیفه نزد رسول خداصلی الله علیه وآله آمد و [چون زیاد خورده بود] آروغ زد، رسول خداصلی الله علیه وآله به او فرمود: "آروغ خود را بپوشان." سپس فرمود: "کسانی که در دنیا بیشتر از دیگران در حال سیری بوده اند، در قیامت نیز بیشتر از دیگران گرسنه هستند." و از آن پس ابوجحیفه غذای سیر نخورد تا از دنیا رحلت نمود.» (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «دورترین حالات بنده به خدا، هنگامی است که همت او شکم و فرج اوست.» (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله مردی می خواست زن خود را طلاق بدهد، رسول خداصلی الله علیه وآله به او فرمود: "برای چه او را طلاق می دهی؟" آن مرد گفت: "عیبی در او نیست جز این که صورت او قبل از پیر شدن، پیر شده است." پس رسول خداصلی الله علیه وآله به آن زن فرمود: "آیا می خواهی صورت تو نیکو شود؟ از پرخوری دوری کن؛ چرا که شکم پر، سبب از بین رفتن طراوت صورت می شود." و چون آن زن به دستور آن حضرت عمل نمود، طراوت صورت او باز گشت.» (۴)

عبدالله بن ابان گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۵) از نفقه عیال سؤال نمودم، امام علیه السلام فرمود: «انفاق صحیح این است که بین اسراف و اقتار باشد، یعنی نه اسراف باشد و نه سخت گیری.» (۶)

عبدالملک بن عمرو گوید: امام صادق علیه السلام چون آیه فوق را تلاوت نمود، مشت

ص: ۸۴

۱- (۱۸۴) تفسیر نور الثقلین: ۲ / ۲۰.

۲- (۱۸۵) همان.

۳- (۱۸۶) همان.

۴- (۱۸۷) همان.

۵- (۱۸۸) فرقان / ۶۷.

۶- (۱۸۹) کافی: ۴ / ۵۵.

خود را پر از ریگ نمود و دست خویش را بست و فرمود: «این معنای اقتدار در انفاق است.» سپس مشت دیگری از ریگ را برداشت و همه آنها را ریخت و فرمود: «این معنای اسراف در انفاق است.» سپس مشت دیگری برداشت و مقداری را ریخت و مقداری را در مشت خود باقی گذارد و فرمود: «این معنای قوام [و عدالت در انفاق] است.» (۱)

از این رو، شاعر می گوید:

چون رنده مباش

ز کار خویش بی بهره مباش

چون تیشه مباش

جمله بهر خود متراش

تعلیم ز اژه گیر در امر معاش

نیمی سوی خود بریز و نیمی می پاش

و امّا اسراف در گناه که در آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...» (۲)، و آیه «... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا...» (۳) آمده است مقصود اصرار در گناه است که نباید سبب یأس و ناامیدی از رحمت خدا شود، و نباید سبب جرأت بر نافرمانی و امن از عقوبت الهی گردد بلکه مؤمن در هر حال باید بین خوف و رجا [ترس و امید] زندگی کند، و به هر اندازه به خدای خود امیدوار باشد، خداوند به همان اندازه به او ترحم خواهد نمود، و باید به همان اندازه که به رحمت خدا امیدوار است از عقوبت و کیفر او نیز هراس داشته باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امید به رحمت خدا و نهی از قنوط و ناامیدی در سخن زیبای خود می فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَىٰ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَىٰ سَأَلْتَهُ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَاسْتَمَطَّرْتَ شَايِبَ رَحْمَتِهِ، فَلَا يُقْتَنُكَ إِطْءَاءُ إِجَابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَىٰ قَدْرِ النَّيِّهِ وَرُبَّمَا أُخْرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيُكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ الْأَعْظَمِ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ، وَرُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ، وَ أُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ»

ص: ۸۵

۱- (۱۹۰) کافی: ۴ / ۵۵.

۲- (۱۹۱) زمر / ۵۳.

۳- (۱۹۲) آل عمران / ۱۴۷.

عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صَرِفَ عَنكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ، فَلَزِبَ أَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكٌ دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ...» (۱)

یعنی: «خداوند کلید خزائن خود را با بازگذاشتن باب دعا و اجازه درخواست از او در اختیار تو قرار داده است و در هر ساعتی که تو بخواهی در رب رحمت و نعمت او را می‌کوبی و درخواست رحمت می‌کنی، از این رو، نباید به سبب تأخیر اجابت ناامید شوی؛ چرا که عطای او به اندازه نیت تو است و بسا تأخیر اجابت پاداش تو را بیشتر می‌نماید و بسا به جای خواسته تو، خداوند چیز دیگری بهتر از آنچه خواسته‌ای را از دنیا و یا آخرت به تو می‌دهد و یا بلایی را از تو دور می‌نماید و آن برای تو بهتر خواهد بود و بسا خواسته تو سبب هلاکت و از بین رفتن دین تو خواهد بود [از این رو، خداوند به جای آن، چیز دیگری را به تو عطا می‌کند].»

و اما مذمت و نکوهش از اسراف و ضایع نمودن مال و عمر و جوانی و فراغت و هر نعمت دیگری که خداوند به ما عطا نموده فراوان در سخنان اولیای دین دیده می‌شود چنان که توصیه و سفارش نسبت به مصرف صحیح و قناعت و اقتصاد و شکر نعمت‌های الهی نیز فراوان در سخنان معصومین علیهم السلام آمده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

محقق نراقی رحمه الله گوید: اسراف در همه چیز حرام است و روایاتی که می‌گوید: «اسراف در طیب و نور و حج و عمره و مأكول و مشروب نیست»، مقصود این است که زیاده روی در این امور و تجاوز از حد لازم تا حدی بخشوده است نه این که حد و مرزی نداشته باشد. (۲)

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا تو گمان می‌کنی خداوند به هر کس مالی می‌دهد از کرامت اوست نسبت به او، و یا اگر به کسی مال

ص: ۸۶

۱- (۱۹۳) نهج البلاغه: ۳ / ۴۸ و صیبه ۳۱، نور الثقلین: ۱ / ۱۷۱.

۲- (۱۹۴) عوائد الأيام نراقی / ۲۲۳.

نمی دهد او نزد خدا خوار و بی مقدار بوده است؟ هرگز چنین نیست، بلکه مال امانتی است که خداوند نزد برخی می سپارد، و به آنان اجازه می دهد تا به اندازه بخورند و به اندازه ببوشند و به اندازه ازدواج کنند و به اندازه مرکب تهیه کنند و اضافه آن را به فقرای مؤمن بازگردانند و آنان را از پریشانی نجات بدهند، بنابر این هر کس این گونه باشد، آنچه می خورد و می آشامد و سوار می شود و ازدواج می کند بر او حلال خواهد بود و اضافه از آن بر او حرام می باشد.»

سپس امام صادق علیه السلام آیه شریفه «... لَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱) را تلاوت نمود و فرمود: «آیا تو گمان می کنی خداوند مال را در دست کسی به امانت سپرده و به او اجازه داده است که برای خود اسبی [و مرکبی] را به قیمت ده هزار دینار تهیه کند در حالی که اسب [و مرکب] بیست درهمی او را کفایت می کند؟ و یا کنیزی را به قیمت هزار دینار تهیه کند در حالی که کنیز بیست دیناری او را کفایت می نماید؟»

سپس فرمود: «لَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۲)

در پایان توجه به این نکته لازم است که همان گونه که در روایت آمده، آیه شریفه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۳) تنها مربوط به شیعه است و به دیگران خداوند چنین نوبدی را نداده است. (۴)

ولایت پیدا کردن زن بر مرد در آخر الزمان

رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه خود در سال حجّه الوداع، راجع به «اشراط السّاعه» فرمود: «... در آخر الزّمان زن ها بر مردها ولایت پیدا می کنند، و مردها با زن ها

ص: ۸۷

۱- (۱۹۵) انعام / ۱۴۱.

۲- (۱۹۶) مستدرک سفینه: ۵ / ۲۲، بحار الأنوار: ۷۹ / ۳۰۴، و ج ۷۵ / ۳۹۳.

۳- (۱۹۷) زمر / ۵۳.

۴- (۱۹۸) بحار الأنوار: ۴۷ / ۳۹۳.

مشورت می کنند، «و تتأمر النساء و تشاور الإمام»^(۱)

فقه‌های اسلام به صورت اتفاق و اجماع، یکی از شرایط قاضی را ذکوریت و مرد بودن قاضی دانسته اند و ادله ای برای آن اقامه نموده اند که به طور اختصار اشاره می شود.

مرحوم محقق صاحب شرایع رحمه الله می فرماید: «و لا ینعقد القضاء للمراه و إن استکملت الشرائط».

مرحوم آیه الله گلپایگانی رحمه الله در ذیل عبارت محقق می فرماید: بر این مسأله ادعای اجماع و اتفاق شده و خلافی در آن نیست و به ادله دیگری نیز برای آن استدلال شده است:

۱- آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»^(۲). از این آیه، قیمومت و ولایت مرد بر زن ثابت می شود و لازمه آن این است که مرد بر همسر خود ولایت و حکومت داشته باشد و عکس آن صحیح نیست.

و اگر کسی بگوید: آیه مربوط به زوجین [زن و شوهر] است، پاسخ آن این است که اگر زن در خانه درباره شؤون خود بر مرد حکومت و ولایت نداشته باشد در خارج خانه با مردان اجنبی مسلم چنین حکومتی را ندارد، بلکه زن ولایت بر زن های دیگر نیز نمی تواند داشته باشد؛ چرا که تاکنون احدی از فقها چنین چیزی را نگفته است [و خلاف اجماع مرکب است].

و مقصود از «بما فضل الله بعضهم على بعض» این است که خداوند مردها را بر زن ها فضیلت داده و مردها [نوعاً] در علم و عقل و حسن انتخاب و تدبیر و اراده و قدرت عمل و اطاعت از خدا و اسب سواری و جنگ و... بر [نوع] زن ها فضیلت دارند، از سویی پیامبران و امامان علیهم السلام مرد بوده اند و امامت کبرا، یعنی خلافت و

ص: ۸۸

۱- ۱۹۹) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱.

۲- ۲۰۰) نساء / ۳۴.

امامت صغرا، یعنی امامت در نماز جماعت و جهاد و اذان و خطبه مخصوص مردها می باشد، تا جایی که زمخشری در تفسیر کشاف گوید: «از آیه «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» استفاده می شود که این ولایت از باب قابلیت و فضیلت مرد بر زن می باشد نه از باب سلطه و غلبه و قدرت مرد بر زن.»

قابل توجه است که خداوند حق را به زبان این عالم سنی جاری نموده، و او می داند کسانی که بر علی بن ابی طالب علیه السلام تقدم پیدا کردند، از باب قابلیت و فضیلت نبوده، بلکه از باب سلطه و غلبه و قدرت بوده، والله الحاكم.

آری، اگر زن حق ولایت و حکومت می داشت، باید بهترین زن ها مانند حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزند او زینب کبرا، عقیله بنی هاشم علیها السلام، لاقلاً بر زن های دیگر ولایت می داشتند.

۲- آیه شریفه «... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...» (۱).

از این آیه ظاهر می شود که زن ها بر مردها حقی دارند، همان گونه که مردها بر زن ها حق دارند و لکن مردها بر زن ها فضیلت دارند، و صاحب فضیلت، حق قضا و حکومت دارد.

۳- آیه شریفه «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» (۲).

این آیه به زن ها می فرماید: «باید در خانه های خود قرار بگیرید.» و قضاوت و حکومت [بلکه قبول مسؤلیت در خارج خانه] بدون اجازه شوهر بلکه کلاً با شوون زن سازگار نمی باشد. از این رو، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله حتی زن های مؤمنه، عایشه را ملامت نمودند که از خانه خود خارج شد و بین مردهای اجنبی به بصره رفت و در مقابل امام خود علی بن ابی طالب علیه السلام به جنگ برخاست.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ جُمُعَةٌ إِلَّا أَنْ قَالَ وَلَا تَوَلَّى الْقَضَاءَ...»، یعنی: «یا علی، برای زن، نماز جمعه نیست و حق

ص: ۷۹

۱- (۲۰۱) بقره / ۲۲۸.

۲- (۲۰۲) احزاب / ۳۳.

و فرمود: «لا يفلح [لن يفلح] قوم وليتهم امرأه.» یعنی: «هرگز رستگار نمی شوند مردمی که زن بر آنان حکومت کند.»(۲)

و فرمود: «إِنَّ الْإِقَامَةَ لِلصَّلَاةِ... وَ لَا تَتَوَلَّى الْمَرْأَةُ الْقَضَاءَ.»(۳)

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: «اذان و اقامه و نماز جمعه و جماعت بر زن نیست و او حق ولایت قضا و امارت ندارد...»

۶- و قال علی علیه السلام: «لا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا.» یعنی: «زن را مالک مسؤولیتی که فوق طاقت او و خارج از شؤون اوست، قرار مده.»(۴)

بالا رفتن بجهه ها بر منابر آخر الزمان

تردیدی نیست که منبر جای بیان معارف و حقایق اسلام است و آن مسند پیامبر و امام معصوم علیهما السلام می باشد، و پس از آنان کسانی حق دارند که آن را اشغال کنند که بهره کامل از معارف اسلامی داشته باشند و پاسخگوی مسائل دینی مردم باشند و گرنه غاصب خواهند بود و کسی که بالای منبر می رود باید در حدّ توان و استطاعت خود سخن بگوید و در موضوعاتی که اطلاعات کافی از آنها ندارد سخن نگوید، و لکن مع الأسف در این زمان ها که آخر الزمان محسوب می شود، طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «وَيَعْلُو الصُّبِّيَانُ عَلَى الْمَنَابِرِ.» افراد بی اطلاع، بالای منبرها می روند و این برای اسلام یک فاجعه خطرناکی است و مقصود از صبیان، صبیان در علم و دانش است چنان که در سخن دیگری فرمود: «يَتَكَلَّمُ مَنْ لَمْ يَكُنْ مُتَعَلِّمًا.» یعنی: «کسی که علم نیاموخته برای مردم سخن می گوید.»(۵)

ص: ۹۰

۱- (۲۰۳) وسائل الشیعه: ۱۸ / ۶ .

۲- (۲۰۴) کنز العمال: ۶ / ۷۶ .

۳- (۲۰۵) بحار الأنوار: ۱۰۳ / ۲۵۴ .

۴- (۲۰۶) کتاب القضاء: ۱ / ۴۸ للسید الکلیپاگانی رحمه الله، وسائل الشیعه: ۷ / ۱۲۰ .

۵- (۲۰۷) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱ .

از سویی معارف اسلام و قرآن باید برای خدا تعلیم شود و برای خدا تعلّم شود و برای خدا بین مردم پخش گردد، و این نیز مع الأَسف همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ» و یا فرمود: «يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ» کمتر مورد توجّه است بلکه مسائل مادی در تعلیم و تعلّم و پخش معارف اسلامی دخالت پیدا کرده است، در حالی که در سخنان معصومین علیهم السلام فراوان سفارش به خلوص نیت شده است و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ» (۱)

یعنی: «کسی که برای خدا تحصیل علم نماید و به علم خود عمل کند، و برای خدا علم خود را به دیگران تعلیم دهد، ملائکه آسمان ها او را بزرگ می خوانند و گفته می شود: او برای خدا یاد گرفت و برای خدا به آن عمل کرد و برای خدا علم خود را به دیگران تعلیم نمود.»

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه «... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...» (۲) فرمود: «مقصود از "علما" در این آیه، کسی است که عمل او گفته او را تصدیق نماید و کسی که عمل او گفتارش را تصدیق نکند، عالم نخواهد بود.» (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فقیه و عالم وارسته کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند، و از عذاب خدا ایمن نماید، و راه معصیت و گناه را بر مردم نگشاید، و قرآن را رها نکند و به گفته های دیگران توجّه کند.»

سپس فرمود: «ای مردم! آگاه باشید که دانش بدون فهم خیری ندارد، و قرائت بدون تدبّر خیری ندارد، و عبادت بدون تفکر خیری ندارد.»

و یا فرمود: «آگاه باشید که... عبادت بدون فقه خیری در آن نیست، و عبادت بدون ورع نیز خیری در آن نیست.» (۴)

ص: ۹۱

۱- ۲۰۸) کافی: ۱ / ۳۵.

۲- ۲۰۹) فاطر / ۲۸.

۳- ۲۱۰) کافی: ۱ / ۳۶.

۴- ۲۱۱) همان.

حضرت عیسیٰ علیه السلام به حواریین و یاران خود فرمود: «مرا به شما حاجتی است؛ حاجت مرا برآورده کنید.» حواریین گفتند: «یا روح الله! حاجت شما برآورده است.» پس حضرت عیسیٰ علیه السلام برخاست و پاهای شاگردان خود را شست [بوسید]. حواریین گفتند: «یا روح الله! ما سزاوارتر به این عمل بودیم.» حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: «سزاوارترین مردم به خدمت، عالم و دانشمند است، و من این گونه در مقابل شما تواضع نمودم تا شما نیز بعد از من، این گونه بین مردم متواضع باشید.» سپس فرمود: «همان گونه که زراعت در زمین صاف و نرم، قابل انجام است نه در کوه و سنگلاخ، علم و حکمت نیز با تواضع آباد می شود نه با تکبر.» (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «نشانه عالم [وارسته] سه چیز است: علم، حلم و خاموشی؛ و نشانه عالم نما نیز سه چیز است: ۱- با بزرگ تر از خود در علم به ناحق نزاع می کند، ۲- بر کوچک تر از خود در علم ظالمانه غلبه می نماید، ۳- با علم خود به ستمکاران کمک می کند.» (۲)

و در آداب تعلّم و استفاده از عالم فرمود: «چند چیز از حقوق عالم است:

۱- فراوان از او سؤال نکنی، ۲- حرمت او را حفظ کنی و به لباس او نیاویزی، ۳- چون در مجلس او وارد می شوی، به همه اهل آن مجلس سلام کنی و جداگانه او را احترام و تعظیم نمایی، ۴- با ادب مقابل او بنشینی و پشت سر او ننشینی، ۵- با چشم و دست به او اشاره نکنی، ۶- زیاد نظریه دیگران را مقابل نظر او نقل ننمایی، ۷- از ادامه صحبت با او خسته نشوی، چرا که مَثَل عالم، مَثَل درخت خرماست که باید منتظر آن بمانی تا چیزی از آن برای تو پایین آید، و پاداش عالم، بزرگ تر از صائم قائم و مجاهد فی سبیل الله است.» (۳)

ص: ۹۲

۱- (۲۱۲) کافی: ۱ / ۳۷.

۲- (۲۱۳) همان.

۳- (۲۱۴) همان.

پرداخت نکردن زکات و حقوق مالی در آخر الزمان

زکات در اصطلاح روایات به مطلق حقوق مالی گفته می شود و به پرداخت سهمی از اموال نه گانه [یعنی گندم، جو، خرما، کشمش، گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره] نیز گفته می شود، و بخش دوّم را زکات مال می گویند و مقابل آن زکات بدن [یعنی زکات فطره] است که در هر سال یک مرتبه در شب عید فطر واجب می شود.

این واجب مالی که تأمین کننده بخش های زیادی از نیازمندی های جامعه اسلامی است، هشت مصرف دارد که در آیه شریفه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (۱) بیان شده است.

یعنی: «صدقات واجب اعمّ از زکات مال و زکات بدن، مربوط به فقرا، مساکین، جمع کنندگان زکات، تألیف قلوب مرزداران، آزاد نمودن برده ها، پرداخت دین بدهکارها، نجات دادن در راه مانده ها و مصرف هر راه خیری می باشد، و آن یک وظیفه واجب [عبادی و] الهی است و خداوند دانا و حکیم [به مصالح بندگان خود] می باشد.

در روایات معصومین علیهم السلام آمده که سخت ترین امتحان خدا نسبت به مردم، وظیفه پرداخت حقوق مالی آنان است و در آخر الزمان این وظیفه برای مردم سنگین ترین وظیفه است، از این رو، رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: «وَأَدَاءُ الزَّكَاةِ أَشَدُّ التَّعَبِ عَلَيْهِمْ خُسْرَانًا وَ مَغْرَمًا عَظِيمًا.» (۲)

یعنی: «پرداخت زکات برای مردم آخر الزمان سخت ترین زحمت و بزرگ ترین خسارت و غرامت محسوب می شود.

از این رو، پرداخت کنندگان زکات در آخر الزمان بسیار کمیاب می باشند و در

ص: ۹۳

۱- (۲۱۵) توبه / ۶۰ .

۲- (۲۱۶) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۲ .

آخر الزمان برای مردم پرداخت ربا، آسان تر از پرداخت زکات است در حالی که ربا در دنیا سبب نابودی دین و زندگی آنان است و برکت را از عمر و مال رباگیرنده و ربا دهنده برمی دارد، و زکات سبب برکت و پاکی نفس و مال و زندگی زکات دهنده است و در آخرت ربا سبب دخول در دوزخ است و زکات سبب دخول در بهشت می باشد. «والله يعلم و أنتم لا تعلمون».

خداوند در بسیاری از آیات قرآن، زکات را به دنبال نماز ذکر نموده است و می فرماید: «... يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...»^(۱)، و در روایات آمده که نماز بدون زکات پذیرفته نیست.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ» فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ.»^(۲)

یعنی: «خداوند زکات را همراه با نماز ذکر نموده و فرموده است: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»، پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد، نماز نخوانده است [چرا که نماز او پذیرفته نخواهد بود].»

از سویی زکات، قوت فقر است و امام هشتم علیه السلام می فرماید: «وَلَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ.»

یعنی: «اگر مردم زکات اموال خود را پرداخت می کردند، احدی نیازمند نمی ماند.»^(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ يُسَمِّي فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا سَخِيًّا وَ فِي الثَّانِيَةِ جَوَادًّا وَ فِي الثَّلَاثَةِ مُعْطِيًّا وَ فِي السَّادِسَةِ مُبَارَكًا مَحْفُوظًا مَنْصُورًا وَ فِي السَّابِعَةِ مَغْفُورًا.»^(۴)

یعنی: «کسی که زکات مال خود را پرداخت کند، در آسمان دنیا، سخی نامیده

ص: ۹۴

۱- (۲۱۷) مائده / ۵۵.

۲- (۲۱۸) کافی: ۳ / ۵۰۶.

۳- (۲۱۹) همان / ۵۹۷.

۴- (۲۲۰) مستدرک الوسائل: ۷ / ۱۷.

می شود، و در آسمان دَوَم، جواد و بخشنده نامیده می شود، و در آسمان سَوَم، مطیع و فرمان بردار نامیده می شود، و در آسمان ششم، مبارک و محفوظ و منصور نامیده می شود، و در آسمان هفتم، آمرزیده نامیده می شود.»

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «حَدِّ سَخَاوَتٍ چيست؟» امام علیه السلام فرمود: «حَدِّ سَخَاوَتٍ این است که تو حَقَّ واجب خدا را از مال خود خارج کنی و در جای خود مصرف نمایی.» (۱)

و نیز فرمود: «مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا - مُسْلِمٍ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ...» (۲). (۳)

یعنی: «کسی که قیراطی از زکات را منع کند [و به صاحبانش نپردازد]، نه مؤمن است و نه مسلمان، و هنگام مرگ می گوید: خدایا مرا بازگردان به دنیا تا شاید عمل صالحی که ترک کردم انجام دهم [و هرگز بازگشتی نخواهد داشت].»

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يُزَكَّى.» (۴)

یعنی: «ملعون است و ملعون است مالی که زکات آن پرداخت نشده باشد.» و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

بی احترامی به پدر و مادر در آخر الزمان

از نشانه های آخر الزمان این است که فرزندان، پدر و مادر خود را تحقیر و توهین می کنند و به دوستان خود احترام می نمایند، از پدر و مادر خود اطاعت نمی کنند و از دوستان خود اطاعت می نمایند، بلکه به پدر و مادر خود ناسزا می گویند و دشنام می دهند. [اعاذنا الله من ذلك إنه هو البر الرحيم]

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «وَيُحَقِّرُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ وَيَسُبُّهُمَا...» (۵)

ص: ۹۵

۱- (۲۲۱) مستدرک الوسائل: ۷ / ۱۸.

۲- (۲۲۲) مؤمنون / ۹۹ - ۱۰۰.

۳- (۲۲۳) کافی: ۳ / ۵۰۳.

۴- (۲۲۴) همان / ۵۰۴.

۵- (۲۲۵) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱.

یعنی: «در آخر الزمان فرزندان به پدر و مادر خود توهین و تحقیر می نمایند و به آنان ناسزا و دشنام می دهند.» در حالی که خداوند در قرآن می فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَهِمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (۱).

یعنی: «خداوند حکم نموده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید و اگر یکی از آنان و یا هر دوی آنان به پیری رسیدند، هرگز به آنان "اف" مگو و اظهار کراهت و انزجار مکن و آنان را از خود دور مکن و با مهربانی با آنان سخن بگو و بال خود را از روی محبت، زیر قدم های آنان پهن کن و بگو: خدایا به آنان رحم کن همان گونه که آنها در کودکی به من رحم نمودند.»

امام صادق علیه السلام در معنای احسان به پدر و مادر فرمود: «با آنان نیکو برخورد کن و آنان را ناچار مکن تا از تو چیزی را سؤال کنند بلکه قبل از سؤال خواسته آنان را برآورده کن گرچه نیازمند نباشند؛ چرا که خداوند می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» (۲)، یعنی به بهشت نمی رسید تا از آنچه دوست می دارید در راه خدا بدهید.»

و در معنای «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَهِمَا» فرمود: «اگر پدر و مادر به تو زجر دادند، به آنان اف مگو و اگر تو را زدند، آنان را از خود دور مکن و با محبت با آنان سخن بگو.» و فرمود: «اگر تو را زدند به آنان بگو: خدا از شما بگذرد.»

و در معنای «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» فرمود: «با چشم محبت و رحمت و رقت به آنان نگاه کن و صدای خود را بلندتر از صدای آنان مکن و دست خود را بالاتر از آنان بالا مکن و پیش از آنان راه مرو.» (۳)

ص: ۹۶

۱- (۲۲۶) اسراء / ۲۳ - ۲۴.

۲- (۲۲۷) آل عمران / ۹۲.

۳- (۲۲۸) تفسیر صافی: ۳ / ۱۸۵.

و فرمود: «اگر خداوند چیزی را کمتر از "أف" می دانست، از آن نهی می نمود، و اف گفتن به پدر و مادر پایین ترین مرحله عقوق است.»

و در ذیل روایتی از آن حضرت نقل شده که فرمود: «یکی از مراحل عقوق این است که فرزند به پدر و مادر خود نگاه تند بکند.»^(۱)

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «شخصی از رسول خداصلی الله علیه و آله سؤال کرد: "حقّ پدر بر فرزند چیست؟" رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: "حقّ پدر بر فرزند این است که با نام او را صدا نزنند [و به او پدر بگویند]، و پیش از او راه نرود، و قبل از او ننشیند، و کاری نکند که مردم به او دشنام بدهند."»^(۲)

و در روایتی آمده که رسول خداصلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود: «بینی او به خاک مالیده شود.» اصحاب عرض کردند: «یا رسول الله! مقصود شما کیست؟» فرمود: «کسی که پدر و مادر و یا یکی از آنان را در حال پیری درک کند و آمرزیده نشود [باید بینی او به خاک مالیده شود].»^(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مردی نزد رسول خداصلی الله علیه و آله آمد و گفت: "یا رسول الله! مرا نصیحت کنید." رسول خداصلی الله علیه و آله به او فرمود: "برای خدا شریک قرار مده [و مشرک مشو] گرچه تو را در آتش بسوزانند و عذاب کنند، جز این که تقیّه کنی و قلب تو مطمئن به ایمان باشد، و به پدر و مادر خود احسان کن و از آنان اطاعت نما و اگر از دنیا رفته اند نیز احسان خود را از آنان قطع مکن و اگر تو را امر کردند که از مال و اهل خود خارج شوی چنین کن؛ چرا که این مقتضای ایمان است."»^(۴)

منصور بن حازم می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: «بهترین اعمال چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «بهترین اعمال سه چیز است: ۱- نماز اوّل وقت، ۲- احسان به پدر و مادر، ۳- جهاد در راه خدا.»^(۵)

ص: ۹۷

۱- (۲۲۹) کافی: ۲ / ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲- (۲۳۰) تفسیر صافی: ۳ / ۱۸۵.

۳- (۲۳۱) همان.

۴- (۲۳۲) کافی: ۳ / ۱۵۸.

۵- (۲۳۳) همان.

و فرمود: «چه مانع است که هر کدام از شما به پدر و مادر خود احسان کند، چه زنده باشند و چه مرده، برای آنان نماز بخواند و صدقه بدهد و حج برود و روزه بگیرد و اگر چنین کند ثواب این اعمال برای او و پدر و مادر او باشد و خداوند افزون بر این ثواب ها برای احسان و صله ای که به پدر و مادر خود نموده، خیر فراوانی به او می دهد.»(۱)

روی آوردن مردم به شطرنج و آلات لهو در آخر الزمان

در کتاب محرمات اسلام به طور تفصیل درباره آلات لهو و شطرنج و نرد و خوانندگی و موسیقی بحث شده و احکام فقهی و آثار و نکبت های هر کدام از آنها در روایات و سخنان معصومین علیهم السلام بیان گردیده است. در این کتاب نیز به عنوان نشانه ها و فتنه های آخر الزمان از آنها بحث می شود.

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره اشراط الساعه و نشانه های آخر الزمان می فرماید: «و تَظْهَرُ الْكُوبَةُ وَالْقَيْنَاتُ وَالْمَعَارِيفُ وَالْمَيْلُ إِلَى أَصْحَابِ الطَّنَائِبِ وَالِدُفُوفِ وَالْمَزَامِيرِ وَ سَائِرِ آلَاتِ اللّٰهُوِ، أَلَا وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ الْمَلْبَسَةِ وَ الْمَأْطَعِمَةِ وَ غَيْرِهَا، فَكَأَنَّمَا زَنَى مَعَ أُمِّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ، فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي، وَ تُنْتَهَكُ الْمَحَارِمُ، وَ تُكْتَسَبُ الْمِيَائِمُ، وَ تُسَلِّطُ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَ يَتْبَاهُونَ فِي اللَّبَاسِ، وَ يَسْتَحْبِبُونَ أَصْحَابَ الْمَلَاهِي وَ الزَّانِيَاتِ، فَيَكُونُ الْمَطْرُ قَيْظًا...»

یعنی: «در آخر الزمان طبل و شطرنج و نرد و آلات لهو و غنا و آوازه خوانی [و موسیقی] آشکار می شود و مردم به این اعمال و سایر آلات لهو مایل می شوند.»

سپس فرمود: «آگاه باشید که هر کس به آنان در این اعمال کمک مالی و غیره داشته باشد [و یا عمل آنان را نیکو بشمارد]، مانند این است که هفتاد مرتبه با مادر خود در داخل کعبه زنا کرده باشد.»

ص: ۹۸

تا این که فرمود: «در چنین زمانی اشرار بر آنان حاکم می شوند و محرمات خدا هتک می شود، و مردم آن زمان اهل گناه و زنا و آوازه خوانی و استعمال آلات لهو و موسیقی و... را نیکو می شمارند، و در چنین زمانی [برکات کم می شود و] باران رحمت کمیاب می گردد...» [و بیشتر باران ها به صورت عذاب و کیفر خواهد بود و سبب تخریب و هلاکت مردم می گردد].

اکنون به سخنان معصومین علیهم السلام درباره نرد و شطرنج و آلات لهو و موسیقی گوش فرامی دهیم.

مرحوم محقق صاحب شرایع می گوید: زمر و عود آلت های غنا است، و صنج و دف، آلت ضرب در مجالس لهو و حرام است و عامل و شنونده آنها فاسق و گنهکار خواهد بود. (۱)

شیخ اعظم انصاری در کتاب مکاسب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «نزدیک نرد و شطرنج نروید.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «شطرنج رجس، و غنا قول زور است که در آیه شریفه «... فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (۲) ذکر شده است. (۳)

و فرمود: «مقصود از "میسر" در آیه شریفه «... إِنَّمِ الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ...» (۴)، نرد و شطرنج است.» (۵)

و فرمود: «مقصود از "لهو الحدیث" در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ...» (۶)، غنا می باشد.» (۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: "به چند گروه سلام نکنید: ۱- آدم مست، ۲- کسی که مجسمه می سازد، ۳- کسی که با نرد بازی می کند،

ص: ۹۹

۱- (۲۳۵) شرایع الاسلام: ۴ / ۹۱۳.

۲- (۲۳۶) حج / ۳۰.

۳- (۲۳۷) مصباح الفقیه: ۲ / ۷۴۴، کافی: ۶ / ۴۳۶.

۴- (۲۳۸) مائده / ۹۰.

۵- (۲۳۹) کافی: ۶ / ۴۳۶.

۶- (۲۴۰) لقمان / ۶.

۷- (۲۴۱) معانی الأخبار / ۳۴۹.

۴- کسی که با چهارده خانه بازی می کند. " و من اضافه می کنم که بر اهل شطرنج نیز سلام نکنید." (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «خرید و فروش شطرنج حرام است، و قیمت آن پلید و حرام است، و نگهداری آن کفر است، و بازی با آن شرک است، و سلام کردن بر کسی که با آن بازی می کند گناه کبیره و هلاک کننده است، و کسی که دست خود را در آن وارد می کند مانند کسی است که دست خود را در گوشت خوک وارد می کند و نماز او نماز نیست تا دست خود را بشوید، و نگاه به شطرنج مانند نگاه به عورت مادر است، و کسی که به شطرنج نگاه کند در حالی که با آن بازی می کنند، و یا بر اهل آن سلام کند، مانند کسی است که با آن بازی می کند، و کسی که در کنار شطرنج برای بازی کردن با آن بنشیند، جایگاه خود را در آتش آماده کرده است، و این عمل سبب حسرت او در قیامت خواهد شد.»

سپس فرمود: «از هم نشینی با اهل شطرنج پرهیز کن؛ چرا که مجلس شطرنج سبب خشم خداوند است و در هر آنی گمان می رود که عذابی بر اهل آن نازل شود و آن عذاب تو را نیز بگیرد.» (۲)

تجارت زن ها در آخر الزمان

در بحث ولایت مرد بر زن گذشت که زن باید از همسر خود اطاعت کند و بدون اجازه او حق بیرون رفتن از خانه و انجام مشاغل اجتماعی را ندارد، و از نظر مسئولیت نیز کارهای خارج خانه، - همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی و فاطمه علیهما السلام تقسیم کار نمود و دستورات لازم را به آنان داد -، اکثراً به عهده زن نیست و بهترین عمل برای او خانه داری و شوهرداری است و اساساً جهاد زن در شوهرداری پسندیده می باشد، و از نظر مسائل حیا و حجاب و عفت نیز طبق فرموده قرآن و سیره و سخن اولیای خدا، ماندن در خانه برای زن بهتر از هر عمل

ص: ۱۰۰

۱- (۲۴۲) وسائل الشیعه: ۱۲ / ۴۹.

۲- (۲۴۳) همان: ۱۷ / ۳۲۳.

دیگری است که در خارج خانه بخواهد انجام بدهد. تفصیل این بحث در کتاب بانوی نمونه عالم و کتاب آیین همسرداری بیان شده است.

اکنون این سخن مطرح است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره زن های آخر الزمان به سلمان فارسی فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعِنْدَهَا تُشَارِكُ الْمَرْأَةُ زَوْجَهَا فِي التَّجَارَةِ» (۱) یعنی: «سوگند به آن خدایی که جان من به دست اوست در آن زمان زن با همسر خود در تجارت شریک خواهد بود.»

و در خطبه سال حجّه الوداع نیز در کنار کعبه، ضمن بیان اشراط الساعه و نکوهش احوال مردم آخر الزمان فرمود: «وَتُشَارِكُ الْمَرْأَةُ زَوْجَهَا فِي التَّجَارَةِ» (۲)

یعنی: «سوگند به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، ای سلمان در آخر الزمان زن ها همانند مردها به تجارت مشغول خواهند شد، و زن با شوهر خود در تجارت همراه و شریک خواهد بود.»

و ما اکنون همه خصلت هایی که آن حضرت برای زن های آخر الزمان بیان فرموده است را مشاهده می کنیم و قدرتی برای جلوگیری از آن نداریم. از سویی سیره اولیای دین و صالحین از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان ائمه معصومین علیهم السلام این نبوده است که زن همانند مرد در خارج خانه مشغول تجارت و کارهای اجتماعی باشد و از سخنان معصومین علیهم السلام بالأخص سخن قرآن که می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (۳)، و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (۴) و مذمت رسول خدا از زن های آخر الزمان در جمله «تشارک المرأه زوجها فی التجاره»، و جمله «المرأه عوره»، و یا «صوت المرأه عوره»، که فقها در فقه به صورت اصل مسلم به آن تمسک نموده اند و می فرمایند: «و الإجماع بقسمیه علی أنّ المرأه عوره و هذا ضروری المذهب أو الدین» (۵) استفاده

ص: ۱۰۱

۱- (۲۴۴) وسائل الشیعه: ۱۱ / ۲۷۷.

۲- (۲۴۵) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۲.

۳- (۲۴۶) احزاب / ۳۳.

۴- (۲۴۷) احکام النساء، شیخ مفید / ۳۹.

۵- (۲۴۸) جواهر: ۲۹ / ۹۱، و وسائل الشیعه، باب ۱۲۵ مقدمات نکاح.

می شود که اختلاط زن با مرد در بازار و کوچه و خیابان و مراکز عمومی که عموم مردم در آنها رفت و آمد دارند، کار صحیحی نیست گرچه زن خود را پوشانده باشد و حجاب کامل داشته باشد تا چه رسد به حجاب های آخر الزمان که اکنون ما شاهد آن هستیم. واللّٰه المستعان و الیه المشتکی، و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم.

اکنون به برخی از سخنان معصومین علیهم السلام درباره حجاب و وظایف دیگر زن مسلمان گوش فرامی دهیم.

شیخ مفید در کتاب احکام النساء می فرماید: بر زن واجب است از شوهر خود اطاعت کند، و از امر او سرپیچی ننماید، جز در واجبات و محرمات الهی و نیز نباید بدون اجازه او از خانه خارج شود، و نباید او را به خشم آورد، و نباید با او قهر کند، و نباید با او به ستیز و جنگ برخیزد، و بر او حرام است که خود را [که امانت شوهر است] در معرض استفاده دیگران قرار بدهد [و نباید جز شوهر کسی بهره جنسی از او ببرد] و باید امانت شوهر خود را [از مال و غیره] نگهداری کند و به او بازگرداند، و در سخن گفتن با او درشتی نکند، و در همه کارها او را شاد و مسرور نماید، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِ»، یعنی: «جهاد زن این است که نیکو شوهرداری کند.» و فرمود: «لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَخِي لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا.» (۱)

یعنی: «اگر صحیح بود که من بگویم کسی در مقابل کسی سجده کند، می گفتم: زن باید در مقابل شوهر خود سجده کند.»

سپس گوید: زن حق ندارد بدون اجازه در مال شوهر خود تصرف کند، و لکن اگر مرد در قوت و غذای او سخت گیری کند، حق دارد به اندازه لازم و نیاز از مال او بردارد و نباید بیش از آن بردارد.

تا این که گوید: بر مرد نیز واجب است که به همسر خود نیکی کند، و در مقابل

ص: ۱۰۲

تندی ها و درشتی های او حلیم باشد و از بدگمانی های او بگذرد، و فراوان با او مدارا کند، و نیازهای او را تأمین نماید، و حقّ او را پایمال نکند، و... (۱).

مؤلف گوید: غیرت مرد نباید اجازه بدهد که همسر و یا دختر و یا خواهر او با حجاب ناقص بین مردان نامحرم رفت و آمد کند. امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم کوفه فرمود: «آیا غیرت ندارید و حیا نمی کنید که زنان شما به بازار می روند و با جوانان عزب برخورد می کنند؟!»

امام صادق علیه السلام فرمود: «قلب مرد بی غیرت منکوس و وارونه است.» (۲)

مفاسد جنسی در آخر الزمان

گرچه نوشتن این گونه مسائل برای نویسنده بسیار مشکل و دردآور است و لکن هدف اشاعه فحشا نیست بلکه مقصود تذکر و اعلان خطر برای جوانان عزیز مسلمان است که از مفاسد و انحرافات جنسی آخر الزمان پرهیز کنند و تقوای دینی و اسلامی خود را حفظ نمایند و گرنه با مفاسدی که اکنون در دنیا رایج گردیده و مردم ما نیز از آنها مصون نمانده اند، هیئات است کسی از فساد محفوظ بماند، جز این که با استمداد از خداوند و توجه به تذکرات معصومین علیهم السلام و پرهیز از مفاسد اجتماعی و افراد فاسد خداوند کسی را نجات بدهد. همان گونه که می فرماید: «...فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۳)، و یا می فرماید: «...وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (۴).

اکنون به سخن رسول خداصلی الله علیه و آله گوش فرامی دهیم که فرمود: «فَعِنْدَهَا يَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَ يُغَارُ عَلَى الْغُلَمَانِ كَمَا يُغَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا، وَ يَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَ يَزُكِبْنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشَّرُوجَ،

ص: ۱۰۳

۱- (۲۵۰) احکام النساء / ۳۷.

۲- (۲۵۱) کافی: ۵ / ۵۳۶ - ۵۳۷.

۳- (۲۵۲) بقره / ۶۴.

۴- (۲۵۳) نساء / ۸۳.

یعنی: «در آخر الزّمان [با عمل لواط] مردها به مردها اکتفا می کنند و زن ها [نیز با عمل مساحقه] به زن ها اکتفا می نمایند، و همان گونه که مرد نسبت به تجاوز به کنیز [خود و یا محارم دیگر] خود غیرت نشان می دهد، در آخر الزّمان مردها نسبت به یک پسر امرد غیرت نشان می دهند [و اجازه نمی دهند که دیگری با آن پسر رابطه پیدا کند].»

سپس فرمود: «در آن زمان مردها خود را شبیه به زن ها می کنند و زن ها نیز خود را شبیه به مردان می نمایند، لعنت خدا بر آنان باد...»

و نیز فرمود: «وَ عِنْدَهَا تَحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَابَجَ وَ يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النُّمُورِ صِفَاقًا...» (۲)

یعنی: «در آن زمان مردان امت من خود را با طلا-زینت می نمایند و لباس حریر و دیباج می پوشند، و از پوست پلنگ لباس تهیه می کنند.»

مؤلف گوید: حقاً رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت اعجاز از وضع کنونی مردم آخر الزّمان خبر داده است و حجت را بر امت خود تمام نموده و این مردم هستند که باید به خطرهای یاد شده توجه داشته باشند و گرنه مورد لعنت خدا و رسول اوصلی الله علیه و آله واقع خواهند شد و رابطه آنان با خدا و دین و قرآن از بین خواهد رفت، همچنان که مشاهده می کنیم. اعاذنا الله من همزات الشیاطین و من شرّ الجنّ و الإنس و من شرور أنفسنا إنه المستعان و لا حول و لا قوه إلا بالله العلیّ العظیم.

سخنان معصومین علیهم السلام درباره مسائل یاد شده، یعنی لواط و مساحقه و تشبه مرد به زن و زن به مرد و زینت نمودن زن ها برای مردان نامحرم، فراوان است و اکنون به برخی از آنها اشاره می شود.

مرحوم صدوق می فرماید: لواط این است که آلت مرد بین دو مرد دیگر

ص: ۱۰۴

۱- (۲۵۴) وسائل الشیعه: ۱۵ / ۳۴۸.

۲- (۲۵۵) معجم احادیث المهدي عليه السلام: ۲ / ۲۱۹.

قرار بگیرد و امّا دخول در عقب کفر به خدای بزرگ است و حرمت آن خطرناک تر از زنای با زن نامحرم است؛ چرا که خداوند به واسطه لواط قومی را عذاب نموده است و به واسطه زنا عذاب نموده و عقوبت و کیفر لواط یکی از سه چیز است: ۱- او را در آتش بسوزانند، ۲- دیواری بر او خراب کنند، ۳- با شمشیر گردن او را بزنند. (۱)

احکام فقهی لواط نسبت به لاطی و ملوط در رسائل عملیه بیان شده و یکی از آنها این است که لواط کننده نمی تواند با مادر و دختر و خواهر ملوط ازدواج بکند. (۲)

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که می فرماید: «مَنْ جَامَعَ غُلَامًا جَاءَ جُنْبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْقِيهِ مَاءُ الدُّنْيَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا.» ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ الذَّكَرَ لَيُرَكَّبُ الذَّكَرُ فَيَهْتَرُ الْعَرْشُ لِدَلِكِكَ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤْتَى فِي حَقْبِهِ فَيَحْبِسُهُ اللَّهُ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ، ثُمَّ يُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى جَهَنَّمَ فَيَعِدُّ بِطَبَقَاتِهَا طَبَقَةً طَبَقَةً حَتَّى يُرَدَّ إِلَى أَسْفَلِهَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا.» (۳)

یعنی: «کسی که با پسری لواط کند در حال جنابت وارد قیامت می شود و آب های دنیا او را پاک نمی کند و خداوند به او خشم می کند و او را لعنت می نماید و جهنم را برای او آماده نموده و آن بد جایگاهی خواهد بود.»

سپس فرمود: «هنگامی که مرد با مردی لواط می کند، عرش به لرزه درمی آید و کسی که به لواط تن بدهد، خداوند او را بر پل دوزخ حبس می کند تا از حساب خلائق فارغ گردد و سپس دستور می دهد تا او را وارد دوزخ کنند و در هر طبقه ای او را عذاب کنند تا به طبقه پایین برسد و از آن خارج نخواهد شد.»

مرحوم شیخ مفید می فرماید: مساحقه نیز مانند زنا است و اگر زنی با زنی مساحقه کند، همانند زنا یکصد تازیانه به آنان می زنند. (۴)

ص: ۱۰۵

۱- (۲۵۶) المقنع / ۴۳۰، کافی: ۵ / ۵۴۳.

۲- (۲۵۷) همان.

۳- (۲۵۸) کافی: ۵ / ۵۴۴.

۴- (۲۵۹) مقنعه / ۷۸۸، کافی: ۵ / ۵۵۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به زن هایی که مساحقه می کنند، روز قیامت لباس هایی از آتش می پوشاند و درون آنها پر از آتش می شود و سپس به دوزخ انداخته می شوند...» (۱).

تزئین قرآن و مساجد در آخر الزمان

از نشانه های آخر الزمان این است که مساجد را در آن زمان زینت و زیور می کنند همانند یهود و نصاری که معبدهایشان را که به آنها «بیع و کنایس» می گویند زینت می کنند، و از نشانه های دیگر آخر الزمان این است که قرآن ها را نیز زیور می کنند و با بهترین شکل چاپ می نمایند [و غبار بر آن قرار می گیرد و کسی آنها را نمی خواند]، و از نشانه های دیگر این است که مناره های مساجد را بلند می کنند و صف های جماعت زیاد می شود و خلوص بین آنان کمیاب می گردد، و ائمه جماعات نیز [بعضاً] مایل به دنیا و طالب ریاست های باطل می شوند. (۲).

از روایات استفاده می شود که در آخر الزمان از قرآن چیزی جز خط و تلاوت صوری باقی نمی ماند، و سنت رسول خداصلی الله علیه و آله تعطیل می شود و مردم آن زمان سنت را بدعت و بدعت را سنت می دانند و مساجد و منابر آراسته و زینت داده می شوند، و مردم برای تحصیل دنیا به دین متوسل می شوند، و قاریان قرآن و علما [بعضاً] منافق می شوند، ظاهر آنان زیباست و لکن اهل تقوا و ورع نیستند. آن زمان ائمه جماعت [با شرایط] کمیاب می شوند، فقهای آن زمان [از اهل سنت] بدترین مردم زیر آسمان و اصل فتنه ها هستند؛ چرا که حامی حکام جور می باشند. (۳).

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «من اولین کسی هستم که بر خدای عزیز جبار وارد می شوم و سپس کتاب خدا و اهل بیت من و امت من وارد می شوند، و من از امت

ص: ۱۰۶

۱- (۲۶۰) کافی: ۵ / ۵۵۲.

۲- (۲۶۱) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۲.

۳- (۲۶۲) معجم احادیث المهدی علیه السلام: ۲ / ۵۳۵.

خود درباره قرآن و اهل بیت خود سؤال خواهم نمود.»(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به فرزندان و یاران خویش فرمود: «بدانید که قرآن راهنمای روز و نور شب تاریک شماست و شما را از سختی ها و فقر نجات می دهد.»(۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «قرآن شما را از گمراهی نجات می دهد و حقایق را برای شما مکشوف می نماید و شما را از لغزش نجات می دهد، و آن نوری است که تاریکی ها را از شما برطرف می نماید و بدعت ها و انحراف ها را آشکار می سازد و شما را از هلاکت نجات می بخشد و از انحراف بازمی دارد و فتنه ها را برای شما آشکار می سازد و راه رسیدن به سعادت آخرت را به شما می آموزد و کمال دین شما در بهره برداری از قرآن است و هیچ کس از قرآن عدول نمی کند، مگر آن که به طرف آتش می رود.»(۳)

مؤلف گوید: حق این است که مساجد، مدارس تربیتی و ارتباط با خداوند است و کتاب آن مدارس، قرآن، و معلمین آنها پیامبران و اوصیاءعلیهم السلام هستند، از این رو، باید تأسیس مساجد بر اساس تقوا و برای خدا باشد، همان گونه که خداوند می فرماید: «... لَمَسَّ جِدُّ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»(۴).

ساختار مساجد نیز باید ساده و به اندازه تأمین نیاز نمازگذاران و اهداف مسجد باشد و نمازگذاران را به یاد خدا بیندازد، از این رو، در روایات معصومین علیهم السلام آدابی برای مسجد ذکر شده که یکی از آنها ساده بودن ساختمان مساجد است، همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله مسجد مدینه [مسجد النبی صلی الله علیه وآله] را بنا نمود و آن در ابتدای امر سقفی نداشت و چون مردم از باران و حرارت خورشید آزار می شدند با شاخه های

ص: ۱۰۷

۱- (۲۶۳) کافی: ۲ / ۶۰۰.

۲- (۲۶۴) همان.

۳- (۲۶۵) همان.

۴- (۲۶۶) توبه / ۱۰۸.

خرما آن را مسقف نمودند و بعد از مدتی چون آب باران بر سر نمازگذاران می ریخت، گل بر آن مالیدند و از لابه لای آنها آب باران وارد مسجد می شد و رسول خداصلی الله علیه وآله بیش از آن اجازه نداد و لکن امروز در بنای مساجد افراط می شود و به قدری زینت داده می شود که فکر نمازگذاران را به خود مشغول می نماید.

اکنون فهرستی از آداب مساجد را برای تذکر بیان می نمایم.

مرحوم علامه سید محمد کاظم یزدی در کتاب عروه الوثقی می فرماید:

۱- مستحب است نمازهای واجب در مساجد خوانده شود و افضل مساجد، مسجد الحرام است که نماز در آن برابر هزار هزار نماز است و پس از آن مسجد النبی صلی الله علیه وآله در مدینه است و نماز در آن برابر با ده هزار نماز است و پس از آن مسجد کوفه و مسجد بیت المقدس است، و نماز در آنها برابر یک هزار نماز است و پس از آنها مساجد جامع است و نماز در آن برابر با یکصد نماز است و پس از آن مسجد محله و قبیله است و نماز در آن برابر بیست و پنج نماز است و پس از آن مسجد بازار است و نماز در آن برابر دوازده نماز است و مستحب است که انسان در خانه خود محلی را اختصاص به نماز بدهد، گرچه احکام مسجد را نخواهد داشت [و مستحب است هنگام احتضار او را در آن محل قرار دهند] و برای زن ها بهترین مکان برای نماز، خانه آنهاست و بهتر از آن این است که در پس اطاق نماز بخوانند.

سپس گوید: نماز در مشاهد مشرفه یعنی حرم های معصومین علیهم السلام افضل از مساجد است و روایت شده که نماز در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام برابر با دویست هزار نماز است بلکه نماز خواندن در حرم های پیامبران و مقام اولیای خدا و صلحا و علما و عباد مستحب است و لو در حال حیات آنان باشد.

و مستحب است نمازگذار در نقاط مختلفی از اماکن یاد شده نماز بخواند تا روز قیامت برای او شهادت بدهند، چنان که شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال نمود: «در یک نقطه نمازهای خود را بخواند و یا در نقاط متعدّد؟» امام علیه السلام فرمود: «در نقاط

متعدد بخواند تا روز قیامت برای او شهادت بدهند.»

۲- برای همسایه مسجد کراهت دارد که نماز خود را بدون عذر در غیر مسجد بخواند؛ چرا که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «لا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ.»

۳- مستحب است با کسی که در مساجد نماز خود را نمی خواند، هم غذا نشوند و با او مشورت نکنند و با او ازدواج نمایند و همسایه او نشوند تا به مسجد بیاید.

۴- مستحب است خواندن نماز در مسجدی که نمازگذار ندارد تا تعطیل نشود؛ چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «سه دسته روز قیامت به درگاه خداوند شکایت می کنند: ۱- مسجد خرابی که همسایه ها در آن نماز نمی خوانند، ۲- عالم و دانشمندی که بین جهل واقع شود [و مردم مسائل دین خود را از او سؤال نکنند]، ۳- قرآنی که در جای بلندی قرار گرفته باشد و غبار بر او جمع شده باشد و از آن قرائت نشود.»

۵- مستحب است فراوان در مساجد تردد و رفت و آمد بشود؛ چرا که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هر کس به طرف مسجدی از مساجد خدا حرکت کند، تا هنگامی که به خانه خود بازگردد، به هر گامی خداوند ده حسنه به او می دهد و ده گناه را از او محو می کند و ده درجه به مقام او می افزاید.»

۶- ساختن مسجد پاداش بزرگی دارد و مستحب است انسان مسجدی را بنا نماید؛ چرا که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «کسی که در دنیا مسجدی بنا کند، خداوند به هر وجبی از آن در بهشت شهری به وسعت چهل هزار سال راه به او می دهد که از طلا و نقره و لؤلؤ و زبرجد ساخته شده باشد.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «کسی که مسجدی بنا کند، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا خواهد نمود.»

سپس گوید: تزئین مسجد به طلا حرام است و بنا بر احتیاط واجب، نباید

رشوه و ربا در آخر الزمان

بدترین و پلیدترین مال ها، مالی است که از راه رشوه و ربا تحصیل شود؛ چرا که در روایات آمده: رشوه در احکام کفر به خدای بزرگ است. و رسول خداصلی الله علیه وآله رشوه دهنده و رشوه گیرنده را لعنت فرمود. و فرمود: «خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که واسطه این کار است را لعنت نموده.»

و فرمود: «از رشوه دور شوید؛ چرا که آن کفر محض است و صاحب رشوه بوی بهشت را نمی شنود.» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «رشوه گرفتن برای حکم، کفر به خداوند است.» (۳)

مرحوم صدوق در بحث ربا می فرماید: بدان که ربا حرام و پلید و از گناهان بزرگ است و خداوند به رباگیرنده و ربا دهنده وعده عذاب و آتش داده است و ما از چنین حرامی به خدا پناه می بریم و حرمت آن در هر کتاب آسمانی و به زبان هر پیامبری بیان شده است.

سپس گوید: امام هشتم علیه السلام فرمود: «خداوند ربا را حرام نمود تا مردم از عمل خیر [و قرض نیکو] خودداری نکنند.» (۴)

و روایت شده که پاداش قرض، هیچده برابر صدقه است. سپس گوید: روز قیامت خداوند اعمال برخی از مردم را [که اهل حرام بوده اند] مانند پارچه های سفید مصری بالا می برد و به صاحبانش می فرماید: بروید پاداش اعمال خود را بگیرید و چون [اهل حرام] به پاداش اعمال خود نزدیک می شوند خداوند به

ص: ۱۱۰

۱- (۲۶۷) عروه الوثقی: ۱ / ۵۹۸ .

۲- (۲۶۸) بحار الأنوار: ۱۰۱ / ۲۷۴، جامع الأخبار / ۶۲، تفسیر عیاشی: ۱ / ۳۲۱.

۳- (۲۶۹) بحار الأنوار: ۱۰۱ / ۲۷۴.

۴- (۲۷۰) کافی: ۵ / ۱۴۶، تهذیب الأحکام: ۷ / ۱۷، فقه الرضا / ۲۵۶.

اعمال آنان می گوید: مانند غبار در هوا پراکنده شوید، چنان که [در قرآن] می فرماید: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا...» (۱).

سپس فرمود: به خدا سوگند آنان نماز می خوانده اند و روزه می گرفته اند و لکن چون حرام مقابل آنان عرضه می شده است باکی نداشته و حرام را می گرفته اند. (۲)

مال های حرام در آخر الزمان

در بحث فتنه های آخر الزمان گذشت که در آخر الزمان مردم حرام ها را حلال می دانند، ربا و رشوه بین آنان آشکار می شود، ربا را همانند معامله می پندارند و با دین خود ارتزاق می کنند، به دست آوردن مال حلال در آن زمان بسیار سخت و مشکل خواهد بود، بیشتر درآمدهای مردم از راه های حرام می باشد.

از سویی در روایات بسیاری آمده که از اموال و درآمدهای حرام بترسید؛ چرا که خوردن مال حرام قلب ها را تیره می کند، و کسانی که مال حرام می خورند حقایق را نمی پذیرند، و یک لقمه حرام نیز تأثیر خود را خواهد داشت و به واسطه آن عبادت چهل شبانه روز انسان پذیرفته نمی شود، از سوی دیگر اساس همه موفقیت ها خوردن مال حلال است و خداوند برای پرهیز از مال حرام پاداش زیادی قرار داده است که در روایات و سخنان معصومین علیهم السلام مشاهده خواهیم نمود. اکنون برخی از متون روایات معصومین علیهم السلام را برای تنبّه و تبرّک بیان می نمایم.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «يَتَعَامَلُونَ بِالرِّشْوَةِ وَالرِّبَا». یعنی: «در آخر الزمان مردم با رشوه و ربا معامله می کنند [و درآمدهای آنان آمیخته به حرام است].» (۳)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «قَلَّ مَا يُوْجَدُ فِي أُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَرَاهِمَ حَلَالٍ وَأَخِ يُوْثِقُ بِهِ.» (۴)

یعنی: «در آخر الزمان بین امت من به سختی یک درهم حلال و یک برادر دینی

ص: ۱۱۱

۱- (۲۷۱) فرقان / ۲۳ - ۲۵.

۲- (۲۷۲) فقه الرضا علیه السلام / ۲۵۶.

۳- (۲۷۳) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱.

۴- (۲۷۴) کنز العمال: ۴ / ۴.

و نیز فرمود: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ أَكْلِهِ.» وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا دَامَتِ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ، لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ مَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ مَاتَ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ.»^(۱)

یعنی: «کسی که مشغول خوردن غذای حلال می شود، ملکی بالای سر او می ایستد و برای او استغفار می نماید تا از غذای خود فارغ شود.

و در سخن دیگری فرمود: «هنگامی که لقمه حرام داخل شکم کسی می شود تا زمانی که در شکم او باقی است، هر ملکی که در آسمان ها و زمین وجود دارد او را لعنت می نماید، و خداوند نظر رحمت به او نمی افکند، و غضب خدا بر او خواهد بود، و اگر توبه کند [و اموال حرام را به صاحبانش بازگرداند]، خداوند توبه او را قبول می نماید، و اگر با این حال بدون توبه از دنیا برود، آتش به او سزاوارتر خواهد بود.»

و فرمود: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَ أَفْضَلُهَا جُزْءٌ أَطْلَبُ الْحَلَالَ.»^(۲)

یعنی: «عبادت هفتاد جزء است و بهترین آنها تحصیل روزی حلال است.»

و فرمود: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تَشَعُّهُ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالَ.»^(۳)

یعنی: «عبادت ده جزء است و نه جزء آن در به دست آوردن روزی حلال است.»

تحصیل روزی حلال به قدری ارزشمند و دارای ثواب و پاداش است که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده، آن حضرت در وسط روز در هوای بسیار گرم با این که نیازی نداشت، به جستجوی روزی و تحصیل مال حلال می رفت و هدف او این بود که خداوند ببیند او برای به دست آوردن روزی حلال خود را به زحمت

ص: ۱۱۲

۱- (۲۷۵) روضه الواعظین نیشابوری / ۴۵۷.

۲- (۲۷۶) وسائل الشیعه: ۱۲ / ۱۳.

۳- (۲۷۷) مستدرک الوسائل: ۱۳ / ۱۲.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ.»

وَ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي: «طَهَّرْ مَا كَلَكَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ.» (۲)

یعنی: «کسی که دوست بدارد دعای او مستجاب شود، باید خوراک و کسب خود را حلال و پاک قرار دهد.» و نیز در پاسخ کسی که گفت: «من دوست می دارم خداوند دعای مرا مستجاب نماید»، فرمود: «کسب خود را پاک و حلال کن و حرام را داخل شکم خود مکن [تا دعای تو مستجاب گردد].»

امام صادق علیه السلام فرمود: «رَدُّ دَائِقِ حَرَامٍ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً.» (۳)

یعنی: «پاداش بازگرداندن یک دائق حرام به صاحب آن، نزد خداوند به اندازه هفتاد حج مقبول است.»

کنار گذاردن دین در آخر الزمان

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «فَعِنْدَهَا ... وَ يَضَعُونَ الدِّينَ وَ يَرْفَعُونَ الدُّنْيَا.» (۴)

یعنی: «مردم آخر الزمان دین را رها می کنند و دنیا را بزرگ می شمارند.»

مؤلف گوید: از جمله «يضعون الدين» استفاده می شود که به دین خدا نیز توهین می کنند و اهل دین را همان گونه که در بخش های دیگر این روایت آمده، تحقیر و توهین می نمایند، و از جمله «و يرفعون الدنيا» استفاده می شود که آنچه مربوط به دنیاست برای آنان بسیار مهم و ارزشمند است و آنان دنیا و اهل دنیا را بالا می برند، همان گونه که دین را پایین می آورند. [أعاذنا الله من ذلك و من شر هذا الزمان]

ص: ۱۱۳

۱- (۲۷۸) میزان الحکمه: ۳ / ۲۷۰ از فقیه: ۳ / ۱۶۳ و از تهذیب شیخ طوسی: ۶ / ۳۲۵ و ۸۹۴.

۲- (۲۷۹) عده الداعی / ۱۲۸.

۳- (۲۸۰) بحار الأنوار: ۹۰ / ۳۷۳.

۴- (۲۸۱) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱.

در سخن دیگری نیز رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُونُهُمْ آلِهَتُهُمْ وَ نِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ وَ دَنَائِرُهُمْ دِينُهُمْ، وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ، لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ، وَ لَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رِسْمُهُ، وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرَسُهُ، مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ وَ قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى، عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، حِينَئِذٍ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ فِي هَذَا الزَّمَانِ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: جَوْرٍ مِنَ السُّلْطَانِ، وَ قَحْطٍ مِنَ الزَّمَانِ، وَ ظُلْمٍ مِنَ الْوَلَاةِ وَ الْحُكَّامِ.» فَتَعَجَّبَتِ الصَّحَابَةُ فَقَالُوا: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ؟» قَالَ: «نَعَمْ كُلُّ دِرْهَمٍ عِنْدَهُمْ صَنَمٌ.» (۱)

یعنی: «زمانی بر این مردم خواهد آمد که خدای آنان شکم آنان است و زن های آنان قبله آنان هستند و دین آنان درهم و دینار آنان است و شرف آنان مال آنان است، و از ایمان جز اسمی باقی نمی ماند و از اسلام جز نوشته ای یافت نمی شود و از قرآن جز درسی باقی نمی ماند، مساجد آنان از جهت ساختمان و بنا آباد است و قلب های آنان از جهت هدایت خراب است، علمای آنان بدترین خلق روی زمین هستند.»

سپس فرمود: «در چنین زمانی خداوند آنان را به چند نکتت مبتلا خواهد نمود: ۱- ظلم سلطان، ۲- قحط زمان، ۳- آزار ولات و حکام.»

پس اصحاب تعجب نمودند و گفتند: «یا رسول الله! آیا آنان بت می پرستند؟» رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «آری آنان بت پرست هستند؛ چرا که هر درهمی برای آنان یک بت می باشد و آن را می پرستند.»

و در سخن دیگری فرمود: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ، يَفْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا، ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّهُمُ الدُّنْيَا، لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ.» (۲)

یعنی: «در آخر الزمان مردمی از امت من خواهند آمد که چون وارد مسجد می شوند و گرد هم می نشینند و سخن آنان دنیا، و علاقه آنان به دنیا است، به چنین

ص: ۱۱۴

۱- (۲۸۲) بحار الأنوار: ۲۲ / ۴۵۳ عن جامع الأخبار.

۲- (۲۸۳) بحار الأنوار: ۲۲ / ۴۵۳.

مردمی خداوند نیاز ندارد [و رحمت او شامل آنان نخواهد شد].»

نشانه حبّ دنیا و پرستش آن این است که مردم، دنیا را بر همه ارزش ها مقدّم بدانند و همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «از علما فرار کنند مانند این که گوسفند از گرگ فرار می کند، از این رو، خداوند آنان را گرفتار سه بلا- و مصیبت می نماید: ۱- برکت از اموال آنان برداشته می شود [مال زیادی دارند امّا برکت ندارد]، ۲- سلطان ستمگری را خداوند بر آنان مسلط می نماید، ۳- بدون ایمان از دنیا می روند.» (۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله پس از بیان نشانه های آخر الزّمان فرمود: «در چنین زمانی دین داری مانند این است که کسی آتشی را کف دست خود نگه دارد.» (۲)

و فرمود: «در ابتدا شش چیز سبب معصیت خدا گردید: ۱- حبّ دنیا، ۲- حبّ ریاست، ۳- حبّ طعام، ۴- حبّ زن ها، ۵- حبّ خواب، ۶- حبّ راحت.» (۳)

امام باقرعلیه السلام می فرماید: جابر گفت: رسول خداصلی الله علیه وآله هنگامی که از حجّه الوداع بازگشت، ما را در جلسه ای دید، پس بر ما سلام نمود و چون ما سلام آن حضرت را پاسخ دادیم، فرمود: «چه شده که من می بینم حبّ دنیا بر بیشتر مردم غالب گردیده به گونه ای که فکر می کنند مرگ برای غیر آنان نوشته شده و حقّ خدا بر غیر آنان واجب شده است مثل این که مرگ را از پیشینیان خود ندیده و نشنیده اند در حالی که آنان نیز مانند گذشتگان خود می باشند...؟» (۴)

اعتقاد به جبر در آخر الزّمان

از خصوصیات آخر الزّمان، اعتقاد به جبر است. اهل جبر می گویند: «ما هر چه می کنیم، خدا از پیش برای ما تقدیر نموده و ما جز آنچه هستیم و می کنیم، نمی توانیم باشیم.» در حالی که خداوند در مسائل تکوینی و خلقت، فقط ما را

ص: ۱۱۵

۱- (۲۸۴) بحار الأنوار: ۲۲ / ۴۵۴.

۲- (۲۸۵) همان.

۳- (۲۸۶) محاسن: ۱ / ۲۹۵، کافی: ۲ / ۲۸۹.

۴- (۲۸۷) کافی: ۸ / ۱۶۸.

مجبور نموده است و در مسائل تشریح و واجبات و محرمات تنها امر و نهی نموده و کسی را الزام به انجام و یا ترک کاری نکرده است، او راه خیر و شر را به مردم یاد داده و از آنان خواسته که در حدّ توان خود به کارهای خوب روی بیاورند و از کارهای زشت و ناپسند دوری نمایند و اگر جز این باشد فرقی بین عبادت و معصیت و زشت و زیبا و صالح و طالح نخواهد بود.

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «سیکون فی آخر هذه الأمة قوم يعملون بالمعاصی حتی یقولون هی من الله قضاء و قدر، فإذا لقیتموهم فاعلموهم أنّی منهم بری ء.» (۱)

یعنی: «در پایان این امت مردمی خواهند آمد که گناه می کنند و می گویند: "گناه ما قضا و قدر الهی است و خدا تقدیر نموده که ما گناه بکنیم." هنگامی که شما آنان را ملاقات نمودید به آنان بگویید: رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: من از شما بیزار هستم.»

روایت شده که شخصی به آن حضرت عرض کرد: «پدر و مادرم فدای شما باد، در چه شرایطی خداوند به بندگان خود رحم می کند و در چه شرایطی آنان را عذاب می نماید؟» رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «یرحم الله عباده إذا عملوا بالمعاصی فقالوا: هی منّا، و یعذب الله عباده إذا عملوا بالمعاصی فقالوا: هی من الله قضاء و قدر.» (۲)

یعنی: «خداوند هنگامی به بندگان [گنهکار] خود ترحم می کند که معصیت را از خود بدانند و هنگامی آنان را عذاب می کند که معصیت را از ناحیه خدا بدانند و بگویند این قضا و قدر الهی بوده است.»

اصبغ بن نباته گوید: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ با معاویه در صفین بازمی گشت، پیرمردی به آن حضرت عرض کرد: «یا امیرالمؤمنین! آیا جنگ ما با معاویه قضا و قدر الهی بود [و ما را در آن اختیاری نبود]؟» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، ما هیچ قدمی برنداشتیم و از هیچ تلی بالا نرفتیم و پایین نیامدیم جز آن که به قضا و تقدیر الهی بود [یعنی او از ما

ص: ۱۱۶

۱- (۲۸۸) رسائل المرتضی: ۲ / ۲۴۰.

۲- (۲۸۹) همان.

خواسته بود که ما چنین بکنیم.]» پس آن پیرمرد [معنای سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را ندانست و] گفت: «به خدا سوگند مرا پاداشی در این جنگ نخواهد بود و خداوند مرا به سختی انداخت.»

پس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: «ای پیرمرد! خداوند پاداش شما را در این جنگ بزرگ قرار داد چرا که او شما را در آمدن به این راه اجبار نکرد و شما مضطرّ به آمدن نبودید.» پیرمرد گفت: «چگونه ما مضطرّ نبودیم در حالی که تقدیر و قضای الهی ما را به این راه کشانید.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وای بر تو! آیا گمان کردی که معنای قضا و قدر این است که ما در این کار مجبور بوده ایم؟ هرگز چنین چیزی نبوده، و اگر ما مجبور می بودیم که در این جنگ شرکت کنیم، ثواب و عقاب و وعده و وعید و امر و نهی، معنایی نمی داشت و تو نمی توانستی گنهکار را ملامت کنی و نیکوکار را ستایش نمایی و محسن و نیکوکار سزاوار به مدح و ستایش نبود و فرقی بین نیکوکار و گنهکار نمی بود.»

سپس فرمود: «آنچه تو فکر کرده ای، اعتقاد بت پرستان و جنود شیطان و دشمنان خدا و سخن شهود زور و بهتان و منحرفین از حقّ می باشد، و آنان قدریّه و مجوس این امت هستند.»

تا این که فرمود: «خداوند بنده خود را با اختیار امر و نهی نموده و هرگز او را مجبور به انجام امر واجب و یا ترک گناه نکرده است و تکلیف را بر بنده خود سخت و دشوار ننموده، بلکه آسان نموده، او برای عمل ناچیزی پاداش بزرگ قرار داده و در طاعت و معصیت کسی را اجبار نکرده و پیامبران و کتاب های آسمانی را عبث و بیهوده نفرستاده و آسمان و زمین و مخلوقات دیگر را بدون هدف و از روی باطل خلق نکرده است، و این گمان کافران است که به سبب آن، به عذاب سخت خدا خواهند رسید.»

پیرمرد گفت: «پس معنای قضا و قدر الهی که ما را به این سفر آورده چیست؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «معنای قضا و قدر الهی، امر و حکم [و نهی] الهی است و سپس این آیه را تلاوت فرمود که خداوند درباره توحید و احسان به پدر و مادر می فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» (۱).

و فرمود: «معنای قضا در این آیه، امر خداوند است که می فرماید: جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید.»

پس آن پیرمرد خشنود شد و برخاست و این دو بیت را انشا نمود:

أَنْتَ الْإِمَامُ الَّذِي نَرْجُو بِطَاعَتِهِ

يَوْمَ النُّشُورِ مِنَ الرَّحْمَنِ رِضْوَانًا

أَوْضَحْتَ مِنْ أَمْرِنَا مَا كَانَ مُلْتَسِمًا

جَزَاكَ رَبُّكَ بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا (۲)

جابر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي ثُمَّ يَقُولُونَ: "اللَّهُ قَدَّ رَهَا عَلَيْنَا." الرَّأدُ عَلَيْهِمْ يَوْمَئِذٍ كَشَاهِرٍ سَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»

یعنی: «در آخر الزمان گروهی معصیت خدا را انجام می دهند و می گویند: "خدا این چنین برای ما تقدیر نموده است." سپس فرمود: «پاداش کسی که سخن آنان را ابطال نماید، همانند پاداش کسی خواهد بود که شمشیر خود را برای جهاد در راه خدا آماده کرده باشد.» (۳)

کتابه های مردم آخر الزمان

رسول خداصلی الله علیه وآله در سال حجّه الوداع در کنار کعبه خطبه ای خواند و در آن خطبه به طور مشروح، نشانه های آخر الزمان را بیان نمود؛ یکی از آنها این بود که فرمود: «وَإِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ السُّوقَ فَلَا يَرَىٰ أَهْلَهُ إِلَّا ذَامًا لِرَبِّهِمْ، هَذَا يَقُولُ: لَمْ أُنْبِغْ، وَهَذَا يَقُولُ: لَمْ أَرِيعْ شَيْئًا، فَعِنْدَهَا يَمْلِكُهُمْ قَوْمٌ، إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ، وَإِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُوهُمْ، يَسِفُكَونَ دِمَاءَهُمْ وَيَمْلِئُونَ قُلُوبَهُمْ رُعبًا، فَلَا يَرَاهُمْ أَحَدٌ إِلَّا خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ ...» (۴)

ص: ۱۱۸

۱- (۲۹۰) اسراء / ۲۳.

۲- (۲۹۱) رسائل المرتضى: ۲ / ۲۴۲.

۳- (۲۹۲) همان.

۴- (۲۹۳) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۳.

یعنی: «در آخر الزمان اگر کسی وارد بازار شود به هیچ کاسبی برخورد نمی کند جز این که [او از خدای خود شاکی است و] می گوید: "چیزی نفروخته ام و یا سودی نبرده ام." در چنین زمانی حکامی بر آنان مسلط خواهند شد که اگر سخن [از مشکلات خود] بگویند آنان را می کشند و اگر سکوت کنند خون آنان را مباح می دانند و همواره حکام، آنان را می کشند و وحشت سختی برای آنان ایجاد می کنند و همه آنان در حال ترس و اضطراب به سر می برند.»

مؤلف گوید: بیشتر نارضایتی های مردم آخر الزمان همان گونه که اکنون در جامعه ما دیده می شود نارضایتی از مسائل اقتصادی و مالی است و روایت فوق نیز از همین معنا خبر داده است، گرچه گلایه ها و نارضایتی های مردم از مسائل حکومتی نیز زیاد است و این در همه زمان ها وجود داشته است، از این رو، خداوند در آیه شریفه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۱) به پیامبر خود صلی الله علیه و آله می فرماید: «به پروردگارت سوگند این مردم ایمان نخواهند داشت تا این که در مسائل حکومتی و اختلافات خود حاکمیت تو را بپذیرند و سینه های آنان از قضاوت و حکومت تو تنگ نشود و در مقابل [حکم خدا و] رسول خدا صلی الله علیه و آله کاملاً تسلیم باشند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر مردمی خدا را به یگانگی پرستش کنند و نماز بخوانند و زکات بدهند و به حج خانه خدا بروند و ماه رمضان روزه بگیرند و سپس نسبت به کاری که خدا و یا رسول او صلی الله علیه و آله انجام داده است گلایه ای داشته باشند و بگویند: چرا جز این انجام نشد؛ و یا در باطن خود چنین گلایه ای را داشته باشند مشرک خواهند بود [به شرک افعالی].»

سپس امام صادق علیه السلام آیه فوق را تلاوت نمود و فرمود: «بر شما باد به تسلیم.» (۲)

در کتاب احتجاج طبرسی حدیث مفصّلی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که در

ص: ۱۱۹

۱- (۲۹۴) نساء / ۶۵ .

۲- (۲۹۵) تفسیر نور الثقلین: ۱ / ۵۱۱ .

بخشی از آن امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «این چنین نیست که هر کس اقرار به توحید و نبوت نمود و شهادتین گفت مؤمن باشد؛ چرا که منافقین [در صدر اسلام] شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول خداصلی الله علیه و آله می دادند در حالی که سفارشات رسول خداصلی الله علیه و آله را در مورد مسائل امامت که از ناحیه خداوند بر آن حضرت نازل شده بود انکار می کردند و در باطن نسبت به آن کراهت داشتند و پیمان هایی که آن حضرت از آنان در مورد امامت و خلافت گرفته بود نقض می کردند [و می گفتند: اگر او از دنیا برود ما نخواهیم گذارد علی بن ابی طالب جانشین او باشد]، و خداوند درباره آنان فرمود:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۱)». (۲)

از این رو، امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (۳) به کامل تمار فرمود: «آیا می دانی مؤمنین کیانند؟» کامل می گوید: «گفتم: شما داناترید.» فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُسْلِمُونَ.» یعنی: «رستگاران مؤمنینی که اهل تسلیم باشند.»

سپس فرمود: «مؤمنین اهل تسلیم همان برگزیدگان [خدا] هستند، و مؤمن غریب است و خوشا به حال مؤمنان غریب.» (۴)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ سِرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمِلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلْ: الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلُ آلِ مُحَمَّدٍ فِيمَا أَسْرُوا وَ مَا أَعْلَنُوا وَ فِيمَا بَلَّغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغَنِي.» (۵)

یعنی: «کسی که دوست می دارد دارای کمال ایمان باشد بگوید: سخن من در تمام چیزها سخن آل محمدعلیهم السلام است و من نسبت به آنچه آنان بیان کرده اند و یا بیان نکرده اند و آنچه از آنان به من رسیده و یا نرسیده است تسلیم هستم.» (۶)

ص: ۱۲۰

۱- (۲۹۶) نساء / ۶۵ .

۲- (۲۹۷) تفسیر نور الثقلین: ۱ / ۵۱۲ .

۳- (۲۹۸) مؤمنون / ۱ .

۴- (۲۹۹) کافی: ۱ / ۳۹۱ .

۵- (۳۰۰) همان .

۶- (۳۰۱) احتجاج: ۲ / ۳۱۷ .

و أنا أقول: «و الحق ما رضيتموه و الباطل ما أنكرتموه و المعروف ما أمرتم به و المنكر ما نهيتم عنه.»

اکنون به سخنان معصومین علیهم السلام درباره رضایت از تقدیرات و قضای الهی توجه می کنیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ایمان چهار پایه دارد: ۱- رضا و خشنودی از قضای الهی، ۲- توکل بر خداوند، ۳- تفویض و واگذار نمودن کارها به خداوند، ۴- تسلیم امر خداوند بودن.»^(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «در یکی از سفرهای رسول خداصلی الله علیه و آله عده ای به آن حضرت برخورد نمودند و بر او سلام کردند، پس رسول خداصلی الله علیه و آله به آنان التفات نمود و فرمود: "شما چگونه مردمی هستید؟" گفتند: "ما اهل ایمان می باشیم." رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: "حقیقت ایمان شما چیست؟" گفتند: "رضای به قضای خدا، و تسلیم امر او بودن، و واگذار نمودن کارها به او." رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: "اینان علما و دانشمندان و حکما هستند و نزدیک است که از جهت حکمت به پیامبری برسند." سپس به آنان فرمود: "اگر شما در آنچه گفتید راستگو هستید، بنایی که نیاز به آن ندارید را بنا نکنید، و مالی را که نمی خورید جمع نکنید، و از خدایی که بازگشت شما به اوست بترسید."^(۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بهترین هم نشین و مونس انسان، رضای به قضای الهی است.»^(۳)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند به موسی علیه السلام وحی نمود: "ای موسی! هیچ وسیله ای برای تقرّب به من بهتر از رضای به قضای من نیست."^(۴)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «راضی بودن از مکروه قضا از بالاترین درجات

ص: ۱۲۱

۱- (۳۰۲) کافی: ۲ / ۵۶.

۲- (۳۰۳) خصال / ۱۴۶.

۳- (۳۰۴) حکم نهج البلاغه، شماره ۴.

۴- (۳۰۵) شرح اصول کافی: ۱ / ۲۲۲.

امام حسن علیه السلام درباره رضای به قضای الهی می فرماید: «چگونه مؤمن می تواند مؤمن باشد در حالی که از قضای الهی خشم دارد و منزلت خدای خود را ناچیز می پندارد؟! در حالی که حاکم بر او خداست؟»

سپس امام حسن علیه السلام فرمود: «من برای کسی که در قلب خود جز رضای به قضای الهی یافت نمی شود ضمانت می کنم که او هر چه از خدا بخواهد خدا به او بدهد.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند می فرماید: "هر کس به قضای من راضی نباشد، و بر نعمت های من شاکر نباشد، و بر بلای من صابر نباشد، باید برای خود پروردگار دیگری برگزیند."» (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای دنیای خود اندوهگین باشد بر خدای خود خشم نموده است، و کسی که از مصیبتی که بر او وارد شده شکوه کند، در حقیقت از خدای خود شکوه نموده است.» (۴)

و نیز خداوند می فرماید: «من همه چیز را اندازه گیری کردم و تدبیر نمودم و ساختار هر چیزی را محکم نمودم، پس هر کس به تقدیر من راضی باشد من از او خشنود خواهم بود تا مرا ملاقات کند، و هر کس از تقدیر من خشم داشته باشد خشم من بر او خواهد بود تا مرا ملاقات کند.» (۵)

برداشته شدن برکت در آخر الزمان

از نشانه های آخر الزمان برداشته شدن برکات است؛ چرا که برکت همراه با تقوا و اطاعت خداوند می آید و هنگامی که گناه و بی تقوایی فراوان شود، برکات

ص: ۱۲۲

۱- ۳۰۶) مستدرک سفینه: ۸ / ۵۴۰ .

۲- ۳۰۷) صحیفه الإمام الحسن علیه السلام / ۳۴۲ .

۳- ۳۰۸) اقتصاد شیخ طوسی / ۵۵ ، دعوات راوندی / ۱۶۹ .

۴- ۳۰۹) دعوات راوندی / ۱۶۹ .

۵- ۳۱۰) تحفه السّیّئه / ۶۵ .

برداشته خواهد شد، و به تعبیر دیگر خداوند مزید نعمت خود را همراه با شکر نموده و می فرماید: «... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (۱).

رسول خداصلی الله علیه و آله یکی از نشانه های آخر الزمان را بی برکتی معرفی نموده و می فرماید: «فَعِنْدَهَا تُرْفَعُ الْبَرَكَهَ وَ يُمَطَّرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ...» (۲).

یعنی: «در آخر الزمان [هنگامی که مردم بی تقوا و اهل گناه می شوند،] برکت از آنان برداشته می شود و باران در غیر فصل خود می بارد و...»

از قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که برکت و بی برکتی اسباب و عللی دارد، و اسباب برکت چند چیز است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- تقوای دینی؛ چنان که خداوند می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» (۳). یعنی: «اگر اهل روستاها [و گناهکاران] ایمان و تقوا می داشتند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم.»

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «خداوند به یکی از پیامبران خود وحی نمود: "هنگامی که تو [از من] اطاعت کنی، من خشنود می شوم، و هنگامی که من خشنود شوم [برای تو] برکت می فرستم، و برکت من نهایت ندارد.» (۴)

۲- برکت در تجارت حلال؛ رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «برکت ده جزء است و نه جزء آن در تجارت [حلال] است.» (۵)

۳- برکت در عدالت؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «با عدالت، برکات فراوان می شود.» (۶)

۴- برکت در رفق و مدارای با مردم؛ رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «سازش و مدارای با

ص: ۱۲۳

۱- (۳۱۱) ابراهیم / ۷.

۲- (۳۱۲) مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۳۷۱.

۳- (۳۱۳) اعراف / ۹۶.

۴- (۳۱۴) میزان الحکمه: ۱ / ۲۵۶.

۵- (۳۱۵) همان، بحار الأنوار: ۱۰۳ / ۵ - ۱۳.

۶- (۳۱۶) غرر الحکم / ۴۲۱۱.

مردم نصف ایمان است و ارفاق و گذشت از آنان نصف آسایش است.»(۱)

۵- برکت در میهمان داری؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که مؤمنی را میهمانی بکند، و یا احسانی به او بنماید و یا حاجتی را از او برآورده نماید، بر خداوند است که در بهشت خادمی برای او قرار دهد.»(۲)

۶- برکت در سهل معامله بودن(۳)؛ و عن النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا سَمِيحًا قَاضِيًا وَ سَمِيحًا مُقْتَضِيًا.»(۴) یعنی: «خدا رحمت کند بنده ای را که در معامله و دادن و گرفتن سخت گیر نباشد.»

۷- برکت در امر به معروف و نهی از منکر و تعاون در کارهای خیر؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همواره امت من در خیر و برکت می باشند تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و تعاون بر نیکی و کارهای خیر داشته باشند و اگر چنین نکنند، برکات از آنان گرفته می شود، و بر یکدیگر سلطه پیدا می کنند و یآوری نخواهند داشت، نه در زمین و نه در آسمان.»(۵)

۸- برکت در پیروی از اهل البیت علیهم السلام؛ در زیارت جامعه و در روایات فراوانی آمده که پیروی و اطاعت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سبب برکات بی شماری می شود، بلکه همه خیر و سعادت در آن خواهد بود.(۶)

۹- برکت در صلح رحم؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هنگامی که قطع رحم نمایید، اموال در دست اشرار قرار خواهد گرفت.»(۷)

اسباب بی برکتی نیز چند چیز است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- بی تقوایی؛ چنان که خداوند می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا

ص: ۱۲۴

۱- (۳۱۷) کافی: ۲ / ۱۱۷.

۲- (۳۱۸) رساله سعدیه / ۱۶۳.

۳- (۳۱۹) شرح لمعه: ۳ / ۲۹۰.

۴- (۳۲۰) مستدرک الوسائل: ۱۳ / ۲۸۴.

۵- (۳۲۱) مقنعه شیخ مفید / ۸۰۸، وسائل الشیعه: ۱۱ / ۳۸۹ بابتی از ابواب امر به معروف.

۶- (۳۲۲) شرح اصول کافی: ۹ / ۴۱۷.

۷- (۳۲۳) شرح کافی ملا صالح: ۹ / ۴۱۷.

لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱). یعنی: «اگر اهل قریه ها [و گنهکاران] ایمان و تقوا می داشتند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم و لکن آیات و وعده های ما را تکذیب نمودند و ما آنان را به واسطه اعمال ناپسند و گناهانشان گرفتیم.» (۲)

۲- چهار چیز سبب بی برکتی می شود؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «چهار چیز سبب بی برکتی و خرابی می شود: ۱- خیانت، ۲- سرقت، ۳- شراب خواری، ۴- زنا.» (۳)

۳- حرام برکت را می برد؛ امام کاظم علیه السلام به داود صرمی فرمود: «حرام رشد نمی کند و اگر بکند، برکت در آن نیست و کسی که مال حرام را انفاق کند، پاداشی ندارد و اگر باقی گذارد و بمیرد، توشه جهنم و دوزخ او خواهد بود.» (۴)

۴- جنایت و ظلم برکت را می برد؛ امام متقین علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که جنایات آشکار شود، برکات برطرف می شود.» (۵)

۵- سوگند زیاد به ویژه سوگند دروغ؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «وای بر تاجر از گفتن: لا والله و بلی والله.» (۶)

ص: ۱۲۵

۱- (۳۲۴) اعراف / ۹۶.

۲- (۳۲۵) میزان الحکمه: ۱ / ۲۵۶.

۳- (۳۲۶) همان / ۲۵۷.

۴- (۳۲۷) کافی: ۵ / ۱۲۵.

۵- (۳۲۸) غرر الحکم / ۴۰۳۰.

۶- (۳۲۹) شرح لمعه: ۳ / ۲۹۰.

خطبه غدیر

اشاره

ص: ۱۲۷

همان گونه که قبلاً وعده دادیم، برای نجات از فتنه های آخر الزمان، توجه به خطبه غدیر بسیار لازم است؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان این خطبه راه نجات از فتنه های آخر الزمان را برای امت خود تمسک به قرآن و اهل بیت خویش بیان فرموده است، از سویی در پایان این خطبه آمده «فلیبلغ الشاهد الغائب و الوالد الولد إلى يوم القيامة»، یعنی: «جمعیت حاضر باید این سخنان را به غائبین برسانند و هر پدری نیز تا قیامت باید این سخنان را به فرزندان خود ابلاغ نماید، از این رو، ما متن خطبه غدیر را با اعراب و ترجمه روان فارسی در پایان این کتاب قرار دادیم به امید آن که دوستداران خاندان نبوت علیهم السلام از آن استفاده نمایند و ما نیز به وظیفه خود عمل کرده باشیم و چون در خطبه غدیر مسأله ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت مطرح شده است، ناچاریم اشاره ای به سند این خطبه نیز داشته باشیم.

پرسی های بی پاسخ مانده

(۱) تردیدی نیست که خداوند پیامبر خود صلی الله علیه و آله را در آخرین سال رسالت و زندگی

ص: ۱۲۹

۱ - ۳۳۰) بشارات الغدیر فی ولایه الأَمیر علیه السلام قال اللهُ سبحانه: اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً. (مائده / ۳) اقول: و نختم الكتاب بأحسن البشارات و أجمع الکلام فی بیان حقیقه الإسلام و الإیمان و ما یوجب النّجاه فی الدّنيا و المعاد و ممّا أوصی به النّبیّ صلی الله علیه و آله جمیع الأمّة فی جمیع الأزمان و أوجب صلی الله علیه و آله علیهم أن یبلغه الحاضر الغائب و السابق اللّاحق و الوالد المتولد إلى يوم القيامة و هو الخطبه الغدیریّه المعروفه الّتی أجمع الفریقان فی نقلها و ضبطها و هی الحجّه البالغه علی من أنکر إمامه أئمّه أهل البيت علیهم السلام و ولایتهم علی المؤمنین و إليك متنها مع التّرجمه الفارسیّه و أرجو من الله التّوفیق لنشرها بین الأمّة الإسلامیّه و لاحول و لاقوه اللّا بالله العلیّ العظیم.

او با فرستادن آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» مأمور به تبلیغ ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام نمود و طبق نقل متواتر و مسلمی که شیعه و سنی با سندهای قطعی و فراوانی در کتب خود آورده اند، آن حضرت، در سال دهم هجری که سال حجّه الوداع نامیده شد، در روز هیجدهم ذی حجّه، در بازگشت از حج، در منطقه جحفه، در محلی به نام غدیر خم، مردم را در وسط روز به امر خداوند بین راه نگه داشت و خطبه مفصّلی را که همگان نقل کرده اند ایراد نمود و امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان امام و ولی امر مسلمانان بعد از خود معرفی کرد. در آن خطبه، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله صلاح امت اسلامی و اسباب نجات آنان را تا قیامت روشن نمود و حاضران را - که جمعیتی بیش از دوازده هزار نفر بودند - مأمور نمود تا سخنان او را به دیگران منتقل نمایند. خطبه آن حضرت در آن روز بی سابقه و بسیار مفصل و حاوی بسیاری از معارف اسلامی بود و چون این خطبه در محلّ غدیر خم ایراد گردید معروف به خطبه غدیریّه شد.

(۱) همان گونه که در کتاب «آیات الفضائل» ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ

ص: ۱۳۰

۱ - ۳۳۱) و قد ألهمت ذلك في يوم ولادته مولاي أمير المؤمنين و سيد الوصيين و إمام المتقين و أبي الأئمة الطاهرين عليهم أفضل صلوات المصلين. و قد نقل هذه الخطبة صاحب الإحتجاج في ج ۱/۷۹ و المجلسي في البحار في ج ۳۵/۲۷۹ و ج ۳۷/۱۳۱ و النيشابوري في روضه الواعظين في ص ۹۶ و صاحب مجمع الزوائد في ج ۹/۲۱۱ و المصنّف عبدالرزاق في ج ۳/۴۱۱ و صاحب معجم الكبير في ج ۲۲/۳۹۹ و غيرهم من علماء الفريقين مثل علي بن يوسف الحلّي في العدد القويّه ص ۱۶۹ و ابن جبر في نهج الايمان ص ۹۲ و الفيض الكاشاني في تفسير الصّافي في ج ۲/۵۶ و ابن طاووس في اقبال الأعمال في ج ۲/۲۴۵ و غيرهم من أكابر الفريقين و قد افرد العلّامة الأميني كتاباً في شرح هذه الخطبه سماه «الغدیر».

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» و آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» به طور مفصّل بیان گردیده است، بزرگان علمای شیعه و سنی، مانند طبرسی، در کتاب احتجاج، و نیشابوری در کتاب روضه الواعظین، و علامه مجلسی در بحار و علی بن یوسف حلّی در «العدد القویه» و فیض کاشانی در تفسیر صافی، و ابن جبیر در نهج الایمان، و ابن طاووس در اقبال الأعمال و دیگران از علمای فریقین، در کتب خود، این خطبه را نقل نموده اند.

علامه امینی در کتاب شریف الغدیر، راویان و ناقلین این خطبه را به طور مفصّل ذکر نموده و نام کتاب هایی را که علمای سنی این خطبه را در آن ها آورده اند را نیز یاد کرده که حقاً برای احدی جای عذری باقی نگذارده است و تاکنون هیچ یک از علمای سنی پاسخی به آن نداده اند، بلکه بسیاری از آنها از اصل کتاب الغدیر تعریف و از مؤلف بزرگوار آن تقدیر نموده اند.

(۱) هدف این حقیر ناچیز در این کتاب این است که این خطبه با ترجمه روان فارسی در اختیار خوانندگان قرار گیرد تا با مطالعه کامل آن، حقیقت را بیابند و ایمان و ارادت آنان نسبت به خاندان نبوت قوی تر گردد و قدرت پاسخ به مطالب بی اساس پیروان مذاهب اربعه را در مساله ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان آن

ص: ۱۳۱

۱- (۳۳۲) و أحصى رحمه الله في هذا الكتاب رواه هذه الخطبه و ناقلها من الخاصه و العامه وعدّ عدّه كثيره من كتب العامه التي نقلت هذه الخطبه فيها و أوضح في كتابه كلّ شيءٍ حول هذه الخطبه و ألزم المخالفين التاركين لولايه أميرالمؤمنين و أولاده الطاهرين عليهم السلام بأحسن البيان و أتمّ الحجّه عليهم بما كان في كتبهم مسطوره مضبوطه و ظنّي أنّه الحجّه البالغه في البيان و لم يستطع لردّه علمائهم في طول الزمان ولا يستطيعون لذلك مع تمام جهدهم إلى يوم المعاد و كان لي سؤلات عن علمائهم في مدى الزمان و لم يجيبوني إلى الآن و لن يجيبوني إلى آخرالزمان و هي هذه:

حضرت علیهم السلام داشته باشند و سؤالات ذیل را در مقابل آنان مطرح و از آنان مطالبه پاسخ نمایند. نگارنده خود چندین مرتبه چنین سؤالاتی را در مقابل اهل تسنن مطرح نموده ام و تاکنون از احدی از آنان پاسخ صحیحی دریافت نکرده ام، از آنان سؤال کنید:

(۱) ۱- برای چه فاطمه زهرا علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت نمود تا قبر او را پنهان نماید و بدن او را شبانه دفن کند و اولی و دومی را از حضور در مراسم او مطلع نسازد و آنان بر جنازه او نماز نخوانند؟ در حالی که او معصومه و مطهره بود و خداوند درباره او و پدر و شوهر و فرزندان او امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؟

(۲) ۲- با در نظر گرفتن آیه شریفه «يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» و روایتی که شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که فرمود: «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیه»، هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام از دنیا رحلت نمود امام او که بود؟

(۳) ۳- با توجه به صحّت و تواتر قطعی حدیث غدیر و منزلت و ثقلین و حدیث دار و... خلافت اولی و دومی و سومی چگونه قابل توجیه است؟

(۴) ۴- آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول حیات خود درباره غیر امیرالمؤمنین علی بن

ص: ۱۳۲

۱- (۳۳۳) ۱- أقول لهم: لماذا أوصت فاطمة عليها السلام بخفاء قبرها و منعت الشيخين و أتباعهما عن الحضور لدفنها و الصلاة عليها و هي الطاهرة المطهرة التي قال الله في شأنها: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؟

۲- (۳۳۴) ۲- من هو الإمام لفاطمه المعصومه المطهرة التي رضاها رضا الله و سخطها سخط الله حين خرجت من الدنيا و أنتم تروون عن النبي صلى الله عليه و آله أنه قال: من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة الجاهلية و قال الله سبحانه في كتابه: «يوم يُدْعَى كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»؟!

۳- (۳۳۵) ۳- ما معنى حدیث الغدير و المنزله و الثقلین و الدار و...؟!

۴- (۳۳۶) ۴- هل أخبر النبي صلى الله عليه و آله في حياته بأن علم القرآن و الحلال و الحرام و السنن و الأحكام كلها عند فلان كما أخبر بأنها عند علي عليه السلام و إنه مع الحق و الحق معه حيثما دار و أنه مع القرآن و القرآن معه؟!

ابی طالب علیه السلام و فرزندان اوعلیهم السلام فرموده است که او دارای علم جمیع قرآن و حلال و حرام و سنن و احکام اسلام است و یا او با حق است و حق با اوست و حق برمدار او می گردد و یا قرآن با اوست و او با قرآن است؟

(۱) ۵- آیا پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام کسی بوده است که عالم به جمیع معارف اسلام و علوم قرآن و حلال و حرام باشد، و ناسخ و منسوخ قرآن و باطن و تأویل آن را بداند و به اسرار احکام خداوند و جمیع علوم بشری و لغات و زبان های گوناگون بلکه به زبان حیوانات آشنا و از حوادث گذشته و آینده مطلع باشد؟

(۲) ۶- با توجه به مطالب گذشته و اعتراف خلیفه اول و دوم و سوم به ناآگاهی خود در بسیاری از احکام الهی و ناتوان ماندن آنان از پاسخ به سؤالات مسلمین و شبهات و سؤالات اهل کتاب و مذاهب مختلف و تصریح اولی در هنگام ناتوانی به این که «مرا رها کنید، من بهتر از شما نیستم، در حالی که علی بن ابی طالب علیه السلام بین شماست» و تصریح دومی بیش از هفتاد مرتبه به این که «اگر علی علیه السلام نمی بود من هلاک می شدم» و در یک سخن با عدم توان آنان نسبت به تحمل بار امانت الهی که

ص: ۱۳۳

۱- (۳۳۷) ۵- هل كان بعد النبي صلى الله عليه وآله أحد يعرف جميع معالم الدين و علوم القرآن و الحلال و الحرام و ناسخ القرآن و منسوخه و باطن القرآن و تأويله و أسرار الأحكام و بواطنها و جميع العلوم و اللغات و اسرار التباس و ما بطنوا و ما أعلنوا و الحوادث الماضيه و الآتيه غير علي بن ابی طالب علیه السلام!؟

۲- (۳۳۸) ۶- فبأي دليل (غير حب الدنيا و الرياسة و الجهالة و النفاق و اتباع السلف و ...) قدّمتم الشيخين علي من هو أفضل منهما مع اعترافهما بجهلتهما و عجزهما عن تحصيل ما عرضه الله على السماوات و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و حملها الإنسان إنّه كان ظلوماً جهولاً- ومع قول الأوّل: «أقيلوني أقيلوني لست بخيركم و علي فيكم» و قول الثانی غير مرّه: «لولا- علي لهلك عمر»!؟

خداوند بر آسمان ها و زمین عرضه نمود و آنان از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند، چگونه می توان کفایت و قابلیت آنان را برای منصب امامت و رهبری مسلمین پذیرفت؟

(۱) ۷- با توجه به آنچه گفته شد، چگونه می توان خسارت های ناشی از نادانی های آن سه نفر را نسبت احکام الهی و تبدیل و تغییر احکام و بدعت های فراوانی که در دین خدا وارد نموده اند و تضييع حقوق آل پیامبر صلی الله علیه و آله توسط آنان و آزارها و تبعیدها و قتل هایی که به دنبال آن نسبت به پیروان آنان انجام گرفته و فسادها و فتنه هایی که ایجاد شده است را نادیده گرفت، جز آن که طبق مثل معروف بگوییم: «حَبَّ الشَّيْءِ يَعْصِمُ وَيَصْمُ»؟

البته این یک واقعیت است که دوستی ها بسا انسان را کور و کر می کند و حقایق را نمی بیند و نمی شنود و این نیز یک واقعیت است که دو محبت در یک دل قرار نمی گیرد، یعنی در قلبی که محبت خوبان و دوستان خدا قرار گرفته باشد محبت دشمنان خدا قرار نمی گیرد و در قلبی که محبت دشمنان خدا قرار گرفته باشد محبت دوستان خدا قرار نمی گیرد [ما جَعَلَ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ].

می توان گفت که یکی از علت هایی که مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، با وجود توضیحات روشنی که آن حضرت درباره خلافت بعد از خود فرموده بودند، علی

ص: ۱۳۴

۱- (۳۳۹) ۷- و لما ذا أغمضتم عن جهل الشَّيْخِينِ بِأَحْكَامِ اللَّهِ و عَمَّا ضَيَّعُوا و بَدَّلُوا و أَبْدَعُوا و خَرَّبُوا مِنْ دِينِ اللَّهِ و حَقُوقِ أَوْلِيَاءِهِ و مَا ظَلَمُوا عَلَى آلِ الرَّسُولِ و أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و مَا اسْتَسْوَأَ مِنْ بَنِيانِ الظُّلْمِ و الفِسادِ و تَخْرِيْبِ الدِّينِ و قَتْلِ أَوْلَادِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟! نَعَمْ إِنَّ الْحَبَّ يَعْصِمُ و لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ و قَدْ قَتَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ آبَاءَ أَسْلَافِكُمْ و إِخْوَانَهُمْ و أَبْنَاءَهُمْ فَأُودِعَ فِي قُلُوبِ أَسْلَافِكُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً و خَيْبَرِيَّةً و حَنِيتِيَّةً و غَيْرَهُنَّ فَأُضْبِتْ أَعْدَاءَهُ عَلَى عِدَاوَتِهِ و أَكْبِتْ عَلَى مَنَابِدَتِهِ و اقْتَصَوْا مِنْهُ بِقَتْلِ أَوْلَادِهِ و تَشْرِيْدِهِمْ و مَنَعَهُمْ عَنْ حَقِّهِمْ فَلَمَّا عَمُوا عَنِ الْأَقْرَارِ بِفَضْلِهِمْ مَنَعَهُمُ اللَّهُ عَنْ فَيْضِ وَلايَتِهِمْ فَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتِهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً و عُلُوّاً و مَقَالَتِكُمْ الْآنَ مَقَالَهِ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّا وَجَدْنَا أَبَائَنَا عَلَى هَذَا و إِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مَهْتَدُونَ!؟

بن ابی طالب علیه السلام را نپذیرفتند، مساله کینه هایی بود که از او در دل داشتند، چرا که آن حضرت در جنگ های صدر اسلام، تعداد فراوانی از پدران و اقوام آنان را کشته بود. از این رو، مایل نبودند که امامت و رهبری مسلمین در دست او باشد. به همین جهت عمر می گفت: «نباید نبوت و خلافت در یک خانواده جمع شود.»

عجیب این است که اهل سنت، بالأخص علمای آنان، این حقایق را می دانند و راضی نمی شوند از اعمال و اعتقادات پدران خود دست بردارند و همانند مشرکان - که قرآن دیدگاهشان را بیان نموده - می گویند: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ هَذَا وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»، پذیرای منطق و استدلال نیستند بلکه بعضاً آن را حرام می دانند.

(۱) البته این مسأله همچنان وجود خواهد داشت تا آخرین جانشین رسول خداصلی الله علیه و آله، حضرت بقیه الله علیه السلام، قیام کند و زمین را از ظلم و ستم پاک نماید، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. از خداوند عصمت و عافیت در دین و ایمان و توفیق بر انجام وظایف خود را خواستاریم.

اکنون متن خطبه غدیر را همراه با ترجمه فارسی تقدیمتان می کنیم.

ص: ۱۳۵

۱- (۳۴۰) كَلَّمَا تَمَّ كَلَّمَا مِنْهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا وَلَا يَهْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادَهُ الطَّاهِرِينَ وَقَدْ مَلَأَتْ قُلُوبَهُمْ مَحَبَّةَ الْعَجَلِ وَالسَّامِرِيِّ حَتَّى يَأْتِيَ وَعَدَّ اللَّهُ وَيُظْهِرُ وَلِيَّهُ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا لَأَرْضِ قَسَطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا نَسَأَلُ اللَّهَ الْعِصْمَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالتَّوْقِيقَ لِمَا يَحِبُّ وَيَرْضَىٰ وَ لَهُ الْحَمْدُ أَوَّلًا وَ آخِرًا. وَ إِلَيْكَ خُطْبَةُ الْغَدِيرِ وَ هِيَ خَيْرُ خَتَامٍ وَ أَحَدٌ حَسَامٍ عَلَيْهِمْ وَ فِيهَا أَحْسَنُ الْبَشَارَاتِ وَ أَعَزُّهَا لِلْمُؤْمِنِينَ الْمَوَالِينَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادِهِ الطَّاهِرِينَ حَيْثُ أَكْمَلَ اللَّهُ دِينَهُ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ أَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا بَوْلَايَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَوَاتِ الْمَصْلِينَ. فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» وَ قَدْ اشْبَعْنَا الْكَلَامَ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ آيَةِ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ فِي كِتَابِنَا «آيَاتُ الْفَضَائِلِ» فَلْيَرِاجِعِ الطَّالِبُ.

۱- حمد و ستایش پروردگار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ستایش پروردگاری را سزااست که او در یکتایی و یگانگی فراتر از آفریدگان خویش می باشد و به اسرار آنان نزدیک و سلطنت و قدرت او بر آنان عظیم و در اداره امور آفریدگان خود توانا و به اسرارشان دانا و در همه جا حاضر و ناظر و به همه چیز عالم و محیط است. و همه آفرینش مقهور قدرت و برهان اوست.

او بزرگی است ازلی (که آغازی برای او نیست) و ستوده ای است که زوال و فنا ندارد. او آفریننده آسمان ها و گستراننده جهان آفرینش و فرمانروای زمین و آسمان هاست. او منزّه [از هر عیب] و مقدّس از هر پلیدی است. او پروردگار فرشتگان و روح [القدس] است. فضل و رحمت او بر همه آفریدگانش جاری است، او همه مخلوقات خود را می بیند، در حالی که چشم ها او را نمی بینند.

(۱) او بخشنده و بردبار و صاحب کرم است. رحمت او همه چیز را فراگرفته و با نعمت های خویش بر بندگانش منت نهاده است. او در انتقام از متمرّدین و معصیت کاران شتاب نمی ورزد. و در مؤاخذه گنهکاران به آنچه سزاوار آن هستند

ص: ۱۳۶

۱- (۳۴۱) خطبه رسول الله صلى الله عليه وآله في الغدير: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ الَّذِي عَلَّمَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَى فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظَّمَ فِي أَرْكَانِهِ وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يَزَالُ بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَذْحُوتَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِ وَ السَّمَوَاتِ سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ يَلْحِظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْاهٍ قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ

شتاب نمی کند و در عذاب آنان تعجیل نمی نماید.

(۱) او به اسرار و باطن مردم آگاه و داناست و چیزی بر او پنهان نیست. علم او به همه چیز احاطه دارد و او بر هر چیز غالب و قاهر و قادر است. او مثل و مانندی ندارد و همه چیز را از عدم به وجود آورده و برپاکننده قسط و عدالت است. پروردگاری جز ذات مقدس عزیز و حکیم او نیست. او برتر از آن است که دیدگان خلائق ذات مقدسش را ببینند. [آری] اوست که لطیف و خبیر است و چشم ها را می بیند [و بر اندیشه های مردم آگاه است].

(۲) احدی صفات او را مشاهده نخواهد نمود و ذات او را درک نخواهد کرد و کسی جز به آنچه او ذات خود را به آن معرفی نموده است نمی تواند او را توصیف نماید.

گواهی می دهم که او خدایی است که ذات مقدسش عالم را احاطه نموده و نور جمالش همه آفرینش را فرا گرفته و امر و تقدیر او در همه چیز نافذ است و نیازی به

ص: ۱۳۷

۱- (۳۴۲) لَا يُعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الصَّمَائِرَ وَلَمْ يَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ وَهُوَ مُشْتَبَهُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصِيفَهُ مِنْ مُعَايَنِهِ وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

۲- (۳۴۳) وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ وَالَّذِي يُغَشِّي الْأَبَدَ نُورَهُ وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ وَلَا تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنَ الصَّنِيعَةَ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَالْأَكْرَامُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَالِكُ الْأَمْلاكِ وَمُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مَسِيٍّ يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمُهْلِكٌ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

مشاور و شریک ندارد. و خللی در تدبیر او یافت نمی شود.

(۱) او خدای یگانه و پروردگار با عظمتی است که آنچه بخواهد انجام می پذیرد و آنچه اراده کند موجود می شود. او به ذرات عالم آگاه و به شماره آنها داناست. اوست که می میراند و زنده می کند و اوست که تهی دست می کند و یا بی نیاز می نماید. و اوست که می خداند و می گریاند و دور می کند و نزدیک می نماید و عطا می کند و محروم می نماید. قدرت و سلطنت و حمد و ستایش مخصوص اوست. هر چیزی مقهور قدرت اوست و او بر همه چیز قادر و تواناست.

اوست که روز را شب و شب را روز می گرداند. پروردگاری جز او نیست. او صاحب عزت و بسیار بخشنده و اجابت کننده دعا و صاحب کرم و عطای فراوان است. آمار آفرینش به دست اوست و او آفریننده بهشت و مردم است. و چیزی بر او پوشیده نیست. او از فریاد بیچارگان و اصرار درخواست کنندگان ملول نمی شود. و حافظ نیکوکاران و یار رستگاران و ولی نعمت جهانیان است. همه خلائق باید در حال آسایش و بلا و سختی و عافیت او را ستایش کنند و شکر گذار او باشند.

(۲) [سپس فرمود:] من به خدای خود ایمان دارم و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران او را تصدیق می نمایم. و امر او را می شنوم و از او اطاعت می کنم و بر انجام آنچه او را خشنود می کند سبقت می گیرم و تسلیم قضای او هستم. و به طاعت او راغب و از عقوبت او ترسانم. گنهکاران از مکر [و عقوبت ناگهانی] او

ص: ۱۳۸

۱- (۳۴۴) إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جَدُّ يَشَاءُ فَيُمِضُهُ وَيُرِيدُ فَيَقْضِي وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُفْقِرُ وَيُعْنِي وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي وَيُؤَدِّنِي وَيُقْضِي وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يُضْجِرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحْاحُ الْمُلْحِنَ الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ وَ الْمُؤَفَّقُ لِلْمُفْلِحِينَ وَ مَوْلَى الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ.

۲- (۳۴۵) وَ أَوْمَنُ بِهِ وَ مَلِكْتِهِ وَ كُتْبِهِ وَ رُسُلِهِ أَسْمِعْ أَمْرَهُ وَ أَطِيعْ وَ أَبَادِرْ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ اسْتَسْلِمْ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَ لَا يُخَافُ جَوْرَهُ أَفَرُّ لَهُ

ایمن (۱) نیستند و نیکوکاران نیز از ستم او هراسی ندارند. [و به فضل او امیدوارند].

۲- ابلاغ رسالت الهی

من به بندگی خدا اعتراف می‌کنم و به ربوبیت و خدایی او گواهی می‌دهم و آنچه را به من وحی نموده ابلاغ می‌نمایم؛ چرا که هراس دارم اگر چنین نکنم عذابی بر من فرود می‌آید که احدی - هرچند تدبیرش زیاد باشد - نتواند از آن جلوگیری کند پروردگاری جز خدای یگانه نیست و من از او هراس دارم؛ چرا که او به من اعلام نموده که اگر آیات او را به مردم ابلاغ نکنم رسالت خویش را انجام نداده‌ام. از سویی، او مرا وعده داده که در ابلاغ رسالتم آسیبی از سوی مردم به من نخواهد رسید. و او خدای کریمی است که مرا کفایت خواهد نمود پس [من می‌گویم که] خداوند به من چنین وحی نموده است.

بسم الله الرحمن الرحيم «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ...» [یعنی: ای پیامبر! آنچه را که از ناحیه پروردگارت بر تو نازل گردیده به مردم برسان و اگر چنین نکنی [به وظیفه] تبلیغ خود عمل نکرده‌ای و خداوند تو را از شر مردم حفظ خواهد نمود].

(۲) [سپس فرمود:] ای مردم! من هرگز در تبلیغ رسالت و آنچه از ناحیه خداوند بر من نازل شده کوتاهی نکرده‌ام و اکنون سبب نزول این آیه را برای شما می‌گویم. همانا جبرئیل علیه السلام سه مرتبه بر من نازل گردید و از طرف خداوند به من امر نمود که

ص: ۱۳۹

۱- (۳۴۶) عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ أُودِي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنَّ عَظَمَتَ حِيلَتِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ فَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

۲- (۳۴۷) مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيَّنٌّ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ

در این مکان به همه مردم - سیاه یا سفید - اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و وصی و خلیفه و امام پس از من خواهد بود و منزلت او نسبت به من [همانند] منزلت هارون نسبت به موسی است جز آن که پس از من پیامبری نخواهد بود.

(۱) سپس فرمود: ای مردم! علی بن ابی طالب پس از خدا و رسول او، ولی و صاحب اختیار شماست. و خداوند این حقیقت را در آیه ای از قرآن به من ابلاغ نموده و می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» [یعنی: ولی و صاحب اختیار شما، تنها، خدا و رسول او و آنانی هستند که ایمان آورده اند و نماز می گذارند و در حال رکوع زکات می دهند.] و علی بن ابی طالب علیه السلام بود که نماز گذارد و در حال رکوع زکات داد و انفاق نمود و در همه حالات در جستجوی رضای خدا بود.

من از جبرئیل علیه السلام درخواست نمودم تا مرا از ابلاغ این مسأله به شما معاف بدارد، زیرا می دانستم افراد شایسته و باتقوا در میان شما اندک، و افراد منافق و مفسد و گنهکارانی که به اسلام خیانت و استهزا می کنند فراوانند و خداوند آنان را در قرآن توصیف نموده و می فرماید: «آنان به آنچه به زبان می گویند ایمان ندارند و گمان می کنند این کار کوچکی است، در حالی که در پیشگاه خداوند بزرگ است.»

آنها مرا زیاد آزار نمودند تا آن اندازه که به من نسبت دادند که من هر سخنی را باور می کنم و به آن گوش فرامی دهم و این بدان سبب بود که علی بن ابی طالب

ص: ۱۴۰

۱- ۳۴۸) فَأَعْلَمَ كُلَّ أبيضَ وَ أسودَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وصِيَّي وَ خَلِيفَتِي وَ الإمامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هِرُونَ مِنْ مُوسَى إِلا أَنَّهُ لا- نَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَ لِيُكْمُ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ اتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَسْتَعْفِنِي لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِذْغَالِ الْمَآثِمِينَ وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّسْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَ كَثْرَةَ إِذَاهُمْ لِي غَيْرُ

همیشه ملازم من بود و من به او توجه می نمودم. [آنان به قدری به من آزار نمودند که (۱)] خداوند این آیه را بر من نازل نمود: «و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذن...» [یعنی: از ایشان کسانی هستند که پیامبر [ما] را می آزارند و می گویند: او گوش شده و به حرف هر کسی گوش فرا می دهد. به آنان بگو: گوش دادن پیامبر به حرف دیگران خیر شماسست. او به خدا ایمان دارد و گفته های مؤمنین را نیز تصدیق می کند.]

(۲) [سپس فرمود:] من اگر بخواهم نام منافقین را ببرم و آنان را به مردم نشان دهم می توانم، ولی به خدا سوگند، من درباره آنان بزرگواری نمودم، لکن اکنون خداوند از من راضی نمی شود، جز این که آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک...» را به مردم ابلاغ نمایم. [و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را به مردم برسانم.]

(۳) پس، ای مردم! بدانید که خداوند علی را بر شما ولی و امام قرار داده و اطاعت از او را بر مهاجران و انصار و تابعین و هر آشنا و غریب و هر عجم و عرب و حرّ و مملوک و کوچک و بزرگ و سیاه و سفید و هر موحدی واجب نموده و حکم او را مشروع و سخن او را مجاز و امر او را نافذ گردانیده است. کسی که با او مخالفت کند مورد لعنت خداست. و کسی که از او پیروی نماید مورد رحمت خداست و

ص: ۱۴۱

۱- (۳۴۹) مَرَّ حَتَّى سَمُونِي أُذُنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ: «و مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ»

۲- (۳۵۰) وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَ أَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَيْتُ وَ أَنْ أُدَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ وَ كُفِّلْتُ ذَلِكُ لَا- يُوضِّحُ اللَّهُ مِنِّي إِلْمًا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک» فی علی «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

۳- (۳۵۱) فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ، ماضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ

کسی (۱) که سخن او را تصدیق کند خداوند او و کسانی که آن سخن را از او می شنوند و اطاعت می کنند را می آموزد.

(۲) ای مردم! این آخرین جایگاهی است که من در این سفر برای شما سخن می گویم. پس سخنان مرا بشنوید و اطاعت کنید و به امر پروردگار خویش گردن نهید. همانا خدای عزوجل پروردگار و ولی نعمت و معبود شماست و پس از او رسول او، محمد [صلی الله علیه و آله] ولی شماست که اکنون برای شما سخن می گوید و پس از من علی [علیه السلام] به امر پروردگارتان ولی شما می باشد و پس از او تا قیامت امامت، حق ذریه من و فرزندان علی [علیه السلام] خواهد بود.

(۳) [سپس فرمود:] حلال همان است که خدا حلال نموده و حرام همان است که خدا حرام نموده است خداوند حلال و حرام را به من آموخت و من [نیز] حلال و حرام او را به شما رساندم.

(۴) ای مردم! هیچ دانشی نبود جز آن که خداوند آن را به من تعلیم نمود و من آن را به علی آموختم. او امام متقین و پرهیزکاران است.

(۵) ای مردم! از مسیر علی منحرف نشوید و از او فرار نکنید و نسبت به ولایت او

ص: ۱۴۲

۱- (۳۵۲) نَافِذُ أَمْرِهِ مُلْعُونٌ مَّنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَّنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَّنْ صَدَقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

۲- (۳۵۳) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْتَمِعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ رَبُّكُمْ وَ وَثِيكُمْ وَ إِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ وَثِيكُكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَثِيكُكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ،

۳- (۳۵۴) لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ لَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ، عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ أَنَا أَفْضَلُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

۴- (۳۵۵) مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُهُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.

۵- (۳۵۶) مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَكْبِرُوا مِنْ وِلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَيَّ

تکبر(۱) نورزید. همانا او هادی به حق و عمل کننده به آن است و اوست که از باطل جلوگیری می کند و آن را از بین می برد و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت کننده ای هراس ندارد. او نخستین کسی است که به خدا و رسول او ایمان آورد و جان خود را [در ليله المييت] فدای رسول او نمود. او تنها کسی است که [دو سال] در کنار رسول خدا، خدا را عبادت، نمود در حالی که جز او کسی از مردم ایمان نیاورده بود و خدا را نمی پرستید.

(۲) ای مردم! علی را در مقام و فضیلت بر دیگران مقدم بدانید، چرا که خداوند او را فضیلت داده است، و مقام او را بپذیرید، چرا که خداوند او را به این مقام نصب نموده است.

ای مردم! علی از سوی خداوند بر شما امام است و هر کس امامت او را نپذیرد خداوند توبه او را قبول نمی کند و هرگز او را نخواهد بخشید. خداوند بر خود حتم نموده که هر کس با او درباره امامت علی [علیه السلام] مخالفت کند برای همیشه او را به عذاب دردناک خود معذب نماید. پس شما از مخالفت با او بپرهیزید و گرنه گرفتار عذابی خواهید شد که هیزم آن مردم و سنگ های دوزخ است و برای کافران آماده شده است.

(۳) ای مردم! به خدا سوگند، همه پیامبران و مرسلین به رسالت و پیامبری من بشارت داده اند و من خاتم پیامبران و رسولان و حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین

ص: ۱۴۳

۱- (۳۵۷) الْحَقُّ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ هُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

۲- (۳۵۸) مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضْلُهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَ أَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَنْتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهَرَ السُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُحَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

۳- (۳۵۹) أَيُّهَا النَّاسُ بِي وَ اللَّهِ بَشَرِ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ

هستم و هرکس در رسالت من تردید کند، همانند مردم زمان جاهلیت، کافر خواهد بود و کسی که در یکی از سخنان من شک کند، در همه آنها شک نموده و کسی که در همه آنها شک نماید اهل آتش خواهد بود.

(۱) ای مردم! خداوند به سبب عنایت و تفضلی که به من دارد مرا به این فضیلت مفتخر نموده و چنین احسان و منتی را به من نهاده است. معبودی جز او نیست. حمد و ستایش من همیشه بر او باد.

(۲) ای مردم! علی [علیه السلام] را بر همه مردم فضیلت دهید. همانا او پس از من بهتر از هر مرد و زن مسلمان است، چرا که خداوند به واسطه ما، به مردم روزی می دهد و به واسطه ما، مردم زنده هستند.

(۳) ای مردم! ملعون است و ملعون است و مورد خشم خداوند است کسی که این سخن مرا نپذیرد و تسلیم آن نشود. همانا جبرئیل از سوی خداوند مرا خبر داده که خداوند می فرماید: «هرکس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد. پس هر کسی بنگرد که برای فردای خود چه فرستاده است.»

[سپس فرمود:] از خدا بترسید و با علی [علیه السلام] مخالفت نکنید که ایمان خود را از دست خواهید داد و خداوند به اعمال شما آگاه است.

ص: ۱۴۴

۱- (۳۶۰) الْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ فَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَ الشَّاكُّ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنْى أَبَدِ الْأَبْدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

۲- (۳۶۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضُّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ.

۳- (۳۶۲) مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُوَافِقْهُ إِلَّا- إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَرَلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

(۱) ای مردم! علی [علیه السلام] «جنب الله» است و هر کس ولایت او را نپذیرد، چنان که خداوند در قرآن فرموده: «یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله»، در وقت مرگ [و یا در قیامت] از روی حسرت می گوید: ای کاش من مقام علی [علیه السلام] را پذیرفته و به حق او اعتراف نموده بودم.

(۲) ای مردم! در آیات قرآن تدبّر کنید و به محکّمات آن بنگرید و در متشابهات آن از هوای نفس پیروی نکنید [تا اهل قرآن برای شما حقایق آن را بیان کنند]. به خدا سوگند، تفسیر [این گونه] آیات را جز کسی که اکنون من با دست خود دست او را بالا برده ام و او را به شما نشان داده ام نخواهد گفت، همانا هر کس من مولا و آقای اویم این علی نیز آقا و مولای اوست، او برادر و وصی من است و خداوند ولایت او را بر من نازل نموده است.

(۳) ای مردم! علی و فرزندان پاک او [از نسل من] ثقل اصغر هستند و قرآن ثقل اکبر است و هر کدام از دیگری خبر می دهد و موافق آن است. آنان هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند. [قرآن حامی عترت و عترت، مبین و نگهبان قرآن است] تا این که نزد کوثر بر من وارد شوند. همانا عترت من، امنای خداوند در میان مردم و حاکمان او در روی زمین هستند.

(۴) ای مردم! آگاه باشید که من وظیفه خویش را ادا نمودم و رسالت خود را ابلاغ

ص: ۱۴۵

۱- (۳۶۳) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ «يَا حَسْرَتِي عَلِيٌّ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»

۲- (۳۶۴) مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضَعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بَعْضُهُ وَ مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ مَوَالَاتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

۳- (۳۶۵) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصِغَرُ وَ الْقُرْآنُ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِيءٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، هُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ.

۴- (۳۶۶) أَلَا وَ قَدْ أَدَيْتُ أَلَا وَ قَدْ بَلَّغْتُ أَلَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ أَلَا وَ قَدْ أَوْضَحْتُ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ

کردم. (۱) ای مردم! آگاه باشید که من امامت علی علیه السلام را به گوش مردم رساندم و بر آنان آشکار نمودم و آگاه باشید که خداوند [امامت علی علیه السلام را] به من گفت و من از طرف او به شما گفتم. ای مردم! آگاه باشید که پس از من جز برادر علی، «امیرالمؤمنین» نخواهد بود و برای احدی بعد از من حلال نیست که خود را «امیرالمؤمنین» بداند.

۳- تصریح رسول خدا صلی الله علیه و آله به خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام

(۲) [آن گاه با دست مبارک خود، بازوی علی علیه السلام را گرفت و بالا برد - و این نخستین باری بود که آن حضرت [دست] علی علیه السلام را با دست خود بلند نمود - به اندازه ای که پاهای علی علیه السلام محاذی زانوهای رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و سپس فرمود:]

(۳) ای مردم! این علی، برادر و جانشین و وصی من بر امت می باشد. علم و دانش من نزد اوست، او جانشین من بر امت و تفسیر کننده قرآن است و اوست که مردم را به قرآن دعوت می کند و برای خشنودی خدا به قرآن عمل می کند و با دشمنان خدا می جنگد و با پیروان قرآن دوستی می نماید و مردم را از معصیت خدا باز می دارد.

[سپس فرمود:] علی جانشین رسول خدا و امیرالمؤمنین است و اوست امام هادی و کسی که به امر خداوند قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین خواهد بود. من این سخن را می گویم و هیچ کسی حق ندارد خلاف آن را بگوید؛ خدایا، هر کس علی را

ص: ۱۴۶

- ۱- (۳۶۷) أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا وَلَا تَحِلُّ أَمْرُهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.
- ۲- (۳۶۸) ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَيَّرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلَاهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ:
- ۳- (۳۶۹) مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاَعِي عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامَ الْهَادِيَ وَ قَاتِلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ، أَقُولُ مَا يَبْدُلُ الْقَوْلَ لَمَدَى بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّي اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ

دوست می دارد تو او را دوست بدار و هر کس علی را دشمن می دارد تو او را دشمن بدار و هر کس امامت او را انکار می کند تو او را لعنت کن و هر کس حق او را انکار می نماید تو بر او خشم نما.

(۱) خدایا، تو وحی خود را بر من نازل نمودی که امامت بعد از من مخصوص ولیّ تو علیّ بن ابی طالب باشد و با بیان این موضوع و نصب علی به امامت، دین خود را برای بندگانت کامل و نعمت خویش را بر آنان تمام نمودی و راضی شدی که اسلام [با ولایت علی و فرزندان او] دین مردم باشد، و فرمودی: هر کس جز اسلام را دین خود بداند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

(۲) خدایا، من تو را گواه می گیرم - گرچه گواهی من [نیز برای مردم] کافی است - که من این رسالت را ابلاغ نمودم. [سپس فرمود:] ای مردم! بدانید که خداوند دین خود را به وسیله امامت علیّ بن ابی طالب کامل نمود. پس کسانی که به او و جانشینان او - از فرزندان من - تا قیامت اقتدا نکنند، خداوند اعمال آنان را تباه و باطل خواهد نمود و در آتش دوزخ محلّد خواهند بود و هرگز عذاب آنان تخفیف نخواهد یافت و مهلت بازگشت به دنیا به آنان داده نخواهد شد.

(۳) ای مردم! علی بیش از شما مرا یاری نمود و او به من سزاوارتر و نزدیک تر و عزیزتر از شماست. ای مردم خدای عزوجلّ و من، از علی [علیه السلام] راضی و خشنود

ص: ۱۴۷

۱- (۳۷۰) الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ أَغْضِبَ عَلَيَّ مَنْ جَعَلَ حَقَّهُ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَ لِيُكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَ نَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِي شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

۲- (۳۷۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ وَ لَا يُخَفِّفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ.

۳- (۳۷۲) مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيُّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ

هستیم و هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده مگر آن که درباره او بوده و خداوند هیچ گاه مردم را به عنوان «مؤمنین» خطاب نکرده، مگر آن که نخستین «مؤمن» او بوده و هیچ آیه مدحی و ستایشی در قرآن نازل نشده، جز آن که درباره او بوده و در سوره «هل اتی» خداوند شهادت به استحقاق بهشت نداده مگر این که مربوط به او بوده و خداوند آن سوره را جز در مدح او [و فاطمه و حسن و حسین و فضه] نازل نفرموده است.

(۱) ای مردم! علی بن ابی طالب ناصر و پشتیبان دین خدا و مدافع رسول اوست. [ای مردم] علی، مرد پارسا و نیکوسیرت و هدایت کننده و هدایت یافته است. [ای مردم] پیامبر شما بهترین پیامبر و وصی و جانشین او، علی، و فرزندان او بهترین اوصیا هستند.

(۲) ای مردم! ذریه هر پیامبری از صلب اوست و ذریه من از صلب علی بن ابی طالب هستند.

(۳) ای مردم! ابلیس به سبب حسدی که نسبت به آدم داشت او را از بهشت خارج نمود. پس شما بترسید که به سبب حسدتان نسبت به علی بن ابی طالب، اعمالتان ضایع شود و از طریق مستقیم دین خارج گردید. همانا آدم به واسطه یک خطا از بهشت رانده شد و روی زمین قرار گرفت، در حالی که او برگزیده خدا بود. پس چگونه خواهد بود حال شما با چنین وضعی که دارید؟ در حالی که عده ای از شما

ص: ۱۴۸

-
- ۱- (۳۷۳) وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ وَمَا نَزَلَتْ آيَةُ رِضَىٰ إِلَّآ فِيهِ وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَلَا نَزَلَتْ آيَةُ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَبَّةِ فِي هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَهُ وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.
- ۲- (۳۷۴) مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.
- ۳- (۳۷۵) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَتِهِ وَاحِدَهُ وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَ

(۱) [سپس فرمود:] آگاه باشید که با علی دشمنی نمی کند، مگر انسان شقی و پست، و او را دوست نمی دارد مگر انسان باتقوا و نیکوسیرت، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. [ای مردم!] به خدا سوگند، سوره «العصر» درباره علی بن ابی طالب نازل شد و خداوند او را مؤمن و اهل عمل صالح و سفارش کننده به حق و صبر معرفی نمود.

(۲) ای مردم! من خدا را گواه گرفتم و رسالت خود را به شما ابلاغ نمودم. همانا بر فرستاده خدا وظیفه ای جز ابلاغ رسالت و رساندن پیام نیست.

ای مردم! آن چنان که شایسته ترسیدن است از خدا بترسید و بکوشید که مرگ شما، همراه با تسلیم باشد [و مسلمان از دنیا بروید].

(۳) ای مردم! پیش از آن که از اسلام خارج شوید و طبق فرموده خدا صورت های شما از اسلام برگردد [از روی حقیقت] به خدا و رسول او و نوری که خداوند همراه رسول خود فرستاده [یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام] ایمان بیاورید.

(۴) ای مردم! نور خدا تنها در من فرود آمده و سپس در علی و پس از او در نسل او تا منتهی شود به [فرزندم] قائم مهدی [عجل الله فرجه الشریف]؛ آن کسی که حق خدا و هر حقی که از ما ضایع شده است را برخواهد گرداند. [ای مردم] خداوند ما

ص: ۱۴۹

۱- (۳۷۶) أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا وَلَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ وَ فِي عَلِيٍّ وَ اللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصِيرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ الْعَصِيرِ إِنْ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».

۲- (۳۷۷) مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.

۳- (۳۷۸) مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا.

۴- (۳۷۹) مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكِكُمْ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ

را، برای مقصّرین و دشمنان و مخالفین و خیانتکاران و گنهکاران و ستمگران عالم، حجت قرار داده است. [و اعمال آنان به وسیله ما محاسبه می گردد].

(۱) ای مردم! من به شما اخطار می نمایم، که من فرستاده خدا به سوی شما هستم و پیش از من نیز رسولانی از طرف خدا آمده اند. پس اگر من [همانند آنان] بمیرم یا کشته شوم، آیا شما [نیز همانند امت های پیشین] از دین خود باز می گردید و به جاهلیت رو می کنید. [پس بدانید که] هر کس از دین خود باز گردد و به جاهلیت روی آورد آسیبی به خدا نمی رساند و زود است که خداوند به شکرگذاران پاداش نیک عطا نماید.

ای مردم! آگاه باشید که علی به صبر و شکرگذاری موصوف است و پس از او فرزندان من از صلب او چنین خواهند بود.

ای مردم! بر خدا منت نگذارید که مسلمان شده اید، که اگر چنین کنید او بر شما خشم خواهد نمود و گرفتار عذاب او خواهید شد. همانا او در کمین شماست.

۴- معرفی اصحاب صحیفه و غاصبین خلافت

(۲) سپس فرمود: ای مردم! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند آمد که مردم را به آتش دوزخ دعوت می کنند، آنان در قیامت پناهگاهی از عذاب الهی ندارند. [و معذب خواهند بود] و خدا و رسول او از آنان بیزارند.

ص: ۱۵۰

۱ - (۳۸۰) الْمُهَيِّدِيُّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَادِبِينَ وَالْمُخَالَفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. أَلَا وَ إِنَّ عَلِيّاً هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَعَدَى مِنْ صِلَيْهِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يُصِيبَكُمْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لَبِالْمُرْصَادِ.

۲ - (۳۸۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَنْتُمْ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.

ای مردم! رهبران و پیشوایان پس از من و پیروانشان در درکات پایین دوزخ جای خواهند گرفت و آن بد جایگاه‌یست برای متکبران و من شما را آگاه می‌سازم که آنها اصحاب صحیفه و نامه هستند. پس هر کدام شما در صحیفه و نامه خود بنگرد.

(۱) [مراد از صحیفه نامه ای است که منافقین پس از انجام حج و شنیدن سخنان رسول خداصلی الله علیه و آله در غدیر خم نوشتند و پیمان بستند که اگر پیامبر خداصلی الله علیه و آله از دنیا رفت هرگز نگذارید خلافت به علی بن ابی طالب منتقل شود. سپس آن نامه را مهر کردند و طبق آنچه در کتاب سلیم بن قیس آمده به دست ابی عبیده جراح سپردند تا آن را در کعبه بگذارد.]

[راوی خطبه می‌گوید: بیشتر مردم معنای صحیفه و ماجرای آن را نفهمیدند.]

(۲) [رسول خداصلی الله علیه و آله سپس فرمود:] ای مردم! من امامت و پیشوایی و خلافت بعد از خود را تا قیامت به دودمان خود سپردم و آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بودم گفتم و حجّت را بر حاضرین و غایبین و هر کسی که حاضر بود و یا غایب بود و به دنیا آمده بود و یا به دنیا نیامده بود تمام نمودم. پس باید این پیام را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان خود تا قیامت برسانند.

[سپس رسول خداصلی الله علیه و آله پیشگویی نمود و فرمود:] زود است که امامت و خلافت از مدار خود خارج شود و عده ای آن را غصب کنند و بر مردم سلطنت نمایند [و با سلطه گری بر آنان حکومت کنند].

ص: ۱۵۱

۱- (۳۸۲) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ إِلَّا- إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شَرِذْمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ.

۲- (۳۸۳) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَائِهِ فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدَ أَوْ لَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

[سپس (۱) آنان را لعنت نمود و فرمود:] ای مردم! آگاه باشید! لعنت خدا بر غاصبین خلافت و کسانی که خلافت آنان را می پذیرند و از آنان حمایت می کنند. [سپس به آیه عذاب تمثّل نمود که خداوند می فرماید:] «ای مردم به زودی حساب شما جنیان و انسان ها را رسیدگی خواهم نمود و شعله هایی از آتش و مس های گداخته بر شما فرود خواهد آمد و شما پناهگاهی نخواهید داشت.»

(۲) ای مردم! خداوند شما را به حال خود وانمی گذارد تا [وقتی که] خبیث و ناپاک [شما] را از طیب و پاکیزه [شما] جدا کند و البتّه او شما را بر اسرار خود مطلع و آگاه نخواهد نمود.

(۳) ای مردم! هیچ شهر و روستای گهنگاری نیست که خداوند، به سبب تکذیب پیامبران، اهل آن را هلاک نموده باشد و همواره چنین خواهد نمود چنان که در قرآن بیان نموده است. اکنون این علی ابن ابی طالب امام و ولی شما و از موالید الهی است. [و خداوند نجات شما را به پذیرفتن ولایت او مشروط نموده است] و او در وعده خود صادق است.

(۴) ای مردم! پیش از شما بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند آنان را هلاک نمود و اوست که بازماندگان را نیز [در اثر گمراهی و انحراف از صراط مستقیم] هلاک خواهد نمود. او در قرآن فرموده است: «آیا ما گذشتگان نخست را [در اثر گمراهی و ظلم] هلاک نکردیم و امت هایی را نیز به دنبال آنان هلاک نمودیم؟ اکنون

ص: ۱۵۲

۱- (۳۸۴) [ثم قال صلى الله عليه وآله:] وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُعْتَصِبِينَ وَ عِنْدَهَا سَنَفْرُغُ لَكُمْ أُيُّهَا الثَّقَلَانِ فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

۲- (۳۸۵) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

۳- (۳۸۶) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَوْمٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَ كَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ هَذَا عَلِيُّ إِمَامُكُمْ وَ وَائِيكُمْ وَ هُوَ مَوَاعِدُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَصْدُقُ مَا وَعَدَهُ.

۴- (۳۸۷) مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَ يَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ».

نیز مجرمین را هلاک خواهیم نمود. [پس] وای بر تکذیب کنندگان پیامبران در قیامت!»

(۱) ای مردم! خداوند امر و نهی خود را به من آموخت و من نیز به علی آموختم و او از ناحیه خداوند به امر و نهی او آگاه گردید. پس به سخن و دستور او گوش فرا دهید تا [از عذاب خدا] ایمن گردید و از او پیروی کنید تا هدایت شوید و از آنچه او نهی می کند پرهیز کنید تا رشد پیدا نمایید و به خواسته او عمل کنید [تا رستگار شوید] ای مردم! راه های انحرافی، شما را از مسیر علی دور نماید!

(۲) ای مردم! من هستم آن صراط مستقیمی که خداوند شما را به پیروی از آن امر نموده و پس از من [نیز] علی و فرزندان من - از دودمان او - امامان و رهبران مردمند که مردم را به حق و عدالت دعوت می کنند.

۵- معرفی دوستان و دشمنان علی علیه السلام

(۳) سپس سوره مبارکه حمد را قرائت نمود و فرمود: [این سوره درباره من و اهل بیت من نازل شده و مخصوص آنان خواهد بود. آنان اولیای خدا هستند که خوف و هراس و اندوهی بر آنان نیست. آگاه باشید که [آنان حزب خدا هستند و حزب خدا همیشه پیروزند].

ص: ۱۵۳

۱- (۳۸۸) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ اتَّقُوا لِنَهْيِهِ تُرْشِدُوا وَ صِيَرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا يَتَفَرَّقُ بَيْنَكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

۲- (۳۸۹) مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّتُهُ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ. ثُمَّ قَرَأَ:

۳- (۳۹۰) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَمَّا الضَّالِّينَ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: نَزَّلَتْ فِيَّ وَ فِيهِمْ وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.

(۱) [سپس فرمود:] ای مردم! آگاه باشید که دشمنان علی علیه السلام اهل نفاق و تفرقه و دشمنی و خیانت و برادران شیاطین هستند که هدف های شیطانی خود را به یکدیگر منتقل می کنند و با سخنان بیهوده خود همدیگر را فریب می دهند.

۶- توصیف دوستان علی و فرزندان او علیهم السلام

(۲) آگاه باشید که دوستان علی علیه السلام همان مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود می فرماید: «آنان به خدا و قیامت ایمان دارند و هرگز با دشمنان خدا و رسول او دوستی برقرار نمی کنند، گرچه پدر انشان و یا فرزندانشان و یا برادرانشان و یا خویشانانشان باشند. خداوند ایمان را در دل های آنان ثبت نموده و با روح محبت خود، آنان را تأیید فرموده و در باغستان های بهشتی - که زیر آن ها جویبارهایی جاری است آنان را - مخلص نموده است.

خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از خدای خود خشنود هستند. تنها آنها حزب خدایند و تنها حزب خدا رستگار است.»

(۳) [آری]، به راستی، خداوند دوستان آل محمد [علیهم السلام] را در کتاب خود توصیف نموده و می فرماید: «آنان به خدای خود ایمان آورده و هرگز ایمان خود را به ستم آمیخته نکرده اند. [از این رو] آنان هدایت یافته اند و از عذاب الهی ایمن هستند.»

ص: ۱۵۴

۱- (۳۹۱) أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.

۲- (۳۹۲) أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولِيَّكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۳- (۳۹۳) أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَّيَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ».

[سپس فرمود: (۱) آگاه باشید که دوستان آل محمد علیهم السلام کسانی هستند که خداوند آنان را در قرآن توصیف نموده و می فرماید: «آنان با کمال امنیت داخل بهشت می شوند و ملائکه به استقبال آنان می روند و به آنان سلام می کنند و می گویند: شما پاکیزه شدید پس برای همیشه داخل بهشت شوید.»

[سپس فرمود: آگاه باشید که دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله کسانی هستند که بدون حساب وارد بهشت می شوند.

۷- توصیف دشمنان علی و فرزندان او علیهم السلام

[سپس فرمود: آگاه باشید که دشمنان علی و فرزندان او کسانی هستند که به آتش افروخته دوزخ وارد می شوند و غرش جهنم و شعله های آن را که در حال فوران است می بینند و می شنوند و هر گروهی [از آنان] که وارد آن می شود گروه دیگر را لعنت می کند.

آگاه باشید که دشمنان علی و فرزندان او کسانی هستند که خداوند درباره آنان می فرماید: «هنگامی که گروهی در جهنم افکنده می شوند خازنان و مأموران جهنم به آنان می گویند: آیا پیامبری برای شما نیامد [و عذاب الهی را به شما گوشزد نکرد]؟ آنان می گویند: آری، پیامبری آمد و این عذاب ها را به ما گوشزد نمود و ما او را تکذیب نمودیم و گفتیم: شما دروغ می گوید و خداوند چنین چیزی را به شما نگفته و شما در گمراهی آشکاری به سر می برید.»

ص: ۱۵۵

۱ - ۳۹۴) أَلَا - إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَّيَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ وَتَتَلَقَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ أَنْ طَبَّتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ، أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ» أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصِيلُونَ سَجِيرًا أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَلَهَا زَفِيرٌ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا أَلَا - إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

[سپس فرمود: (۱)] آگاه باشید که دوستان علی و فرزندان او کسانی هستند که در پنهانی از خدای خود می ترسند و برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی خواهد بود.

[سپس فرمود:] ای مردم! بین بهشت و دوزخ تفاوت بسیاری است. همانا دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش و لعنت نموده است و دوست ما کسی است که خداوند او را ستایش نموده و او را دوست می دارد. ای مردم! آگاه باشید که من انذار کننده هستم و علی هدایت کننده است.

۸- بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف

(۲) ای مردم! آگاه باشید که من پیامبر خدایم و علی [اولین] وصی و جانشین من است و آخرین امام از خانواده من قائم مهدی صلوات الله علیه است، و اوست که بر همه ادیان غالب خواهد شد، و اوست انتقام گیرنده از ستمکاران و فتح کننده همه دژهای نظامی دشمن و نابود کننده آنها؛ و اوست که همه قبایل شرک را می کشد و انتقام خون اولیای خدا را از آنان می گیرد، و اوست یاور و ناصر دین خدا، و اوست [هادی و] کشتیان دریای عمیق [در آخر الزمان]، و اوست که هر صاحب فضلی را نشان فضیلت و هر صاحب جهلی را نشان جهالت می گذارد، و اوست برگزیده و منتخب خداوند، و اوست وارث همه علوم و محیط به آنها، و اوست سخنگوی

ص: ۱۵۶

۱- (۳۹۵) أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ. مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَانًا مَا بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالسَّعِيرِ عَدُونًا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَ لَعَنَهُ وَ وَئِينَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

۲- (۳۹۶) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا وَ إِن خَاتِمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا- إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلِّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا- إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا- إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ المَحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ المُخْبِرُ عَن رَّبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ المُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ أَلَا إِنَّهُ المَفُوضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ

خداوند و راهنمای ایمان و صاحب رشد و سداد، و اوست که امور خلاق به او واگذار(۱) گردیده، و اوست که اولیای خدا بشارت آمدن او را داده اند، و اوست حجت باقی خداوند و پس از او حجتی نخواهد بود.

کسی که هر حقی با اوست و هر نوری در اوست، و بر هر قدرتی غالب است، و هیچ کسی بر او پیروز نمی گردد. ولی خدا در روی زمین و حاکم بین مخلوق و امین الهی در پنهان و آشکار است.

(۲) ای مردم! من همه چیز را برای شما بیان نمودم و به شما تفهیم کردم و این علی بن ابی طالب است که بعد از من حقایق را به شما تفهیم خواهد نمود. آگاه باشید که من در پایان این خطبه شما را به بیعت و اقرار به مقام او دعوت می نمایم. آگاه باشید که من با خدای خود بیعت نمودم و علی بن ابی طالب با من بیعت نمود [و اینک نیز] از طرف خداوند از شما برای او بیعت می گیرم. پس هر کس بیعت خود را بشکند به خود زیان رسانده است.

۹- سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به حج و نماز و زکات

(۳) [سپس فرمود:] ای مردم! صفا و مروه از شعایر الهی است پس کسی که حج خانه خدا و یا عمره می گذارد، باید سعی صفا و مروه انجام دهد و کسی که به کار نیکی مشغول شود خداوند نسبت به او شاکر و دانا خواهد بود.

ص: ۱۵۷

۱- (۳۹۷) الْبَاقِيَ حُجَّهً وَلَا حُجَّهَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ،

۲- (۳۹۸) مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَ هَذَا عَلَيُّ يُفَهِّمُكُمْ بَعْدِي أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي. أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيُّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ.

۳- (۳۹۹) مَعَاشِرَ النَّاسِ «إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ».

(۱) ای مردم! حج را به جای آورید و به زیارت خانه خدا بروید، چرا که هیچ خانواده ای حج به جا نمی آورند مگر آن که بی نیاز خواهند شد و هیچ خانواده ای از انجام آن خودداری نمی کنند مگر آن که فقیر و نیازمند خواهند گردید. ای مردم! هیچ مؤمنی به موقف حج [در عرفات] وقوف نمی کند جز آن که خداوند گناهان گذشته او را تا آن ساعت می بخشد و چون حج او تمام می شود از گناهانش پاک شده و عمل او از سر گرفته می شود.

ای مردم! حج خانه خدا مورد لطف الهی هستند و خداوند عوض آنچه خرج کرده اند را به آنان خواهد داد و او هرگز پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد نمود.

(۲) ای مردم! با تفقه و فهم مسائل دین [و پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام] حج به جای آورید و از حج بازنگردید مگر با توبه و جدا شدن از گناه.

(۳) ای مردم! نماز را به پای بدارید [و حدود آن را رعایت کنید] و زکات را ادا نمایید، همان گونه که خداوند شما را امر نموده است. و اگر مدتی در انجام دستورات خداوند کوتاهی کردید و یا حکم خدا را فراموش نمودید، پس علی ولی شماس است و او پس از من، مبین احکام خدا می باشد و اوست که خداوند او را جانشین من قرار داده و او پاسخ دهنده و بیان کننده مسائل شما خواهد بود.

آگاه (۴) باشید که حلال و حرام خدا بیش از آن است که اکنون من آنها را برای شما

ص: ۱۵۸

۱- (۴۰۰) مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتُونَفَ عَمَلُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجِ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَ اللَّهُ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

۲- (۴۰۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتُوبَةٍ وَ إِفْلَاحٍ.

۳- (۴۰۲) مَعَاشِرَ النَّاسِ أَفِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُنْ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصَّصْتُكُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَيْكُمْ وَ لِيُكْمَ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدِي وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنْنِي وَ مَنْ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْئَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

۴- (۴۰۳) أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَ أَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي

شماره کنم و بیان نمایم و در یک جلسه نسبت به حلال و حرام خدا شما را امر و نهی نمایم. از این رو، من مأمور شده ام که در این مکان از شما برای علی، امیرالمؤمنین، و امامان پس از او - که فرزندان من و او هستند و آخرین آنان فرزندم مهدی قائم [علیه السلام] است - بیعت بگیرم.

[آری،] از نسل من و علی امامانی خواهند بود و [آخرین آنان نهمین فرزند حسینم] قائم مهدی [علیه السلام] می باشد که تا قیامت امامت او ادامه خواهد داشت و اوست که [قدرت پیدا می کند و] به حق حکم می نماید.

(۱) ای مردم! من شما را به هر حلالی راهنمایی نمودم و از هر حرامی نهی کردم و هرگز نمی توانم از گفته های خود بازگردم و تغییری در احکام خدا بدهم. پس آنچه را گفتم خوب به یاد داشته باشید. و در قلب های خود نگاه دارید و به یکدیگر توصیه نمایید و تبدیل و تغییری در آنها ایجاد نکنید.

(۲) آگاه باشید! من باز سخن خود را تکرار می کنم! پس نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و امر به معروف و نهی از منکر نمایید. و آگاه باشید که اساس امر به معروف و نهی از منکر [برای شما] این است که در گفتار من پایدار بمانید و سخنان مرا به کسی که در این مکان حاضر نبوده برسانید و [از سوی من] او را امر کنید که این سخنان را بپذیرد و با آنها مخالفت ننماید، چرا که آنچه من به شما گفتم دستوری بود از ناحیه خداوند و من نیز شما را به آن امر نمودم.

ص: ۱۵۹

۱- (۴۰۴) مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةُ قَائِمُهُمُ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّتِي يَقْضِي بِالْحَقِّ مَعَاشِرَ النَّاسِ كُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ.

۲- (۴۰۵) أَلَا- وَ إِنِّي قَدْ أَحَدَّدُ الْقَوْلَ، أَلَا- فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ

[ای مردم! هیچ امر به معروف و نهی از منکری نیست جز آن که باید با پیروی از امام معصوم باشد] و کسی حق ندارد از پیش خود مردم را امر و نهی کند.

(۱) ای مردم! قرآن در آیه «و جعلها کلمهً باقیه فی عقبه» شما را آگاه نموده که امامان بعد از علی بن ابی طالب علیه السلام از فرزندان اویند و من نیز به شما گفتم که آنان از من هستند و من نیز از آنان می باشم [یعنی آنان از نسل من هستند و دانش آنها نیز از من است و ادامه نبوت و رسالت من به وجود آنان وابسته است] و من به شما گفتم: تا وقتی که در دین خود به قرآن و عترت من تمسک جوید و از آنها پیروی کنید گمراه نخواهید شد.

(۲) ای مردم! فراوان به یاد خدا باشید و تقوای دین خود را حفظ کنید و از حساب قیامت بترسید، چرا که خداوند در قرآن فرموده است: «حادثه و زلزله قیامت چیز بزرگی است.»

[سپس فرمود: ای مردم!] مرگ و مردن و حساب قیامت و میزان عدل الهی و قرار گرفتن در مقابل عظمت پروردگار را برای حساب و ثواب و عقاب از یاد نبرید [و بدانید که] هر کسی در آن روز عمل نیکی آورده باشد پاداش آن را خواهد گرفت و هر کسی عمل زشت و یا گناهی را با خود آورده باشد سهمی در بهشت ندارد.

ص: ۱۶۰

۱- ۴۰۶) وَ تَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمَرَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنِيَّ وَ لَا- أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ. مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَائِمَّةَ مِنْ بَعِيدِهِ وَ لُحْدُهُ وَ عَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» وَ قُلْتُ: لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا.

۲- ۴۰۷) مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى التَّقْوَى إِخِذُوا السَّاعِيَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمُحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

(۱) ای مردم! جمعیت شما بیش از آن است که هر کدامتان دست بیعت به من بدهید و با من پیمان بیعت ببندید و خداوند به من امر نموده که از شما نسبت به ولایت و امامت علی بن ابی طالب و فرزندان او بیعت بگیرم و شما با زبان خود اقرار به ولایت و امامت او و فرزندانش بنمایید. پس همگی بگویید: «ما سخنان تو را شنیدیم و اطاعت کردیم و خشنود هستیم و دستور تو را نسبت به آنچه از طرف خداوند در باره علی و فرزندان او گفתי اطاعت می کنیم و با دست و زبان و جان و دل نسبت به آن با تو بیعت می نمایم و با این عقیده زنده هستیم و می میریم و در قیامت مبعوث خواهیم شد و هرگز شک و تردیدی در آن پیدا نمی کنیم و تغییر و تبدیلی در آن انجام نخواهیم داد و از عهد و پیمان خویش باز نخواهیم گشت و از خدا و رسول او و علی [امیرالمؤمنین] و فرزندان او - همان امامانی که از نسل تو هستند - پیروی و اطاعت خواهیم نمود.»

[سپس فرمود:] من منزلت و مقام [امام] حسن و [امام] حسین [علیهما السلام] را نیز از ناحیه خداوند برای شما بیان نمودم و گفتم که آنان پس از جد و پدر خود، آقای جوانان اهل بهشت هستند و پس از پدر خود - که من نیز قبل از علی پدر آنان هستم -

ص: ۱۶۱

۱- ۴۰۸) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِيَّاكُمْ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدِهِ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ آخُذَ مَنْ أَلَسَّتَيْكُمْ بِالْإِقْرَارِ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ أَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نُحْيِي وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نُعَيَّرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَزْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ مِنْ عَهْدِهِ وَ لَا- نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ وَ عَلَيْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ» الَّذِينَ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنَزَلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَنْتَهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا

امام و رهبر مردم خواهند بود. [پس شما] بگویید: «ما [پس از این سخنان] از خدا و رسول او و علی و حسن و حسین و امامان بعد از آنها [که نام بردید] اطاعت می کنیم و با علی عهد و پیمان می بندیم که از جان و دل و زبان مطیع او باشیم [و اگر نتوانستیم با دست خود با پیامبر و علی علیهما السلام بیعت نماییم، دست خود را در دست کسانی می گذاریم که با آنان بیعت نموده اند و از دل و جان پیمان بسته اند].

ما هرگز بیعت خود را نمی شکنیم و از علی علیه السلام روی نمی گردانیم و کسی را جایگزین او نمی کنیم و در این بیعت خدا را شاهد می گیریم و شهادت و گواهی او را کافی می دانیم و تو [ای رسول خدا] و همه بندگان خدا از حاضر و غایب و همه ملائکه الهی و جنود خداوند نیز بر ما گواه باشید، و خداوند بزرگ تر از هر شاهد و گواهی است.»

(۱) سپس فرمود: «ای مردم! بدانید که خداوند به آنچه گفتید [و به آن اعتراف نمودید] داناست و از گفته ها و نیت های هر کسی آگاه است. پس هر کس هدایت یافت، رستگار شد و هر کس گوش به فرمان خدا نداد، گمراه گردید و هر کس با من بیعت نمود، در حقیقت، با خدای خود بیعت نمود، چرا که دست خدا بالای دست بیعت کنندگان قرار دارد.»

(۲) ای مردم! از خدا بترسید و با علی به عنوان امیرالمؤمنین بیعت نمایید و با

ص: ۱۶۲

۱- ۴۰۹) عَلِيٌّ وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ وَ قُولُوا: «أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَا خُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ مُصَافَقِهِ أَيَّدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلسَانِهِ وَ لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَ اسْتَتَرَ وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ». مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَنْ بَاعَ فَإِنَّمَا يَبِيعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيَّدِيهِمْ.

۲- ۴۱۰) مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً

[امام] حسن و [امام] حسین و امامان بعد از آنان نیز بیعت کنید. همانا آنها تا قیامت کلمه باقیه هستند و خداوند کسانی که [به آنان] خیانت می کنند را هلاک خواهد نمود و به کسانی که به عهد خود نسبت به آنها وفا می نمایند ترحم خواهد نمود، به راستی، هر کس خیانت کند و عهد خود را نسبت به آنان بشکند به خود خیانت نموده است.

(۱) ای مردم! آنچه را من به شما گفتم بگویید [و به آن اعتراف کنید] و بر علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام نمایید و [همان گونه که خدا به شما تعلیم نموده] بگویید: «خدا یا، دستور تو را شنیدیم و اطاعت کردیم و آمرزش تو را می طلبیم. پروردگارا، بازگشت ما به سوی تو خواهد بود.» و بگویید: «ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این حقیقت هدایت نمود [و ما راه رستگاری خود را دانستیم] و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما همواره در گمراهی بودیم.»

(۲) ای مردم! فضایل علی بن ابی طالب را خدا می داند و او در قرآن به قدری فضایل او را ذکر نموده که من در یک جلسه نمی توانم آنها را بیان کنم. پس هر کس فضایل او را برای شما بیان نمود او را تصدیق نمایید.

(۳) ای مردم! هر کس از خدا و رسول او و از علی بن ابی طالب و از امامان بعد از او - که من برایتان ذکر نمودم - اطاعت و پیروی نماید، به راستی، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

ص: ۱۶۳

۱ - (۴۱۱) باقیه یهدیک الله من غدر، یزحم الله من وفی فمن نکث فإنما ینکث علی نفسه. معاشر الناس قولوا الذی قلت لکم و سلّموا علی علی بایمزه المؤمنین و قولوا: «سیمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر و قولوا: الحمد لله الذی هیدینا لهذا و ما کنا لنهتدی لو لا أن هدانا الله.»

۲ - (۴۱۲) معاشر الناس إن فضائل علی بن ابی طالب عند الله عزوجل و قد أنزلها فی القرآن أكثر من أن أحصیها فی مقام واحد فمن أنباکم بها و عرفها فصده. فممن أنباکم بها و عرفها فصده.

۳ - (۴۱۳) معاشر الناس من یطع الله و رسوله و علیاً و الائمه الذین ذکرهم فقد فاز فوزاً عظیماً.

ای مردم! کسانی که [امروز] نسبت به بیعت و پذیرفتن ولایت علی بن ابی طالب و سلام بر او، به عنوان «امیرالمؤمنین» سبقت بگیرند رستگار خواهند شد و پیش از دیگران وارد بهشت خواهند گردید.

(۱) ای مردم! سخنی بگوئید که خدا به واسطه آن از شما خشنود گردد، و بدانید که اگر شما و همه مردم روی زمین - در اثر کفران نعمت های خدا و انکار آنچه از ناحیه خداوند نازل شده است - کافر شوند هرگز آسیبی به خدا نمی رسانند.

(۲) [سپس در پایان سخنان خود فرمود:] خدایا، مردها و زن های مؤمن را [که پیامبر و اولیای تو را تصدیق نمودند] بیامرز و خشم خود را بر کافران فرو فرست، و الحمد لله رب العالمین.

مؤلف گوید: ما روایات مربوط به قصه غدیر و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبل از ایراد خطبه غدیر بلکه حوادث قبل از آن و بعد از آن را در کتاب آیات الفضایل صفحه ۱۸۸، ذیل آیه مبارکه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك...» و آیه مبارکه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» ذکر نمودیم و مصادر و رواه خطبه و کتبی که این خطبه در آنها نقل شده است را نیز مفصلاً بیان کردیم و در این کتاب هدف ما تنها ذکر متن خطبه و ترجمه آن بود که به حمد الله آماده گردید به امید آن که ما نیز جزء کسانی باشیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش نمودند این سخنان را حاضران به غایبان و پدرها به فرزندان خود برسانند.

در کتاب احتجاج (۳) آمده که پس از پایان خطبه غدیر مردم فریاد زدند: یا رسول

ص: ۱۶۵

۱- (۴۱۴) مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً.

۲- (۴۱۵) اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۳- (۴۱۶) اقول: هذا تمام الخطبه، و في الإحتجاج: فناداه القوم: سمعنا و أطعنا على أمر الله و أمر

اللَّهِ! شنیدیم و با جان و دل و دست و زبان امر رسول او را اطاعت نمودیم.

سپس گوید: مردم در پایان خطبه بر سر رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام ریختند و برای بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام هجوم آوردند و نخستین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه وآله نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمودند اولی و دوّمی و سوّمی و چهارمی و پنجمی [یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر] و سپس بقیه مهاجران و انصار و سایر مردم به ترتیب مراتب اجتماعی خود بودند [آن گاه] رسول خدا صلی الله علیه وآله در همان مکان غدیر خم نماز مغرب و عشا را پشت سر هم خواندند و سه روز در آن مکان توقف کردند تا سایر مردم بیعت نمایند و هر گروهی که بیعت می کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود: «سپاس خدایی را که ما را بر همه اهل عالم برتری داد.»

ص: ۱۶۵

۱- ۴۱۷) رسوله بقلوبنا و ألسنتنا و أيدينا و تداكوا على رسول الله صلى الله عليه وآله و على عليّ عليه السلام فصافقوا بأيديهم فكان أول من صافق رسول الله صلى الله عليه وآله الأوّل و الثانی و الثالث و الرابع و الخامس و باقى المهاجرين و الأنصار و باقى الناس على طبقاتهم و قدر منازلهم إلى أن صليت المغرب و العتمه فى وقت واحد و وصلوا البيعه و المصافقه ثلاثاً و رسول الله صلى الله عليه وآله يقول كلما بايع القوم: الحمد لله الذى فضّلنا على جميع العالمين. [الإحتجاج: ۱ / ۸۴]

در پایان کتاب و پس از بیان خطبه غدیر مناسب دیدم برخی از اشعار فارسی و عربی را درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و عید غدیر و خطبه رسول خداصلی الله علیه وآله در غدیر خم اضافه نمایم. تا دل های مؤمنین با خواندن آنها شاد گردد و حجتی در برابر مخالفین باشد؛ چرا که به فرموده علامه بزرگوار امینی در کتاب الغدیر «این اشعار برای ما در مقابل مخالفین از هر سندی محکم تر است»، زیرا در انتساب این اشعار به شعرای آن زمان تردیدی نیست. که واقعه غدیر غیرقابل تردید است و دوست و دشمن به آن معترفند.

از سویی، عید سعید غدیر، چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده، بزرگ ترین اعیاد اسلامی است و بر مسلمانان واجب است که همه ساله آن را بزرگ بشمارند و بهترین مجالس جشن و سرور را در آن برپا نمایند و طبق دستور رسول خداصلی الله علیه وآله که در خطبه غدیر فرمود: «باید این سخنان را تا قیامت حاضران به غایبان و پدرها به فرزندان منتقل نمایند»، خطبه غدیر را بیان نموده و به فرزندان و نسل های آینده تعلیم و انتقال دهند و مداحان اهل بیت علیهم السلام نیز مجالس را با خواندن اشعار مناسب این روز در فضیلت امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت زینت بدهند. از این رو، ما در این جا به بخشی از این اشعار اشاره می کنیم.

اشعار فارسی درباره غدیر

فردوس به صحرای کویر آمده امروز

یا با نفس صبح، عبیر آمده امروز

فرمان ز خداوند غدیر آمده امروز

پیغمبراسلام صلی الله علیه وآله بشیر آمده امروز

ص: ۱۶۹

عید است ولی عید غدیر آمده امروز

حیدر به همه خلق امیر آمده امروز

اصحاب، رس روز ارس را بگذارید

در عید علی (ع) دل به محمد صلی الله علیه و آله بسپارید

عید است ولی عید خداوند قدیر است

عیدی است که پیغمبر اسلام بشیر است

عیدی است که حیدر به همه خلق امیر است

عیدی است که بر جان عدونا سیر است

این عید نه نوروز، نه مرداد، نه تیر است

این عید غدیر است غدیر است غدیر است

حق است که از پاره دل گل بفشانید

تا عیدی خود را ز محمد صلی الله علیه و آله بستانید

عیدی که زمعبود رضایت شده کامل

انوار جهانگیر هدایت شده کامل

از سوی خدا لطف و عنایت شده کامل

با نطق نبی امر و صایت شده کامل

آئین پیامبر صلی الله علیه و آله به نهایت شده کامل

ابلاغ رسالت به ولایت شده کامل

جبریل دل از خواجه عالم برباید

با نغمه اکملت لکم دینکم آید

حکم آمده از خالق دادار، محمدصلی الله علیه وآله

ابلاغ کن از لعل گهربار، محمدصلی الله علیه وآله

ای دست خداوند تو را یار، محمدصلی الله علیه وآله

بر گیر عنان ناقه نگهدار، محمدصلی الله علیه وآله

ص: ۱۷۰

مگذار رود قافله مگذار، محمدصلی الله علیه وآله

فریاد زاعماق وجود آر، محمدصلی الله علیه وآله

اعلام کن این حکم خداوند قدیر است

بعد از تو علی(ع) بر همه خلق امیر است(۱)

مردم، علی(ع) و آل علی(ع) مشعل نورند

بی نور علی(ع) مردم عالم همه کورند

ما غیر علی(ع) در دو جهان یار نداریم

داریم علی(ع) را به کسی کار نداریم

با دشمن او جز سرپیکار نداریم

بیم از ستم و طعنه اغیار نداریم

جز دوستی حیدر کژار نداریم

بی او همه هیچیم و خریدار نداریم

روزی که سرشتند بعالم گل ما را

دادند همان لحظه بحیدر دل ما را

ای جان نبی جان دو عالم به فدایت

جنّ و ملک و حوری و آدم به فدایت

ارواح رسولان مکرم به فدایت

صد موسی و صد عیسی مریم به فدایت

لوح و قلم و عرش معظم بفدایت

هر چند نیم قابل من هم به فدایت

تا هست زبان سخن و نطق و سپاسم

بالله قسم جز تو امیری نشناسم (۱)

عید غدیر بر عاشقان ولایت مبارک باد

بیار باده ساقیا به عشق مرتضی علی

که شد به امر کبریا وصی مصطفی علی

در آن فضای جانفزا شنید ختم انبیا

خطاب (بَلَّغ) از خدا به شأن مرتضا علی

به حکم محکم خدا نبی نمود بر ملا

که بعد از او بود به ما امیر پارسا علی

نه در غدیر گشت از او چنین عمل عیان بگو

که بود جانشین او ز روز ابتدا علی

بود به چشم حقگرا که ننگرد به جز خدا

نه از علی خدا جدا نه از خدا جدا علی

مقام و زمزم و حرم به یمن اوست محترم

فزاید از ره کرم به سعی ما صفا علی

بیا ببزم عاشقان که آیدت به گوش جان

به محفل فرشتگان مدام بانگ یا علی

عطای خالق احد ز لطف او بما رسد

بود کفیل تا ابد برزق ماسوا علی

بود به نیک باوران به رهروان و رهبران

به جمله ی پیمبران دلیل و رهنما علی

ص: ۱۷۲

۱-۴۱۹) نخل میثم / ۱۱۹.

به آنکه راه کرده گم بگو چو از غدیر خم

ز (اِنَّمَا وَلِيُّكُم) بود امام ما علی

ز کائنات لا تخف برو به جانب نجف

که از شدائد واسف تو را کند رها علی

دلا مرو زهیچ سو قدم بزن به سوی او

حوائجت به او بگو که می کند روا علی

بخوان بنام بوالحسن کلام حی ذوالمنن

چرا که هست بی سخن حقیقت دعا علی

شعار اهل دین علی کلام مؤمنین علی

قوام مسلمین علی نشاط اولیا علی

بروز جنگ اشقیا زقتل دشمن خدا

هم از زمین هم از سما شنید مرحبا علی

به هر زمان و هر مکان در این جهان و آن جهان

ز مشکلات انس و جان بود گره گشا علی

به اقتدار رهبری به رتبه جز پیمبری

بحق کند برابری به ختم انبیاء علی

دو دست با کرامتش نشانگر شهامتش

بود عیان امامتش چو نور (والضحی) علی

به عاشقان بی ریا به عارفان باصفا

به انبیاء و اولیاء امام و مقتدا علی

مرا بود دگر چه غم زنوش و نیش و بیش و کم

بود امیر ذوالکرم به ملک ارتضا علی

به جسم مرده جان دهد بناتوان توان دهد

حیات جاودان دهد بچشمه ی بقا علی

ص: ۱۷۳

زبند غیر منفصل شدم بدوست متصل

چو باشدم به درد دل طیب آشنا علی

گهی زقتل مشرکین گهی زحلم بی قرین

بود به منطق یقین به حکم حق رضا علی

زهی خجسته حالتش کرامت و جلالتش

که گشت از عدالتش به راه حق فدا علی

بین مقام و ارتقاء به بارگاه کبریا

که شد گواه مصطفی به قول (قل کفا) علی

بهشت بی ولای او چسان نمایم آرزو

که می دهد ز خلق و خو بهشت را صفا علی

خوش آن زمان که در برش زلطف روح پرورش

به نزد حوض کوثرش مرا کند صداعلی

شهی که روز واپسین در آن سرای آتشین

شود شفیع مذنبین علی است (نحویا) علی(۱)

مصیبت مولا علی علیه السلام

تنها نه بر تو دیده تاریخ خون گریست

اعصار، عصر خون شد و چشم قرون گریست

آه تو از بلندی هستی گرفت اوج

چشم تو از تمامی عالم فزون گریست

شب تا سحر به دامن صحرا گریستی

چونان که همسرت ز مدینه برون گریست

ص: ۱۷۴

۱- ۴۲۰) سید مصطفی مهدوی (نحوی).

جز نخل های کوفه و جز مرغ شب کسی
آگه نشد که چشم تو مظلوم چون گریست
پیشانی مقدست از تیغ تا شکافت
محراب و چشم زینب مظلومه خون گریست
از بس غریب کشته شدی در صف نماز
تیغ از غم تو در کف خصم زبون گریست
با آن که بود خنده وصلت به لعل لب
هرکس که دید روی تو را لاله گون گریست
ای دوست ناامید مرانم، که دیده ام
شرمنده از عنایت تو خصم دون گریست
میشم چگونه شرح غمت را دهد که عقل
از غصه ات هماره به حال جنون گریست

مصیبت مولا علی علیه السلام

از علی بانگ اذان امشب به گوش مانیامد
مسجد کوفه پر از جمعیت و مولا نیامد
نخل های کوفه می گریند و می گویند با هم
آنکه بود از اشک چشمش آبیاری ما نیامد
پیر نایینای مسکینی چنین می گفت امشب
ای خدا یار من مسکین نایینا نیامد

کودکی با کودکی می گفت من بی شام خفتم

آنکه بر ما شام می آورد آمد یا نیامد؟

دامن مادر گرفته گوشه ویرانه طفلی

گوید ای مادر بگو امشب چرا بابا نیامد

ص: ۱۷۵

با صدای پای او لب های ما می گشت خندان

چشم ما گریان شد و از او صدای پانیامد

چاه گوید من از آن مولا هزاران راز دارم

راز دارِ در میان جامعه تنها نیامد

نام مولا گشته (میثم) شمع جمع دردمندان

گرچه شب بگذشت و آن ماه جهان آرانیامد(۱)

مرثیه مولا علی علیه السلام

گرچه در خاک نهران شد بدن خسته تو

کعبه خلق بود خانه در بسته تو

شمع سان سوختی و آب شدی دم نزدی

که جهان سوخته از گریه آهسته تو

گرچه آوای اذانت شده بر لب خاموش

می دمد لاله توحید ز گلدسته تو

کیست تا مثل تو از لطف به قاتل نگرد

ای فدای نگه چشم زخون بسته تو

گل لبخند تو نگذاشت بدانند که بود

یک جهان غصه درون دل وارسته تو

خلق، یک لحظه ز درد دلت آگاه نشد

بی صدا بود زبس گریه پیوسته تو

چه به زهرا گذرد گر بگذارد به جنان

دست بشکسته به پیشانی بشکسته تو

ص: ۱۷۶

۱- ۴۲۱) نخل میثم / ۱۲۶.

پیش از آن روز که آب و گل ما خلق شود

اشک ما ریخته بر روی به خون شسته تو

(میثم) سوخته دل را ز کرم وامگذار

گر همه رسته و عمری شده وابسته تو(۱)

شعراء الغدير في القرون الماضيه

اشاره

اقول: ذكر العلامة الأميني رحمه الله صاحب كتاب «الغدير» شعراء الغدير وعدّ منهم:

۱- اميرالمومنين عليه السلام

قال رحمه الله: نتيمن في بدء الكتاب بذكر سيدنا اميرالمؤمنين عليّ خليفه النبيّ المصطفى صلّى الله عليهما و آلهما، فإنه أفصح عربي، و أعرف الناس بمعاريض كلام العرب بعد صنوه النبيّ الأَعْظَم، عرف من لفظ المولى في قوله صلّى الله عليه و آله و سلّم: من كنت مولاه فعليّ مولاه. معنى الإمامه المطلقه، و فرض الطّاعه التي كانت لرسول الله صلّى الله عليه و آله و قال عليه السلام.

محمد النبيّ أخي و صنوي(۲)

و حمزه سيّد الشهداء عمّي

و جعفر الذي يضحى و يمسي

يطير مع الملائكه ابن امّي

و بنت محمد سكني و عرسي

منوط لحمها بدمي و لحمي

و سبطا أحمد ولدای منها

فأنيكم له سهم كسهمي

سبقتكم إلى الإسلام طراً

۱- (۴۲۲) نخل میثم / ۱۳۳.

۲- (۴۲۳) فی تاریخ ابن عساکر و غیر واحد من المصادر: صهری.

۳- (۴۲۴) فی روایه ابن ابی الحدید و ابن حجر و ابن شهر آشوب: غلاما ما بلغت أوان حلمی. و فی روایه ابن الشیخ و بعض آخر: صغیراً ما بلغت أوان حلمی. و فی روایه الطبرسی بعد هذا البيت: و صلیت الصلاة و كنت طفلاً مقراً بالنبی فی بطن أُمی

فأوجب لي ولايته عليكم

رسول الله يوم غدیر خم

فويل ثم ويل ثم ويل

لمن يلقي الإله غداً بظلمي (1)

(و يروى لاميرالمؤمنين عليه السلام ايضاً)

ما أخرجه الإمام عليّ بن احمد الواحدى عن أبى هريره قال: إجتمع عدّة من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله منهم: أبوبكر، و عمر و عثمان، و طلحه و الزبير، و الفضل بن عباس، و عمار و عبدالرحمن بن عوف، و ابوذر، و المقداد، و سلمان، و عبدالله بن مسعود رضى الله عنهم أجمعين، فجلسوا و أخذوا فى مناقبهم (فدخل عليهم عليّ عليه السلام فسألهم: فيم أنتم؟ قالوا: نتذاكر مناقبنا ممّا سمعنا من رسول الله فقال عليّ: إسمعوا منى. ثم أنشأ يقول:

لقد علم الأناس بأنّ سهمى

من الإسلام يفضل كل سهم

و أحمد النبىّ أخى و صهرى

عليه الله صلى و ابن عمى

و انى قائد للناس طراً

إلى الإسلام من عرب و عجم

و قاتل كلّ صنديد رئيس

و جبارٍ من الكفار ضخم

و فى القرآن الزمهم و لائى

و أوجب طاعتى فرضاً بعزم

كما هارون من موسى أخوه

كذاك أنا أخوه و ذاك إسمى

لذاك اقامنى لهم إماماً
و أخبرهم به بغدير خمّ
فمن منكم يعادلنى بسهمى
و إسلامى و سابقتى و رحمى
فويلٌ ثمّ وويلٌ ثمّ وويلٌ
لمن يلقى الإله غداً بظلمى
و وويلٌ ثمّ وويلٌ ثمّ وويلٌ
لجاحد طاعتى و مرید هضمى

ص: ١٧٨

١- (٤٢٥) الغدير: ٢ / ٣٣.

و ويلٌ للذى يشقى سفاهاً

يريد عداوتى من غير جرمى

و ذكره عن الواحدى القاضى الميبدى الشافعى فى شرح الديوان المنسوب الى امير المؤمنين عليه السلام. (١)

٢- حسان بن ثابت

فانه قال يوم الغدير بأمر النبى صلى الله عليه وآله:

يناديهم يوم الغدير نبيهم

بخم وأسمع بالرسول مناديا

فقال: فمن مولاكم و نبيكم

فقالوا ولم يبدوا هناك التعاميا

إلهك مولنا و أنت نبينا

و لم تلق منا فى الولاية عاصيا

فقال له: قم يا على فإنى

رضيتك من بعدى إماماً و هاديا

فمن كنت مولاه فهذا وليه

فكونوا له أتباع صدق مواليا

هناك دعا اللهم و ال وليه

و كن للذى عادا علياً معاديا

و اقدم كتاب سبق إلى روايه هذا الشعر هو كتاب سليم بن قيس الهلالي التابعى الصدوق الثبت المعول عليه عند علماء الفريقين

(كما مر فى ج ١ ص ١٩٥) فرواه بلفظ يقرب مما أتى عن كتاب «علم اليقين» للمحقق الفيض الكاشانى، و تبعه على روايته لفيف

من علماء الاسلام لا يستهان بعدتهم. (٢)

٣- السيد الحميرى رحمه الله

و قال: و من غدیرِیات السید الحمیری قوله:

یوم قام النبى فی ظلّ دوح

و الوری فی و ديقه صیخود

رافعاً کفه بیمنی یدیه

بايحا باسمه بصوت هديد

: أيها المسلمون هذا خلیلی

و وزیرى و وارثى و عقیدى

و ابن عمى ألا فمن كنت مولاه

فهذا مولاه فارعوا عهدى

ص: ۱۷۹

۱- (۴۲۶) الغدير: ۲ / ۳۲.

۲- (۴۲۷) الغدير: ۲ / ۳۴.

و عليّ منّي بمنزله هارون

بن عمران من أخيه الودود

و قوله:

أجدّ بآل فاطمه البكور

فدمع العين منهلاً غزير

و قوله:

لقا سمعوا مقاتله بخمّ

غداه يضمهم و هو الغدير

:فمن اولى بكم منكم فقالوا

مقاله واحد و هم الكثير

جميعاً: أنت مولانا و اولى

بنامنا و انت لنا نذير

فإنّ وليكم بعدى عليّ

و مولاكم هو الهادي الوزير

وزيرى فى الحياه و عند موتى

و من بعدى الخليفه و الامير

فوال الله من والاه منكم

و قابله لدى الموت السرور

و عاد الله من عاداه منكم

و حلّ به لدى الموت النشور

و قوله:

الا الحمد لله حمداً كثيراً

ولّى المحامد ربّاً غفوراً

هدانى إليه فوحدته

و أخلصت توحيدہ المستنيرا

و قوله:

لذلك ما اختاره ربّه

لخير الأنام وصيّاً ظهيراً

فقام بخمّ بحيث «الغدير»

و حط الرحال و عاف المسيرا

وقمّ له الدوح ثم ارتقى

على منبر كان رحلاً و كورا

و نادى ضحى بأجتماع الحجيج

فجاؤا إليه صغيراً كبيراً

فقال و فى كفّه حيدر

يليح اليه مبينا مشيرا

: الا إنّ من أنا مولى له

فمولاه هذا قضا لن يجورا

فهل أنا بلغت؟ قالوا: نعم

فقال: اشهدوا غيباً او حضوراً

يبلغ حاضرکم غائباً

واشهد ربّي السميع البصیرا

فقوموا بأمر ملک السما

یبايعه کل علیه أمیرا

ص: ۱۸۰

فقاموا: لبيعته صافقين

أَكْفَأَ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ نَكِيرًا

فَقَالَ إِلَهِي وَالْوَالِي

وَعَادَ الْعَدُوَّ لَهُ وَالْكَفُورَا

وَكُنْ خَادِلًا لِلْأُولَى يَخْذَلُونَ

وَكُنْ لِلْأُولَى يَنْصُرُونَ نَصِيرَا

فَكَيْفَ تَرَى دَعْوَةَ الْمُصْطَفَى

مَجَابًا بِهَا أَوْهَبَاءَ نَشِيرَا

أُحِبُّكَ يَا ثَانِي الْمُصْطَفَى

وَمَنْ أَشْهَدَ النَّاسَ فِيهِ الْغَدِيرَا

وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّبِيَّ الْأَمِينِ

بَلَّغَ فِيكَ نِدَاءً جَهِيرَا

وَإِنَّ الَّذِينَ تَعَادُوا عَلَيْكَ

يُصَلُّونَ نَارًا وَسَاءَتْ مَصِيرَا

قَفَّ الدِّيَارِ وَحَيْهِنَ دِيَارَا

وَاسْقِ الرَّسُولَ الْمَدْمَعِ الْمَدْرَارَا

كَانَتْ تَحَلُّ بِهَا النُّوَارِ وَزِينِ

فِرْعَى إِلَهِي زَيْنَبًا وَنَوَارَا

قَلِّ لِلذِّي عَادَى وَصِيَّ مُحَمَّدِ

وَأَبَانَ لِي عَنْ لَفْظِهِ إِنْكَارَا

و يقول فيها:

من خاصف نعل النبي محمّد

يرضى بذاك الواحد الغفّارا

فيقول منه معلناً خير الورى

جهراً و ما ناجى به إسرارا

:هذا وصّى فيكم و خليفتى

لا تجهلوه فترجعوا كفّارا

و له بيوم «الدوح» أعظم خطبه

أدى بها وحي الإله جهارا(1)

و من غدريات السيد الحميرى ايضاً:

هب على بالملام و العذل

و قال: كم تذكر الشعر ألول

كفّ عن الشر فقلت: لا تقل

و لا تخل أكفّ عن خير العمل

إنّى احبّ حيدرأً مناصحاً

لمن قفاموا ثباً لمن نكل

احبّ من آمن بالله و لم

يشرك به طرفه عين فى الأزل

و من غدا نفس الرسول المصطفى

صلّى عليه الله عند المبتهل

و ثانی النبی فی یوم الکسا

اذ ظهر اللّٰه به من اشتمل

ص: ۱۸۱

۱-۴۲۸) الغدير: ۲ / ۲۱۷.

و قال: خَلَّفْتُ لَكُمْ كِتَابَهُ
و عترتى و كل هذين ثقل
فليت شعرى كيف تخلفوننى
فى ذا وذا إذا أردت المرتحل
و جاء من مكه والحجيج قد
صاحبه من كل سهل وجبل
حتّى إذا صار بخمّ جاءه
جبرئيل بالتبليغ فيهم فنزل
و قَمَّ ذَاكَ الدَّوْحَ فَاسْتَوَى عَلَى
رَحْلِ و نادى بعليّ فارتحل
و قال: هذا فيكم خليفتى
و من عليه فى الامور المتكل
نحن كهاتين و أوما باصبع
من كفه عن اصبع لم تنفصل
لا تبتغوا بالطهر عنه بدلا
فليس فيكم لعلى من بدل
ثم ادار كفه لكفه
يرفعها منه إلى أعلا محل
فقال: بايعوا له و سلّموا ال
-أمر إليه و اسلموا من الزلل

ألست مولاكم؟ فذا مولى لكم

والله شاهد بذنا عزوجل

يا ربّ وال من يوالى حيدرا

و عاد من عاداه واخذل من خذل

يا شاهدى بلغت ما أنزله

إلى جبريل و عنه لم أحل

فبايعوا و هثوا و بخبخوا

و الصدر مطوى له على دغل

فقل لمن ينقم منه: ما رأى

و قل لمن يعدل عنه: لم عدل؟ [\(1\)](#)

و من شعره أيضاً:

أعلمانى أى برهان جلى

فتقولان بتفضيل على

بعد ما قام خطيباً معلناً

يوم «خم» باجتماع المحفل

أحمد الخير و نادى جاهراً

بمقال منه لم يفتعل

قال: انّ الله قد أخبرنى

فى معارض الكتاب المنزل

: انّه أكمل ديناً قيماً

بعلی بعد أن لم يكمل
و هو مولاكم فویل للذی
یتولی غیر مولاہ الولی

ص: ۱۸۳

۱- (۴۲۹) المصدر / ۲۲۶.

و هو سيفى و لسانى و يدى

و نصيرى أبدأ لم يزل

و هو صنوى و صفيى والذى

حبّه فى الحشر خير العمل

نوره نورى و نورى نوره

و هو بى متصل لم يفصل

و هو فيكم من مقامى بدل

ويل من بدل عهد البدل

قوله قولى فمن يأمره

فليطعه فيه و ليمثل

إنما مولاكم بعدى إذا

حان موتى و دنا مرتحلى

ابن عمى و وصيى و أخى

و مجيبى فى الرعيل الأول

و هو باب لعلومى فسقوا

ماء صبر بنقيع الحنظل

فطبوا فى وجهه واثمروا

بينهم فيه بأمر معضل

و من شعره أيضاً:

اشهد بالله و آلاءه

و المرء عمّا قاله يسأل
إنّ عليّ بي ابى طالب
خليفه الله الذى يعدل
و أنّه قد كان من أحمد
كمثل هارون و لامرسل
لكن وصى خازن عنده
علم من الله به يعمل
قد قام يوم «الدوح» خير الورى
بوجهه للناس يستقبل
لكن تواصوا بعلى الهدى
ان لا يولّوه و ان يخذلوا
و من شعره أيضاً:
قام النبى يوم خمّ خاطباً
بجانب الدوحات او حياها
فقال: من كنت له مولى فذا
مولاه ربى اشهد مراراً قالها
قالوا: سمعنا و أطعنا كلّنا
و أسرعوا بالألسن اشتغالها
و جاء هم مشيخه يقدمهم
شيخ يهنى حيدرأ مثالها

قال له: بَخَّ بَخَّ من مثلكا

أصبحت مولى المؤمنين يالها

يا عجباً وللزمان عجبٌ

تلقى ذوا الفكر به ضلالها

ص: ١٨٣

إِنَّ رَجَالًا بَايَعْتَهُ أَنَّمَا

بَايَعْتَ اللَّهَ، فَمَا بَدَالَهَا؟!

و كَيْفَ لَمْ تَشْهَدْ رَجَالَ عِنْدَمَا

اسْتَشْهَدَ فِي خُطْبَتِهِ رَجَالَهَا؟!

و نَاشِدَ الشَّيْخِ فَقَالَ: إِنِّي

كَبِرْتُ حَتَّى لَمْ أَجِدْ أَمْثَالَهَا

فَقَالَ: وَ الْكَاذِبُ يَرْمِي بَالْتَنِي

لَيْسَ تَوَارِي عَمَهُ تَنَالَهَا

اشار في الآيات إلى ما مرّج ١ ص ١٦٦ - ١٨٥ و ١٩١ - ١٩٥ من حديث مناشده اميرالمؤمنين عليه السلام في الرحبه بحديث الغدير لما نوزع في خلافته و كتمان أنس بن مالك شهادته له وإصابه دعوته عليه السلام عليه.

و من شعره أيضاً:

لَمَنْ طَلَّلَ كَالْوَشْمِ لَمْ يَتَكَلَّمْ

و نَوَى و آثَارُ كَتْرَقِيشِ مَعْجَمٌ؟؟

قال [الاربلى] في كشف الغمه ص ١٢٤: السيد الحميرى رحمه الله كان كيسائياً يقول برجعه أبى القاسم محمّد بن الحنفية فلما عزّفه الإمام جعفر بن محمّد الصادق عليهما السلام الحقّ والقول بمذهب الإماميه الإثنى عشرية ترك ما كان عليه و رجع إلى الحقّ و قال به، و شعره رحمه الله في مذهبه مشهوراً لا حاجة إلى ذكره لاشتهاره.

و ينبئك عن مذهبه الحق الصحيح قوله:

على آل الرسول و أقربيه

سلامٌ كلما سجع الحمام

أليسوا في السماء هم نجوم

و هم أعلام عز لا يرام

فيامن قد تحير في ضلال

أميرالمؤمنين هو الإمام

رسول الله يوم [غدیر خم]

أناف به وقد حضر الانام

و ثانی أمره الحسن المرجي

له بيت المشاعر و المقام

و ثالثه الحسين فليس يخفي

سنا بدر إذا اختلط الظلام

و رابعهم علي ذوالمساعى

به للدين و الدنيا قوام

و خامسهم محمد ارتضاه

له فى المآثرات إذن مقام

و جعفر سادس النجباء بدر

ببهجته زها البدر التمام

ص: ١٨٤

و موسى سابع و له مقام

تقاصر عن أدانيه الكرام

على ثامن و القبر منه

بأرض الطوس إن قحطو ارهام

و تاسعهم طريد بنى البغايا

محمّد الزكّي له حسام

و عاشرهم على و هو حصن

يحن لفقده البلد الحرام

و حادى العشر مصباح المعالى

منير الضوء الحسن الهمام

و ثانى العشر حان له القيام

محمّد الزكى به اعتصام

أولئك فى الجنان بهم مساغى

و جيرتى الخوامس و السلام(1)

اشعار السيد فى حديث العشيره

قال العلامة الأمينى و فى شعره الطافح بمعانى الكتاب و السنّه شهاده صادقه على احاطته بما فيها من مرامى و اشارات و نصوص و تصريحات، و كلما ازدادت الفضيله قوّه، و البرهان وضوحاً و كانت الحجّه بالغه كان اعتناؤه بسرد القريض فيها اكثر كحديث الغدير و المنزله و التطهير و الزايه و الطير و أمثالها، ومنها: حديث العشيره الوارد فى قوله تعالى: و أنذر عشيرتكم الأقرين. فى بدء الدّعوه النبويّه فقد أشار إليه فى عدّه قصايد منها قوله:

بأبى أنت و أمى

يا أمير المؤمنين

بأبي أنت و أمي

و برهطي أجمعينا

و بأهلي و بمالي

و بناتي و البنينا

و فدتك النفس مني

يا امام المتقين

و أمين الله والوا

رث علم الأولينا

و وصي المصطفى

احمد خير المرسلينا

و ولي الحوض والذا

ئد عنه المحدثينا

أنت أولى الناس بالنا

س و خير الناس دينا

ص: ١٨٥

كنت فى الدنيا أخاه
يوم يدعو الأقربينا
ليجيبوه الى اللّ
- فكانوا أربعينا
بين عمّ و ابن عمّ
حوله كانوا عرينا
فورثت العلم منه
و الكتاب المستينا
طبت كهلاً و غلاماً
و رضيعاً و جنينا
ولدى الميثاق طيناً
يوم كان الخلق طينا
كنت مأموناً و جيهاً
عند ذى العرش مكينا
فى حجاب النور حياً
طيباً للطاهرينا(1)

٤- الفقيه الشّيخ محمّد حسين النّجفى

ما قاله الفقيه الحكيم الإلهى الشّيخ محمّد حسين المعروف بالكمپانى فى «انوار القدسيّه» فى وصف الغدير و تكميل الدّين بولايه
امير المؤمنين عليه السلام:

عيد الغدير أعظم الأعياد

كم فيه لله من الأيادي

أكمل فيه دينه المبيينا

ثم ارتضى الإسلام فيه دينا

بنعمه و هي أتم نعمه

مناً على الناس به اتمه

بنعمه الأمره و الولايه

أقام للدين الحنيف رايه

تظلّ العرش و ما سواه

و الملاء الأعلى و ما حواه

أبان للعلم بهذا العلم

ماجلّ ان يخطر في التوهم

و كيف و هو عند أهل المعرفه

يعرف عن أعظم إسم وصفه

و هو مدار الغيب و الشهود

و القطب في دائره الوجود

أبوالعقول و النفوس الكامله

و المثل الأعلى لمن لا مثل له

و إنه لكعبه التوحيد

قبله كلّ عارف و جيد

لروحه المقدس المنيع

أكرم بها ولايه لمن أتى

فى فضله الظاهر نصّ هل أتى

و هو ولىّ الامر بالنصّ الجلىّ

و عنده علم الكتاب المنزل

طار بفضله حديث الطائر

إلى سنام العرش والدوائر

ولا أباهى بحديث المنزله

فإنّه دون مقام هوله

و قال رحمه الله فى سرّ واقعه الغدير:

و ما أتى إلى النبىّ الأُمىّ

كما أتاه فى غدير خمّ

من آيه فى غايه التشديد

حاويه للوعد و الوعيد

آمره بنصب من لولاه

ما بلغ المبدء منتهاه

فأوقف القوم عن المسير

فى شدّه الرمضاء و الهجير

و اتّخذوا من الحدوج منبرا

فقام بالتبليغ سيّد الورى

لما رقى نبينا الحدوجا

ثبتي به إلى السماء العروجا
و مذتلاه الصنور راقيا بها
أشرقت الأرض بنور ربها
فاجتمع البحران في الغدير
واقترن السعدان في الأثير
و اتصل القوسان في الوجود
من مبداه الغيب إلى الشهود
فيه تجلت لأولى الكمال
مراتب الجلال و الجمال
ثم ابتدى بخطبه المفصله
مالعلي من عظيم المنزله
و قال للناس ألتست أولى
بالمؤمنين كالعلي الأعلى
قالوا بلى و الغدر في الفؤاد
مكتمن كالنار في الرماد
فقال و الوصي في يميناه
من كنت مولاه فذا مولاه
فالمرتضى العلي قدراً رسمه
مولاهم بكل معنى الكمه
والنظم والترتيب في القول يفي

بكونه أحقّ بالتصرف

بل هو أقصى رتب الولاية

ليس لها حدّ ولا نهاية

فإنّه مجلى صفات البارى

فى موضع الايراد و الاصدار

و نشأه التكوين و الابداع

منقاده لأمره المطاع

ص: ١٨٧

و القلم الأعلى و لوح الحكمة

أمّ الكتاب و أبو الأئمة

بشرى الغدير

بشرى لمن يرى الغدير عيدا

له الهنا عاش به سعيدا

يوم به تحيي قلوب الشيعة

فالله قد أحى به الشريعة

جدّد فيه العهد و الميثاق

فضاءت الأنفس و الآفاق

يوم على العرش استوى ربّ العلا

فاهتزت السبع العلا تهللا

يوم ترى فيه الكرام البرره

(وجوهها ضاحكه مستبشره)

يوم على رغم اللثام الفجره

(ترى وجوهها عليها غيره)

(الغدر و الختل)

ما أسعد الغدير لولا الغدر

لكن بأهله يحيق المكر

فحينما غاب النبيّ المصطفى

بدت حسيكه النفاق و الجفا

فانقلبوا بمقتضى الكتاب

بعد نبيهم على الاعقاب

ماراقبوا الذمام فى نبيهم

واغتصبوا الأمره من وليهم

و ما زالهم عن الحق الجلى

الأ اتباع الحق فيهم من على

و هو شديد بأسه و الحق مر

فانهزم الجمع و ولّوا الدبر

صدّوا و سدّوا باب علم الهادى

بفتح باب بيعه الاعرابى

ما كان فى ناديهم السخيفه

اعظم منكرأ من الخليفه

أعن على تدفع الخلافه

و يقتدى بأخبث الخباثه

أيستباح منبر النبوه

و يحرم المخصوص بالاخوه

كيف يقاد قائد الإسلام

ليبعه الأردل فى الانام

أيسلب اللواء من فخرلوى

يحمله الطاغى تيم وعدى

اتصرف الزعامه الكبرى إلى

من لاينال العهد من ربّ العلا

ص: ١٨٨

يا ويلهم قد هدموا قصرًا سما
بالشرف الأقصى إلى هام السماء
فخرّ من عليا قريش ماجد
من لا يحاذى كعبه الأماجد
وابتّر من رأس الفخار تاجه
فماترى من بعده نتاجه
منهم جرى من بعد كل ما جرى
فإنّ كلّ الصيد في جوف الفرى
قد خفضوا مقامه الرفيعا
و حقه ما بينهم أضيعا

قصيده غديريّه

ها علىّ بشرّ كيف بشر
رُبّه فيه تجلّى و ظهّر
علّه الكون و لولاه لما
كان للعالم عين و أثر
وله ابدع ما تعقله
من عقول و نفوس و صور
فلك في فلك فيه نجوم
صدف في صدف فيه درر
ما رمى رميه إلا و كفى

مَا غَزَا غَزْوَةً إِلَّا وَظَفَرُوهُ
أَغْمَدَ السَّيْفَ مَتَى قَابَلَهُ
كُلُّ مَنْ جَرَّدَ سَيْفًا وَشَهَرَ
أَسَدُ اللَّهِ إِذَا صَالَ وَصَاحُ
أَبْوَا الْأَيْتَامِ إِذَا جَادَ وَبَرَّ
حُبُّهُ مَبْدَأُ خُلْدٍ وَنَعِيمُ
بُغْضُهُ مَنَشَأُ نَارٍ وَسَقَرُ
هُوَ فِي الْكُلِّ إِمَامُ الْكُلِّ
مَنْ أَبُو بَكْرٍ وَمَنْ كَانَ عُمَرُ
لَيْسَ مَنْ أَدْنَبَ يَوْمًا بِإِمَامٍ
كَيْفَ مَنْ أَشْرَكَ دَهْرًا وَكَفَرَ
كُلُّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ
مَوْتُهُ مَوْتُ حِمَارٍ وَبَقَرُ
خَصْمُهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَلَوْ
شَرِبَ الْخَمْرَ وَغَنَى وَفَجِرَ
مَنْ لَهُ صَاحِبُهُ كَالزَّهْرَاءِ
أَوْ سَلِيلُ كَشْبِيرٍ وَشُبْرُ
عَنْهُ دِيوَانُ عُلُومٍ وَحِكْمٍ
فِيهِ طُومَارُ عِظَاتٍ وَعَبْرُ
بُوتْرَابٍ وَكُنُوزُ الْعَالَمِ

عِنْدَهُ نَحْوَ سِفَالٍ وَ مَدْرُ

وَ هُوَ النُّورُ وَ أَمَّا الشُّرَكَاءُ

كَظُلَامٍ وَ دُخَانٍ وَ شَرَرٍ

أَيُّهَا الْخَصْمُ تَذَكَّرْ سَنَدًا

مَتْنُهُ صَحَّ بِنَصِّ وَ خَيْرٍ

ص: ١٨٩

إِذْ أَتَى أَحْمَدُ فِي خُمِّ غَدِيرِ

بِعَلِيٍّ وَعَلَى الرَّحْلِ نَبْرِ

قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا مُوَلَّاهُ

فَعَلِيٌّ لَهُ مُوَلَّاهُ وَمَفْرَهُ

قَبْلَ تَعْيِينِ وَصِيِّ وَوَزِيرِ

هَلْ تَرَى فَاتَ نَبِيِّ وَهَجْرِ

مَنْ أَتَى فِيهِ نُصُوصٌ بِخُصُوصِ

هَلْ يَاجْمَاعِ عَوَامٍ يُنْكِرُ؟!

آيَةُ اللَّهِ وَهَلْ يُجْحَدُ مَنْ

خَصَّه اللَّهُ بِآيٍ وَسُورِ

وُدُّهُ أَوْجِبُ مَا فِي الْقُرْآنِ

أَوْجِبَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَآمَرَ

مُدَّعَى حُبِّ عَلِيٍّ وَعِدَاهُ

مِثْلُ مَنْ أَنْكَرَ حَقًّا وَاقْرَأَ (١)

اقول: و الشعر في الغدير من الشعراء القديم و الحديث كثير جداً و اكتفينا بهذا للاختصار و من أراد التفصيل فليراجع الى كتاب الغدير و غيره من الكتب المعده لذلك.

ص: ١٩٠

١- (٤٣٢) آيه الله حاج ملا علي خوني نجفي.

- ۱- الحجّ و الزّیاره، عربی.
- ۲- آداب حجّ و زیارت حرمین شریفین، فارسی.
- ۳- میزان الحقّ یا حقیقت مظلوم، فارسی - عربی.
- ۴- آیات الفضائل یا فضائل علی علیه السلام در قرآن، عربی - فارسی.
- ۵- دوله المهدی علیه السلام یا حکومت امام زمان عجل الله فرجه الشریف، فارسی - عربی.
- ۶- اسوه النساء، بانوی نمونه عالم، فارسی - عربی.
- ۷- امام الشهداء و سالار شهیدان، فارسی - عربی.
- ۸- انتظار مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور، فارسی - عربی.
- ۹- شهید خراسان و پناه شیعیان، فارسی - عربی.
- ۱۰- عاشقان کربلا، زیارات عتبات عالیات عراق.
- ۱۱- آیین همسررداری و آداب زندگی در اسلام، فارسی - عربی.
- ۱۲- بشارت های معصومین علیهم السلام، فارسی - عربی.
- ۱۳- مژده های رحمت در قرآن همراه خطبه غدیر، فارسی - عربی.
- ۱۴- محرمات اسلام، فارسی - عربی.
- ۱۵- ماه های رحمت، ترجمه کتاب «فضائل الأشهر الثلاثة» مرحوم صدوق، فارسی - عربی.
- ۱۶- امام صادق علیه السلام، ترجمه کتاب «الإمام الصادق علیه السلام» از مرحوم علامه مظفر، فارسی.
- ۱۷- پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله، ترجمه کتاب «مناقب آل ابی طالب علیه السلام» تألیف علامه ابن شهر آشوب.
- ۱۸- واجبات اسلامی، فارسی و عربی.

۱۹- پیام های قرآنی، یکصد و ده پیام نورانی قرآن.

۲۰- رهبران معصوم علیهم السلام.

۲۱- راه خدانشناسی.

۲۲- خطبه غدیر با ترجمه فارسی.

۲۳- بشارت های مهدویت، فارسی - عربی.

۲۴- در پناه قرآن.

۲۵- فتنه های آخر الزمان، فارسی - عربی.

۲۶- راه بهشت.

۲۷- اخلاق و سیره محمدی صلی الله علیه وآله.

۲۸- دفاع از مقام ولایت.

۲۹- حقوق برادران دینی، ترجمه مصادقه الإخوان (از مرحوم صدوق).

۳۰- رجعت معصومین علیهم السلام به دنیا.

۳۱- از مرگ تا بهشت.

ص: ۱۹۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

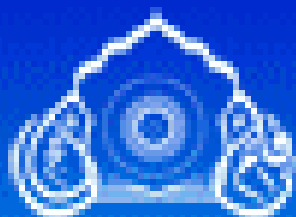
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

